

دفتر امور اجتماعی استانداری چهارمحال و بختیاری

عنوان گزارش

**بررسی راهکارهای ارتقاء سرمایه اجتماعی در استان
چهارمحال و بختیاری در راستای وظایف دستگاه‌های
اجرایی استان**

نام مجری

دکتر حسینعلی قجری

تاریخ تدوین

آذر ۱۳۹۷

شناسه گزارش:

نام گزارش: بررسی راهکارهای ارتقاء سرمایه اجتماعی در استان چهارمحال و

بختیاری در راستای وظایف دستگاه‌های اجرایی استان

کارفرما: دفتر امور اجتماعی استانداری چهارمحال و بختیاری

مجری: دکتر حسینعلی قجری

مشخصات ظاهری:

سال انتشار: ۱۳۹۷

فهرست مطالب

۶.....	فصل اول: کلیات تحقیق
۷.....	بیان مسأله
۱۰.....	اهمیت و ضرورت:
۱۱.....	اهداف تحقیق:
۱۲.....	(۱) هدف کلی
۱۲.....	(۲) اهداف جزئی:
۱۲.....	سؤالات پژوهش
۱۳.....	فصل دوم ادبیات تحقیق
۱۴.....	الف- پژوهشهای پیشین
۱۴.....	الف- (۱) منابع و یافته‌های تجربی
۱۷.....	الف- (۲) پژوهشهای داخلی
۲۲.....	الف- (۳) پژوهشهای خارجی
۳۱.....	ب- مباحث نظری:
۳۱.....	ب- (۱) تاریخچه سرمایه اجتماعی

- ب-۲) تعریف سرمایه اجتماعی و مفاهیم مرتبط ۳۳
- ب-۳) مضمون سرمایه اجتماعی در آثار صاحب نظران ۳۶
- ب-۴) مبانی نظری ۴۰
- ب-۴-۱) رابرت پاتنام: ۴۱
- ب-۴-۲) جیمز کلمن: ۴۳
- ب-۴-۳) پیر بوردیو: ۴۴
- ب-۴-۴) فوکویاما: ۴۵
- ب-۵) چارچوب نظری: ۴۶
- ب-۵-۱) عناصر و مؤلفه های سرمایه اجتماعی ۴۹
- ب-۵-۲) نقش نهادها در سرمایه اجتماعی ۵۲
- ب-۵-۳) نقش دولت در ایجاد سرمایه اجتماعی ۵۷
- عوامل تهدید کننده سرمایه اجتماعی ۶۱
- فصل سوم روش تحقیق ۶۶
- روش و تکنیک تحقیق: ۶۷
- جامعه آماری: ۶۷
- روش نمونه گیری ۶۷
- تعاریف عملیاتی ۶۸
- شیوه گردآوری اطلاعات ۷۳
- شیوه تجزیه و تحلیل اطلاعات ۷۳
- فصل چهارم: وضعیت موجود، علل و راهکارهای ارتقاء سرمایه اجتماعی توسط دستگاههای اجرایی ۷۴

توصیف وضع موجود بر اساس طرح ملی سنجش سرمایه اجتماعی کشور برش استان چهارمحال و بختیاری (۱۳۹۴).....	۷۵
الف- ویژگی های زمینه ای- جمعیتی نمونه های تحقیق.....	۷۵
ب- ویژگی های اجتماعی.....	۷۶
ج- میزان کل سرمایه اجتماعی استان و رابطه آن با متغیرهای زمینه ای.....	۷۹
د- میزان سرمایه اجتماعی سطح کلان و رابطه آن با متغیرهای زمینه ای.....	۸۱
ه- میزان سرمایه اجتماعی سطح میانی و رابطه آن با متغیرهای زمینه ای.....	۸۳
و- میزان سرمایه اجتماعی سطح خرد و رابطه آن با متغیرهای زمینه ای.....	۸۵
عوامل، نهادها و کنشگران تأثیرگذار بر سرمایه اجتماعی.....	۸۶
راهکارهای ارتقا سرمایه اجتماعی توسط دستگاههای اجرایی.....	۸۷
فرهنگی و فرهنگسازی.....	۹۱
ساختاری و موقعیتی (کلان، میانی و خرد).....	۹۲
فردی و آموزشی و توانمندسازی.....	۹۶
اقدامات، برنامه ها، محدودیت ها، موانع و راهکارهای پیشنهادی دستگاههای اجرایی و ... استان برای ارتقا سرمایه اجتماعی.....	۹۹
فهرست منابع.....	۱۲۷
ضمیمه: پرسشنامه ادارات.....	۱۳۰

فصل اول کلیات تحقیق

بیان مسأله

چگونگی روابط بین افراد، جمع های انسانی، سازمان ها و نهادها همواره موضوع بسیار مهمی برای مقامات اجتماعی و سیاسی هر کشور بوده است؛ چرا که تعاملات و پیوستگی های بین افراد نقش محوری را در ساختن و پایداری جمع های انسانی و جامعه بزرگتر دارند؛ تا جایی که روابط و تعاملات اجتماعی به مثابه دارایی و ثروت تلقی شده که از آن می توان برای افزایش منابع در اختیار و یا ایجاد منابع جدید استفاده کرد. در آغاز، تصور بر این بود که صرفاً سرمایه های طبیعی، فیزیکی، مالی و انسانی، استعداد و توان اثرگذاری در فرایند تولید و افزایش ثروت و داشته های یک جامعه دارند. در حالی که در عصر جدید، شاهد نگاه تازه تری هستیم که از وجود و سهم سرمایه تازه ای با عنوان سرمایه اجتماعی، یاد می کنند؛ سرمایه ای که مولد و مقوم پایداری و حفظ اجتماعی پویا است. این سرمایه به رغم اینکه در چند دهه اخیر گستره قابل توجهی را در نوشته های نظری و سیاسی حوزه اجتماعی پیدا کرده است لیکن با دقت در محتوا و هسته اصلی تشکیل دهنده آن یعنی؛ کم و کیف روابط و پیوندهای اجتماعی، متوجه می شویم که قدمت سرمایه اجتماعی، محدود به چند دهه اخیر نمی شود بلکه می توان آن را در آموزه های دینی و اخلاقی، اندیشه اندیشمندان و صاحب نظران قدیمی نیز ردیابی کرد. در دوره جدید، توجه به سرزندگی حیات جمعی و وجود گرمای اجتماعی به مثابه پادزهری برای نابسامانی اجتماعی، تقویت وفاق و هم گرایی اجتماعی، وجود حسن نیت، حمایت و همدلی متقابل بین افراد، سازمان ها و نهادهای اجتماعی را خاستگاه اعتنای به سرمایه اجتماعی دانسته اند؛ امری که امروزه قرین با کاهش آسیب های اجتماعی و تقویت نظم اجتماعی پویا و توسعه اجتماعی است. به گواهی نوشته های نظری و سیاستی در باب فرایند توسعه یک کشور در کنار انواع سرمایه (اعم از طبیعی، فیزیکی، مالی و انسانی) سرمایه اجتماعی هم به عنوان درون داد و هم برون داد توسعه به شمار می آید؛ به گونه ای که فقدان سرمایه اجتماعی را در حلقه مفقوده توسعه، نظم و پویایی جامعه دانسته اند و پرسش هایی

چون سرمایه اجتماعی چیست؟ چه وضعیت و توزیعی در جامعه دارد؟ چگونه تولید می شود؟ چگونه دچار فرسایش می شود؟ چه اشکالی پیدا می کند؟ این اشکال چه ارتباطی با یکدیگر دارند؟ هر کدام از چه نکات قوت و ضعفی برخوردار هستند و در نهایت، سرمایه اجتماعی چه نقشی در تحقق نظم اجتماعی دارد؟ پرسش های کلیدی مبحث منابع اجتماعی و حوزه سیاستگذاری اجتماعی هستند. با چنین پنداشتی، چگونگی و کم و کیف روابط اجتماعی، نقش کلیدی را در ارتباط با سرمایه اجتماعی پیدا می کند؛ زیرا کم و کیف روابط اجتماعی، تعیین کننده چگونگی نظم اجتماعی جامعه است. جوهر و خمیر مایه سرمایه اجتماعی را در نظام روابط و تعاملات اجتماعی در مقیاس های خرد، میانی و کلان جستجو می کنند و بر این مبنا سرمایه اجتماعی، بیانگر کم و کیف روابط اجتماعی و نحوه تعاملات کنشگر اجتماعی است. آن شدت و کیفیت روابط تعاملات بین افراد و گروه ها، احساس تعهد و اعتماد دوجانبه به هنجارها و ارزش های مشترک را شامل می گردد. وزن و تنوع روابط و تعاملات اجتماعی در مقیاس های خرد، میانی و کلان، تعیین کننده میزان سرمایه اجتماعی است. افزایش و فرسایش سرمایه اجتماعی، حاصل پیامد و نتیجه فعالیت های مختلفی است که در مقیاس های فردی، سازمانی و نهادی محقق می شوند.

با توجه به اینکه سازه سرمایه اجتماعی، صرفاً یک سازه نظری نیست بلکه یک سازه سیاستی هم است که امروزه جایگاه رفیعی را در امر سیاستگذاری عمومی و اجتماعی پیدا کرده است، چنین اهمیتی باعث شده که فرایند سنجش سرمایه اجتماعی جامعه را به مثابه نبض سنجی اجتماعی تلقی کنند و بر مبنای داده های حاصل از پیمایش های سرمایه اجتماعی، چگونگی تغییرات، جهت و آهنگ تغییرات جامعه را در ساحت های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و نیز پیامدهای سیاستگذاری عمومی و اجتماعی را در حوزه های چندگانه اجتماعی، شناسایی و تحلیل نمایند. با چنین نقش و سهمی که سنجش این سازه دارد گام نخست از حیث سیاستی این است که یک کشور به صورت منظم، داده های مربوط به این سازه مهم را در قالب پیمایش های منظم در برنامه کاری خود داشته باشد. اجرای پیمایش های منظم سرمایه اجتماعی در مقیاس ملی، نه تنها به تولید داده های اجتماعی کمک می کند که لازمه ای بنیادی برای سیاستگذاری و برنامه ریزی اجتماعی است و امکان تحلیل واقع گرایانه را از وضعیت اجتماعی هر کشور ممکن می سازد؛ تحلیلی که می تواند در کار سیاستگذاری عمومی و اجتماعی و تلاش در جهت حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی و پرهیز از اقدامات

و عواملی که فرساینده این سرمایه هستند، مدد رساند. (گزارش تفصیلی سنجش سرمایه اجتماعی کشور: استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳۹۴: ۲-۱)

صاحب نظران مسائل اجتماعی در ایران معتقدند طی چند دهه گذشته، فرسایش شدیدی در سرمایه اجتماعی در کشور روی داده است و به گواه نتایج مطالعات متعدد نیز، سرمایه اجتماعی در جامعه ایرانی در شرایط مطلوبی قرار ندارد و یا دست کم در وضعیتی نیست که بتوان بروز نتایج و کارکرد های مثبت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... آن را انتظار داشت. بر اساس نتایج طرح ملی سنجش سرمایه اجتماعی در کشور (۱۳۹۴) یک درصد شهروندان دارای سرمایه اجتماعی خیلی کم، ۲۹/۷ درصد دارای سرمایه اجتماعی کم، ۶۳/۳ درصد دارای سرمایه اجتماعی متوسط، ۵/۹ درصد دارای سرمایه اجتماعی زیاد و ۱/ درصد نیز دارای سرمایه اجتماعی خیلی زیاد هستند (گزارش تفصیلی سنجش سرمایه اجتماعی کشور: استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳۹۴: ۳۱۱) و مطالعات دیگر نیز تقریباً همین نتیجه را تأیید می کنند. بر اساس سنجش های مرتبط با زیرشاخص سرمایه اجتماعی که هر ساله توسط مؤسسه لگاتیوم محاسبه می شود در سال ۲۰۱۵، ایران در رتبه ۱۱۵ ام جهان قرار گرفته است. این در حالی است که در سال ۲۰۱۰ کشورمان در رتبه ۱۰۶ جهان قرار داشت (www.hamshahrionline.ir).

بدیهی است که فرسایش سرمایه اجتماعی پیامدهای نامطلوبی برای کشورمان در پی خواهد داشت. به طوری که با فرسایش سرمایه اجتماعی نه تنها ساماندهی نظم و مدیریت مسألت آمیز و خردمندانه و مشارکت جویانه تضادها و توسعه، بلکه بقا و تداوم حیات اجتماعی در جامعه با چالش های درونی و برونی جدی روبرو می شود که مقابله صحیح با آن، موکول به اتخاذ سیاست های جامع مبتنی بر یافته های علمی بسیار دقیق و روز آمد برای گذار از وضعیت موجود به مطلوب است. بنابراین در تحقیق حاضر در پی پاسخگویی به این سؤال اساسی هستیم که «وضعیت موجود سرمایه اجتماعی در استان چهارمحال و بختیاری چگونه است و چرا؟ وضعیت مطلوب آن چگونه باید یا می تواند باشد؟ و برای گذار از وضعیت موجود به مطلوب چه می توان کرد؟ و نقش دستگاه های دولتی در این زمینه چیست؟»

اهمیت و ضرورت:

در جوامع در حال گذار امروزی چون ایران به تبع ارتباط با جهان مدرن و اجرای برنامه‌های نوسازی از بالا توسط دولت‌ها، با نوعی نابسامانی اجتماعی در سطوح کلان و خرد روبه‌رو هستیم که معرف پیدایش گسل‌ها و گسست‌های اجتماعی و منبع اصلی زایش و افزایش انواع مسائل و آسیب‌های اجتماعی است. اندیشمندان اجتماعی یکی از راه‌های برون رفت از این مشکلات را در افزایش مشارکت عمومی و غیررسمی، افزایش اعتماد و بهبود سرمایه‌اجتماعی می‌بینند. منظور از سرمایه‌اجتماعی شبکه‌ای از روابط و پیوندهای مبتنی بر اعتماد اجتماعی بین فردی و بین گروهی و تعاملات افراد با گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی است که قرین همبستگی و انسجام اجتماعی و برخورداری افراد و گروه‌ها از حمایت اجتماعی و انرژی لازم برای تسهیل کنش‌ها در جهت تحقق اهداف فردی و جمعی می‌باشد. به طوری که امروزه سرمایه‌اجتماعی، نقشی بسیار مهم‌تر از سرمایه فیزیکی و انسانی را در جوامع ایفا می‌کند و شبکه‌های روابط جمعی انسجام بخش میان انسان‌ها و سازمان‌هاست. در غیاب سرمایه‌اجتماعی، سایر سرمایه‌ها اثربخشی خود را از دست می‌دهند و بدون سرمایه‌اجتماعی، پیمودن راه‌های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی ناهموار و دشوار می‌شود. به طوری که کشورهای مختلف برای تحقق اهداف اجتماعی، اقتصادی و جز آن از ظرفیت آن بهره می‌گیرند و نقش بسزایی در سلامت و انسجام جوامع دارد (صمد و عباسی، ۱۳۹۱). از طرفی نیز سرمایه اجتماعی را ماده خام جامعه مدنی دانسته‌اند (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۱) اوسلانر و دکر به نقل از کوهن و همکاران (۱۹۹۷)، کواچی و همکاران (۱۹۹۹)، کنکاک و کیفر (۱۹۷۹)، پوتنام (۲۰۰۰) و هوگ و دکر بیان می‌کنند این ایده که سرمایه اجتماعی اکسیر و درمانبخش همه دردهای جامعه است، ایده مقبولی است. سرمایه اجتماعی جامعه را سالم تر، دارا تر و شاید باتدبیرتر و شکیباتر می‌سازد. به نظر پوتنام سرمایه اجتماعی موجب داشتن حکومت خوب و کارا می‌شود (اوسلانر و دکر، ۲۰۰۱: ۱۷۶) هزینه‌های هماهنگی را کاهش می‌دهد (محمدی، ۱۳۸۴: ۱۳) به اعضای گروه اقتدار بیشتری می‌بخشد (فیضی و عابدینی، ۱۳۸۹: ۴۷) می‌تواند به موفقیت شغلی کمک کند و به کارایی نهادهای دولتی و حکومتی کمک می‌کند (شارع پور، ۱۳۸۹: ۱۰۳).

اما در ارتباط با میزان سرمایه‌اجتماعی نتایج مطالعات داخلی حاکی از آن است که وضعیت سرمایه‌اجتماعی در کشور مطلوب نیست بر اساس نتایج طرح ملی سنجش سرمایه‌اجتماعی در کشور (۱۳۹۴) یک درصد شهروندان دارای سرمایه‌اجتماعی خیلی کم، ۲۹/۷ درصد دارای سرمایه‌اجتماعی کم، ۶۳/۳ درصد دارای

سرمایه‌اجتماعی متوسط، ۵/۹ درصد دارای سرمایه‌اجتماعی زیاد و ۱/۱ درصد نیز دارای سرمایه‌اجتماعی خیلی زیاد هستند (گزارش تفصیلی سنجش سرمایه‌اجتماعی کشور: استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳۹۴: ۳۱۱) و مطالعات دیگر نیز تقریباً همین نتیجه را تأیید می‌کنند (محسنی تبریزی و آقامحسینی، ۱۳۸۹؛ نوغانی و دیگران، ۱۳۸۷؛ معمارزاده و دیگران، ۱۳۸۸؛ کامران و ارشادی، ۱۳۸۷؛ ملکی و نژادسبزی، ۱۳۸۹؛ شیانی و دیگران، ۱۳۸۸؛ زاهدی و دیگران، ۱۳۸۸ و غفوری و جعفری، ۱۳۸۷). مطالعاتی که روند سرمایه‌اجتماعی را نیز بررسی کرده اند در روند کاهش سرمایه‌اجتماعی متفق القولند (عبداللهی و موسوی، ۱۳۸۶؛ قاسمی و دیگران، ۱۳۸۵؛ سعادت ۱۳۸۷؛ صفدری و دیگران، ۱۳۸۷ و سیاهپوش، ۱۳۸۷).

پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص سرمایه‌اجتماعی در استان چهارمحال و بختیاری نیز مؤید این مسئله می‌باشد. به طوری که بر اساس نتایج طرح ملی سنجش سرمایه‌اجتماعی کشور (۱۳۹۴) ۱/۷ درصد شهروندان دارای سرمایه‌اجتماعی خیلی کم، ۲۹/۶ درصد دارای سرمایه‌اجتماعی کم، ۶۴/۹ درصد دارای سرمایه‌اجتماعی متوسط، ۳/۶ درصد دارای سرمایه‌اجتماعی زیاد و ۳/۱ درصد نیز دارای سرمایه‌اجتماعی خیلی زیاد هستند. (گزارش تفصیلی سنجش سرمایه‌اجتماعی کشور: استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳۹۴: ۳۱۱)

بدیهی است که فرسایش سرمایه‌اجتماعی پیامدهای نامطلوبی در پی خواهد داشت. به طوری که با فرسایش سرمایه‌اجتماعی نه تنها سامان‌دهی نظم و مدیریت مسالمت‌آمیز و خردمندانانه و مشارکت‌جویانه تضادها و توسعه، بلکه بقا و تداوم حیات اجتماعی در جامعه با چالش‌های درونی و برونی جدی روبرو می‌شود که مقابله صحیح با آن، موقوف به اتخاذ سیاست‌های جامع‌مبتنی بر یافته‌های علمی بسیار دقیق و روزآمد برای گذار از وضعیت موجود به مطلوب است.

لذا توجه به سرمایه اجتماعی به عنوان نوع خاص سرمایه که با متغیرهایی مانند اعتماد، آگاهی، مشارکت عمومی، همبستگی و نگرانی درباره دیگران سروکار دارد، در عصری که ماشینی شدن و مدرنیته در راستای تحقق اهداف اقتصادی و انباشت سرمایه اقتصادی در صدد تضعیف مؤلفه‌های سرمایه‌اجتماعی در جامعه است می‌تواند احیاکننده روح اعتماد و همبستگی در جامعه باشد. بنابراین ضروری است که در مورد وضعیت سرمایه‌اجتماعی در کشور، عوامل مؤثر بر آن، نتایج و مکانیسم تعامل آن با حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی مطالعه‌ای صورت گیرد.

اهداف تحقیق:

در پژوهش حاضر دستیابی به اهداف زیر مد نظر می‌باشد:

(۱) هدف کلی

- بررسی راهکارهای ارتقاء سرمایه‌اجتماعی در راستای شرح وظایف دستگاه‌های دولتی استان مبتنی بر یافته‌های پژوهشی در جهت تقویت کم و کیف سرمایه‌اجتماعی و پیامدهای مثبت آن در استان در سطوح کلان، میانی و خرد

(۲) اهداف جزئی:

- مشخص نمودن نقش دستگاه‌های دولتی استان با توجه به شرح وظایف آن‌ها در ارتقاء سطح سرمایه اجتماعی
- تعیین راهکارهای ارتقاء سرمایه‌اجتماعی با توجه به نقش دستگاه‌های دولتی در استان
- بررسی عملکرد دستگاه‌های دولتی استان در راستای ارتقاء سطح سرمایه‌اجتماعی
- تعیین برنامه‌ها و اقداماتی که برای دست‌یابی به وضعیت ایده‌آل باید صورت گیرد.

سوالات پژوهش

- ۱- نقش دستگاه‌های دولتی استان با توجه به شرح وظایف آن‌ها در سرمایه اجتماعی چیست؟
- ۲- راهکارهای ارتقاء سرمایه‌اجتماعی با توجه به نقش دستگاه‌های دولتی استان کدامند؟
- ۳- چه اقداماتی توسط دستگاه‌های دولتی استان در این زمینه صورت گرفته است؟
- ۴- برای دست‌یابی به وضعیت ایده‌آل چه اقداماتی باید صورت گیرد؟

فصل دوم ادبیات تحقیق

الف- پژوهشهای پیشین

الف- ۱) منابع و یافته‌های تجربی

طرح مفهوم سرمایه اجتماعی و استفاده از آن در عمل موکول به تنظیم مبانی نظری آن نبوده است. عمل ورزان اجتماعی آن را در تجربه روزمره دریافته اند و در عمل نیز مورد استفاده قرار داده‌اند. هانی فان از مدیران مدارس محلی آمریکا با توجه به تعاملات بین کنش گران مدرسه (دانش آموزان، معلمان، والدین و ...) در عمل دریافت که سرمایه اجتماعی به معنای تعاملات اجتماعی بین فردی و بین گروهی و بین افراد و گروه‌ها که قرین دوستی، رفاقت و همدلی است، در ارتقاء کم و کیف عملکرد مدرسه موثر می باشد. پس از او جاکوب در اثر خود با عنوان مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا نشان داد که سرمایه اجتماعی به مفهوم شبکه روابط اجتماعی در طول زمان شکل می گیرد و فرسایش و زوال آن در شهرهای بزرگ چنانچه جایگزینی پیدا نکند، به بروز و افزایش آسیب های اجتماعی منجر می شود (۱۹۶۱). پس از تصریح مبانی بینشی و روشی مفهوم سرمایه اجتماعی توسط کسانی چون کلمن (۹۵: ۱۹۹۹; ۱۹۹۴) پژوهشگرانی نظیر پکستن و پورتس آن را با دید جامع تر و روش مناسب تری مورد توجه قرار دادند. پکستن سرمایه اجتماعی را با توجه به هر دو بعد عینی و ذهنی آن، یعنی شبکه روابط و اعتماد اجتماعی مورد مطالعه قرار داد. او ضمن این که سعی نمود شاخص های اصلی آن را از عوامل و پیامدهایش متمایز نماید، رابطه آن را با سایر انواع سرمایه‌ها به خصوص توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی تحلیل کرد و روند فرسایش آن را در ایالت متحده آمریکا نشان داد (Paxton, ۱۹۹۹: ۱-۲۴). همزمان با او پورتس (۱۹۹۸) هم با توجه به ابعاد عینی و ذهنی و جنبه‌های مثبت و منفی سرمایه اجتماعی و اثرات آن بر تسهیل فرایند کنش ها و کاهش آسیب های اجتماعی روند رو به نقصان آن در آمریکا مطرح نمود. بلاخره کسانی چون پاتنام و فوکویاما در تصریح ابعاد، عوامل و پیامدهای سرمایه اجتماعی نقش قابل توجهی ایفا کردند (پاتنام، ۱۳۸۰؛ فوکویاما، ۱۳۷۹).

علاوه بر آمریکا در سایر کشورهای توسعه یافته چون بریتانیا، فرانسه و آلمان هم مفهوم سرمایه اجتماعی در ابعاد نظری و تجربی مورد توجه واقع شد (گیدنز، ۱۹۹۱؛ هال، ۱۹۹۹: ۴۱۷؛ هارپر، ۲۰۰۲؛ بوردیو، ۱۹۸۷ و ۱۹۸۸؛ هابرماس، ۱۹۷۹؛ اوفه ۱۹۹۸).

بلاخره مفهوم سرمایه اجتماعی در سازمان ملل متحد (World Bank, ۱۹۹۵, ۱۹۹۷) و به تبع آن در جوامع در حال توسعه هم مورد توجه واقع شد. کشورهای که فرایند تغییر و توسعه از جمله صنعت گستری و شهرنشینی را پیشتر و بیشتر تجربه کرده بودند و سرمایه اجتماعی قدیم در آن ها بیشتر دچار فرسایش شده

بود، زودتر از بقیه به اهمیت سرمایه‌اجتماعی در فرایند توسعه متوازن و ضرورت مطالعه آن پی بردند. در استرالیا استون سرمایه‌اجتماعی را در ابعاد عدیده آن اعم از ساختاری و شناختی مورد بررسی قرار داد. او ضمن تصریح جنبه‌های مثبت و منفی سرمایه‌اجتماعی، نتایج دور و نزدیک آن را از لحاظ جلب همکاری‌های جمعی افراد و توسعه انسانی و اجتماعی مطرح نمود (۶۵-۳۱: ۲۰۰۱). در هند کریشنا سرمایه‌اجتماعی را در مناطق روستایی در ابعاد ساختاری و شناختی و با تاکید بر شبکه روابط، سطح اطلاعات، قانون مداری و وضعیت اقتصادی بررسی و اثرات آن را در تسهیل کارهای گروهی و ارتقاء عملکرد واحدهای جمعی تشریح نمود (۴: ۲۰۰۲). وارشی (۲۰۰۰) هم در پژوهشی که درباره رابطه بین هندوها و مسلمانان انجام داد، تصریح نمود که سرمایه‌اجتماعی به معنای شبکه روابط بین گروه‌های مذهبی و قومی ضمن تقویت انسجام اجتماعی از برخوردها و تنش‌های مذهبی و قومی جلوگیری می‌کند. در تایوان، ونگ (۲۰۰۰) توانست اثرات سرمایه‌اجتماعی را با تاکید بر روابط بین گروهی در بسط دموکراسی و توسعه سیاسی نشان دهد و در اندونزی هم گروتائرت (۱۹۹۶) ابتدا سرمایه‌اجتماعی را به معنای سازمان اجتماعی در نظر گرفت و تاثیر و کیفیت آن را از لحاظ وضعیت عضویت، ظرفیت در رهبری در ارتقاء سطح مشارکت نشان داد (۱۹۹۶) و پس از آن در اثر مشترکش با باستلار (۲۰۰۲) نقش سرمایه‌اجتماعی را در توسعه مورد ارزیابی و تحلیل قرار داد. در غنا و اوگاندا هم کسانی چون نارایان و کسیدی سرمایه‌اجتماعی را در بعد ساختاری و تعاملاتی با تاکید بر شبکه روابط بین افراد و گروه‌ها مورد تحلیل قرار دادند و اثرات آن را بر انسجام جمعی و توسعه اجتماعی به معنای اخص نشان دادند (Narayan & Cassidy, ۲۰۰۱)؛ به نقل از تاجبخش (۱۳۸۴: ۵۴-۲۹).

در ایران هم در سال‌های اخیر موضوع سرمایه‌اجتماعی از لحاظ نظری و تجربی مورد توجه قرار گرفته است. مسعود چلبی در یکی از آثار خود با عنوان جامعه‌شناسی نظم ضمن اشاره به نظرات کلمن، سرمایه‌اجتماعی را گزینه‌هایی رابطه‌ای می‌داند که در ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای یک موضوع اجتماعی در شبکه تعاملی جامعه شکل می‌گیرد. این گزینه‌های رابطه‌ای برای اشغال‌کننده یک موضوع اجتماعی می‌توانند سرمایه بالقوه‌ای باشند که در روابط اجتماعی تبدیل به ذخایر قدرت، ثروت، نفوذ و معرفت شوند (۱۳۷۵: ۳۸).

محمد عبداللهی (۱۳۸۳) هم در تحلیل برخی از مسائل اجتماعی نظیر قانون‌گریزی و نزاع‌های جمعی بین طوایف بر اهمیت نقش سرمایه‌اجتماعی تأکید نموده و در تعریف توسعه اجتماعی به معنای اخص کلمه از

شاخص های اصلی سرمایه اجتماعی نظیر انسجام جمعی و اعتماد اجتماعی استفاده کرده و تعریض و تحکیم اجتماع جامعه ای و اعتماد تعمیم یافته بین گروهی را به عنوان راهبردهای اصلی توسعه اجتماعی مطرح کرده است (۱۳۸۴: ۲۰۰-۱۹۵).

محمود شارع پور (۱۳۸۳) سرمایه اجتماعی را در ابعاد تعاملاتی و شناختی در استان مازندران و وحید قاسمی و رضا اسماعیلی آن را با تأکید بر روابط و اعتماد اجتماعی در استان اصفهان مورد بررسی قرار داده اند. دو پژوهشگر اخیر شهرستان های استان را از لحاظ میزان سرمایه اجتماعی طبقه بندی کرده اند که در آن اصفهان در پائین ترین و اردستان در بالاترین سطح قرار گرفته است (۱۳۸۵: ۴۷-۲۴۵). با توجه به این که اصفهان توسعه یافته ترین شهر استان اصفهان است، یافته پژوهش گران مذکور بیان گر این واقعیت است که در ایران یا حداقل در این استان توسعه به صورتی متوازن صورت نگرفته و در فرایند آن سرمایه اجتماعی دچار فرسایش شده است. رضا عسگری مقدم با بررسی برخی از مولفه های سرمایه اجتماعی به ویژه اعتماد اجتماعی در کتب درسی دوره دبستان در ایران به این نتیجه رسیده است که ۴۱/۱ درصد واحدهای متن کتب مذکور به تعاملات درون گروهی و فقط ۵/۹ درصد آن ها به تعاملات بین گروهی اختصاص دارد (۱۳۸۵: ۱۰۱). سرمایه اجتماعی توسط کسان دیگری هم در مناطق مختلف ایران مورد بررسی قرار گرفته است (سید احمد فیروزآبادی و حسین ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۵؛ محمدجواد ناطق پور، ۱۳۸۵؛ رحمان سعادت، ۱۳۸۵ و ...). علی ربانی و محمدعلی احمدی در تحقیقات جداگانه ای به این نتیجه مشترک رسیده اند که سیاست های توسعه اقتصادی در ایران به تخریب و فرسایش سرمایه اجتماعی منجر شده است (۱۳۸۶: ۱۴۸). عده ای چون منوچهر صبوری، غلامعباس توسلی، دلفروز و کیان تاجبخش هم برخی از آثار صاحب نظران و پژوهش گران سرمایه اجتماعی نظیر کلمن، فوکویاما، پاتنام و غیره را به فارسی ترجمه کرده اند. علی رغم اقبال روزافزون به مفهوم سرمایه اجتماعی در ایران، هنوز ابزار مناسبی برای سنجش و چارچوب مفهومی جامعی برای تحلیل آن تنظیم و ارائه نشده و ضرورت و جایگاه و اهمیت آن در فرایند توسعه متوازن و پایدار برای مردم و برخی از مسئولان، آن طوری که باید روشن نشده است.

علاوه بر مطالعه تجربی در هر یک از کشورهای مذکور، برخی هم به مطالعه تطبیقی آن در بین جوامع پرداخته اند (Loh, ۲۰۰۳; Engelhart, ۱۹۹۷).

در جمع بندی نتایج حاصل از مرور منابع تجربی باید گفت که در آن ها سرمایه اجتماعی با مؤلفه ها، شاخص ها و معرف های متفاوتی مورد سنجش قرار گرفته، به طوری که مقایسه نتایج حاصل از آن ها به دلیل نبود

ابزار یا خط کش واحد مشکل است. علی رغم توفیق نسبی، پژوهش گران در تعریف و توصیف سرمایه اجتماعی، در تحلیل آن موفق نبوده اند. اغلب منابع تجربی خصلتی توصیفی دارند و در تعداد بسیار اندکی از آن ها سعی شده است علاوه بر توصیف به تحلیل سرمایه اجتماعی هم پرداخته شود که با توجه به ضعف مبانی نظری توفیق قابل توجهی هم پیدا نکرده اند. در اغلب منابع تجربی به کارکرد یا پیامدهای گونه های سرمایه اجتماعی یا اثرات حاصل از تغییرات (کاهش یا افزایش) آن ها توجه شده است. در این زمینه، بیشتر پیامدهایی چون تسهیل کنش ها و تأمین منافع فردی و جمعی توسعه اقتصادی، جلب مشارکت و همکاری گروهی و ارتقاء عملکرد واحدهای جمعی، کاهش آسیب های اجتماعی و پیش گیری از گسترش آن ها و تأمین سلامت و رفاه انسان تأکید به عمل آمده است. تقریباً آن چه در دیدگاه های نظری راجع به رابطه حلقوی بین سرمایه اجتماعی و سایر خرده نظام های جامعه مطرح شده است در منابع تجربی هم در عمل ولی به طور پراکنده مورد تأیید قرار گرفته است.

الف- ۲) پژوهشهای داخلی

در ذیل چند نمونه تحقیقات انجام شده داخلی در مورد سرمایه اجتماعی مطرح می شود:

- در پژوهش " گرایش های فرهنگی و نگرش های اجتماعی در ایران " که در سال ۱۳۵۳ توسط دکتر علی اسدی و همکاران برای مرکز سنجش افکار و تحقیقات اجتماعی سازمان رادیو و تلویزیون با هدف شناخت رفتارها و نگرش های اجتماعی و گرایش های فعلی و آینده ایران بر روی ۴۴۲۰ نفر در ۲۳ شهر و ۵۲ روستای کشور به روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه انجام شده است؛ اعتماد اجتماعی نیز به عنوان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی در ایران مورد سنجش قرار گرفته که یافته های این نظر سنجی ملی نشان می دهد افراد تحصیل کرده به نسبت ۲/۷ برابر کمتر از عامه مردم، هموطنان خود را قابل اعتماد می دانستند. البته یکی از دلایل عدم وجود اعتماد در جامعه را فقدان امنیت و عدم توانایی جامعه در تأمین حقوق افراد می دانند. مطالعه نشان می دهد که در ایران تنها ۵۳ درصد پاسخگویان به مردم اعتماد دارند. (اسدی و همکاران، ۱۳۵۶؛ به نقل از مسائل اجتماعی ایران، ۱۳۸۳: ۳۲۲-۳۲۱)

- پژوهش " بررسی آگاهی ها، رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران " که توسط دکتر منوچهر محسنی به روش توصیفی در سال ۱۳۷۵ بر روی ۳۵۴۰ نفر از ساکنین نقاط شهری در ۵ استان کشور (تهران، آذربایجان غربی، مازندران، کرمان و فارس که از هر استان ۳ شهر به طور تصادفی انتخاب شده و مورد بررسی قرار گرفتند) صورت گرفته در خصوص بررسی دو متغیر روابط اجتماعی و میزان اعتماد به عنوان شاخص های سرمایه اجتماعی در ایران حاکیست که روابط اجتماعی عموماً تشکل یافته و قراردادی

است و در قلمرو فرهنگ عمومی جامعه وارد نشده است. به علاوه، از متغیر نگرش به هموطنان به عنوان شاخصی برای میزان اعتماد استفاده می شود. در این پژوهش، شکاف بین نخبگان و توده مردم در خصوص این نگرش سنجیده شده است، که سطح تحصیلات عامل اصلی و تعیین کننده تفاوت میان نخبگان و مردم تلقی شده است. در تمام قضاوت های مربوط به فعال بودن، تکرر بودن، تنبل بودن، پایبند بودن به اخلاق، متقلب بودن و خودخواه بودن هموطنان، گروه تحصیل کرده نسبت به عامه مردم قضاوت منفی تری درباره هموطنان خویش داشتند. (محسنی، ۱۳۷۵؛ به نقل از مسائل اجتماعی ایران، ۱۳۸۳: ۳۲۱-۳۲۰)

- هدف پژوهش در "پیمایش ملی ارزش ها و نگرش های ایرانیان" که موج اول آن توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۷۹ انجام شد؛ آگاهی از نظرات و دیدگاه های افراد جامعه در زمینه های مربوط به ارزش ها و نگرش ها در سطح مراکز استان های کشور بوده است. جامعه آماری این مجموعه را اعضای خانوارهای معمولی ساکن در ۲۸ مرکز استان ایران تشکیل می دادند که در زمان اجرای طرح، سن آنها بین پانزده تا ۶۴ بود. یافته های این پیمایش از سطح به ظاهر نازل «سرمایه اجتماعی» در کشور حکایت دارد. نگاهی به نتایج تحقیق در خصوص اعتماد اجتماعی شخصی و اعتماد تعمیم یافته به عنوان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی در ایران نشان می دهد که در حوزه شبکه های غیر رسمی بیشترین اعتماد معطوف به خانواده است و از این لحاظ خانواده تفاوت زیادی با سایر عناصر این شبکه نظیر خویشان و دوستان دارد. گروه های اجتماعی معلمان، استادان دانشگاه و پزشکان از بیشترین میزان اعتماد در نزد مردم برخوردار بوده و گروه های اجتماعی بنگاه دارها، کسبه و روزنامه نگاران از کمترین اعتماد اجتماعی برخوردار هستند. همچنین مشارکت اجتماعی - که پایه های مبتنی بر اعتماد است - هنوز جایگاه لازم را در رفتارهای فردی ما ایرانیان پیدا نکرده است؛ یعنی از باشگاه های ورزشی گرفته تا انجمن های صنفی و احزاب سیاسی، هنوز میزان مشارکت مردم در سازمان های اجتماعی، بسیار کم است. یعنی حزب سیاسی و شرکت اقتصادی از این نظر (مشارکت) حتی با باشگاه ورزشی، تفاوت معناداری ندارند. (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱)

- پژوهش "بررسی سرمایه اجتماعی در ایران و راه های ارتقاء آن" که در سال ۱۳۸۴ توسط سید احمد فیروزآبادی در شورای عالی انقلاب فرهنگی انجام شده است. این پژوهش به بررسی وضعیت برخی از عناصر مفهومی سرمایه اجتماعی در ایران و به تفکیک استان ها و مقایسه سرمایه اجتماعی در ایران و بقیه نقاط جهان پرداخته است. مدل نظری و عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی از طریق فراتحلیل کیفی ۳۶ مورد پژوهش استخراج شده است. نتایج به دست آمده حاکیست: تعهد دینی، همبستگی مستقیم و مثبت بر سرمایه اجتماعی در ابعاد ذهنی - شناختی یعنی اعتماد عمومی و نهادی و در ابعاد رفتاری - مشارکتی، انواع

مشارکت رسمی و غیر رسمی دارد. "تحصیلات" نیز از سایر عوامل مؤثر تأثیرگذار بر سرمایه اجتماعی می باشد و رابطه آن با عناصر مفهوم سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد عمومی، نهادی، آگاهی و توجه و مشارکت رسمی همبستگی معنادار مستقیم دارد. "مشارکت رسمی یکی از اعضای خانواده"، نیز با سرمایه اجتماعی رابطه معنادار و مثبت دارد "میانسالان"، با میانگین سنی ۵۱ سال نسبت به جوانان با میانگین سنی ۲۵ سال از سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردارند. "غیرمهاجرین"، نسبت به مهاجرین از سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردارند. "مردان"، به نسبت از سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردارند اما در عناصر مفهومی سرمایه اجتماعی سطوح اعتماد عمومی و نهادی و مشارکت های غیررسمی همیارانه در بین و مردان تفاوت معناداری وجود ندارد و آگاهی و توجه و مشارکت های رسمی مردان به طور معناداری از بیشتر می باشد. "دین باوری"، که از شدت ضعیف تری نسبت به تعهد دینی برخوردار است، بر روی سرمایه اجتماعی تأثیر مثبت دارد و با عناصر مفهومی سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد نهادی، مشارکت های غیررسمی خیریه ای، مذهبی و همیارانه رابطه معنادار مثبت دارد. (فیروز آبادی، ۱۳۸۴: ۲۷۸)

- پژوهش "سنجش سرمایه اجتماعی جوانان کشور" که توسط معاونت مطالعات و تحقیقات سازمان ملی جوانان در میان ۴۵۰۰ نفر از افراد ۲۹-۱۵ سال کشور ساکن در استان های کشور به روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه انجام گردید، هدف اصلی آن سنجش سرمایه اجتماعی جوانان کشور با چهار مؤلفه شبکه روابط اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، فعالیت های گروهی و خوداثربخشی است. نتایج به دست آمده نشان می دهد که سرمایه اجتماعی جوانان در ایران پایین رو به متوسط است. در ابعاد و مؤلفه ها هم در روابط انجمنی، اعتماد به مسئولان، اعتماد به ناآشنایان، احساس تعلق به دیگران و میزان پذیرش اجتماعی ضعیف تر و اما در برخی ابعاد نظیر احساس حمایت اجتماعی و هنجارها و مدارای قومی و مذهبی قوی تر است. بنابراین، وضعیت سرمایه اجتماعی جوانان جز موارد خاصی که مربوط به جنبه های سنتی و درون گروهی است در اغلب موارد به ویژه در بعد روابط مدرن چندان مطلوب نیست. در این تحقیق، پیشنهاد شده است که تلاش برنامه ریزی شده ای در راستای تقویت پنداشت ها و نگرش های مثبت نسبت به وضعیت موجود و آینده جامعه در قالب بسط نهادهای مدنی و ایجاد فرصت ها و بسترهای جدید، صورت گیرد. همچنین تقویت پیامدهای مثبت سرمایه اجتماعی و جهت گیری سیاست گذاری ها و برنامه ریزی ها معطوف به ابعاد ضعیف تر، تقویت پیوند میان عناصر سنتی حمایت اجتماعی و عناصر مدرن روابط انجمنی و مشارکت با برنامه ریزی خردمندانه و تقویت سرمایه اجتماعی جدید، به عنوان پیشنهاد طرح شده اند (معاونت مطالعات و تحقیقات سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۶)

- پژوهش "میزان سرمایه اجتماعی در جامعه ایرانی"، با هدف سنجش میزان شاخص های سرمایه اجتماعی (اعتماد به دیگران، مناسبات اجتماعی، فعالیتهای نועدوستانه و داوطلبانه و شبکه های مشارکت) در ۶ مرکز استان شامل تهران، تبریز، اهواز، یزد، مشهد و رشت که توسط موسسه کنشگران داوطلب در سال ۱۳۸۴ انجام گرفت به نتایج زیر دست یافت: ترتیب شهرها بر حسب میزان اعتماد به دیگران در رتبه اول تبریز، سپس اهواز، مشهد، یزد، رشت و تهران؛ بر حسب میزان مناسبات اجتماعی در رتبه اول اهواز، بعد یزد، تبریز، رشت، تهران و مشهد؛ بر اساس فعالیتهای نועدوستانه و داوطلبانه در رتبه اول تبریز، دوم مشهد، یزد، اهواز، تهران و رشت؛ بر اساس شبکه های مشارکت اول اهواز، و به ترتیب تبریز، رشت، یزد، تهران و مشهد. به طور کلی ترتیب شهرها بر اساس سرمایه اجتماعی به ترتیب شهرها شامل اهواز، تبریز، یزد، مشهد، رشت و تهران است. به عبارت دیگر پایتخت ایران تهران دارای کمترین میزان سرمایه اجتماعی است (موسسه کنشگران داوطلب، ۱۳۸۴)

- عبداللهی و موسوی (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان بررسی سرمایه اجتماعی در ایران با استفاده از روش پیمایشی و تکنیک پرسش نامه به بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی در مراکز استان های ایران و رابطه آن با توسعه پرداخته اند. آن ها در این پژوهش که جامعه آماری آن افراد بالای ۱۵ سال کشور می باشند نتیجه می گیرند که میزان سرمایه اجتماعی در ایران در مجموع از لحاظ اغلب مؤلفه های چندگانه و شاخص های متعدد مرتبط با آن ها پایین است. وضعیت سرمایه اجتماعی به جز در مواردی استثنایی که آن هم مربوط به جنبه سنتی و سرمایه اجتماعی قدیم می شود، در اغلب موارد به ویژه در بعد روابط انجمنی که از مؤلفه های اصلی سرمایه اجتماعی جدید به شمار می رود چندان مطلوب به نظر نمی رسد. آن ها در این پژوهش نشان می دهند که میانگین سرمایه اجتماعی در مراکز توسعه نیافته استان های کشور نظیر سیستان و بلوچستان و ایلام بالا و برعکس، در مراکز توسعه یافته این استان ها نظیر تهران و اصفهان پایین است. شاید این امر بیان گر این واقعیت باشد که با گسترش شهرها و توسعه نابرابر و نامتوازن سرمایه اجتماعی به ویژه نوع قدیم آن دچار فرسایش می گردد ولی همزمان با آن، سرمایه اجتماعی جدید جایگزین نمی شود. بر اساس رتبه بندی که آن ها در مقاله خود به آن رسیده اند، سیستان و بلوچستان، خوزستان، اردبیل، ایلام و کهگیلویه و بویراحمد به ترتیب دارای بالاترین رتبه سرمایه اجتماعی بودند و استان های تهران، اصفهان، یزد، خوزستان و قزوین نیز دارای بالاترین رتبه سطح توسعه بوده اند. در این تحقیق پیشنهاد شده است با توجه به پایین بودن میزان سرمایه اجتماعی، غلبه گونه قدیم بر جدید و نقش منفی آن از لحاظ جلوگیری از تحقق انسجام جمعی در سطح ملی، تقویت سرمایه اجتماعی جدید به ویژه در بعد روابط انجمنی و پیامدهای مثبت آن از

طریق اصلاح و بهبود محیط اجتماعی کنش گران فردی و جمعی، تقویت نهادهای مدنی و اصلاح بینش ها و کنش های افراد ضروری است.

- دینی ترکمانی (۱۳۸۶) در مقاله ای با عنوان تبیین افول سرمایه اجتماعی با این پیش فرض که سرمایه اجتماعی در ایران طی سال های بعد از انقلاب کاهش یافته به بررسی چرایی این مسئله و تبیین آن پرداخته استوی با استناد به داده های موجود مبتنی بر مطالعات میدانی انجام شده، مرکز آمار ایران و همچنین داده های نهادهای بین المللی از جمله بانک جهانی و برنامه توسعه سازمان ملل متحد و با همبسته دانستن رابطه بین عوامل مختلف (اجتماعی، سیاسی و اقتصادی)، و برآورد انجام شده از رابطه میان فساد از یک سو (به عنوان شاخصی برای سرمایه اجتماعی) و شاخص هایی چون حکم رانی، درآمد سرانه و توزیع درآمد از سوی دیگر، تصویری از افول سرمایه اجتماعی و نقش حکم رانی در آن ارائه داده است. او در نهایت به این نتیجه می رسد که سرمایه اجتماعی در جامعه ایران طی سال های بعد از انقلاب کاهش یافته است و به نظر می رسد که علت افول سرمایه اجتماعی در این دوره تاریخی بیش از آنکه به عوامل فرهنگی و یا اقتصادی مربوط شود، ریشه در سازمان درونی ضعیف دولت و رابطه دولت با نیروهای اجتماعی دارد.

- امیر سیاهپوش (۱۳۸۷) در تحقیقی است با عنوان " فرا تحلیل وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران: موج دوم" با هدف شناخت وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران، بررسی سیر تحول و عوامل و موانع شکل گیری و ارائه راهکارهایی برای افزایش سرمایه اجتماعی به بررسی نتایج ۶۱ عنوان پژوهش مرتبط با موضوع پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می دهد در حوزه های گوناگون، وضعیت سرمایه اجتماعی یکسان نیست؛ در میان مؤلفه های سرمایه اجتماعی میزان اعتماد به خانواده و نظام سیاسی و نیز میزان ارتباطات اجتماعی بالاست. در حوزه سیاسی میزان اعتماد به نظام سیاسی بالا، میزان اعتماد به نهادهای سیاسی متوسط و میزان اعتماد به کنش گران سیاسی پایین بوده است. همچنین میزان مشارکت مردم در حوزه های گوناگون اجتماعی بسیار پایین است. مجموع یافته ها نشان می دهد از نظر مردم میزان ارزش هایی مثل صداقت، امانتداری و گذشت در بین مردم پایین است و میزان رواج ضد ارزش هایی چون کلاهبرداری و چاپلوسی بالا است. همچنین در مجموع میزان کل سرمایه اجتماعی در ایران نسبتا بالاست، این میزان در سالیان مختلف دچار نوسان بوده است. میزان دینداری، سطح تحصیلات، وضعیت طبقاتی و سن افراد از جمله مهم ترین عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی بوده است. در پایان مقاله مبتنی بر یافته ها، راهکارهایی برای بهبود وضعیت سرمایه اجتماعی ارائه شده است.

- مرکز ملی رصد اجتماعی شورای اجتماعی کشور در پژوهش ملی سنجش سرمایه اجتماعی کشور (۱۳۹۴) به سنجش سرمایه اجتماعی در استان‌های کشور در سه سطح کلان، میانی و خرد در حوزه‌های چهارگانه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی پرداخته است. جامعه آماری این پژوهش را افراد بالای ۱۸ سال خانوارهای شهری و روستایی ساکن در استان می باشند و با توجه به این که هدف به دست آوردن برآورد استانی بوده، در هر استان از روش نمونه گیری چندمرحله‌ای استفاده شده است. یافته‌های این پژوهش حاکیست در سطح کشور یک درصد شهروندان دارای سرمایه اجتماعی خیلی کم، ۲۹/۷ درصد دارای سرمایه اجتماعی کم، ۶۳/۳ درصد دارای سرمایه اجتماعی متوسط، ۵/۹ درصد دارای سرمایه اجتماعی زیاد و ۱/۰ درصد نیز دارای سرمایه اجتماعی خیلی زیاد هستند. و در استان چهارمحال و بختیاری نیز ۱/۷ درصد شهروندان دارای سرمایه اجتماعی خیلی کم، ۲۹/۶ درصد دارای سرمایه اجتماعی کم، ۶۴/۹ درصد دارای سرمایه اجتماعی متوسط، ۳/۶ درصد دارای سرمایه اجتماعی زیاد و ۳/۰ درصد نیز دارای سرمایه اجتماعی خیلی زیاد می باشند.

الف- ۳) پژوهشهای خارجی

تحقیقات انجام شده در مورد سرمایه اجتماعی در ایران کم بوده اما در خارج از کشور بسیار وسیع می باشد و محققان با تخصص های گوناگون و از جنبه‌های مختلف به بررسی آن پرداخته اند. در زیر چند نمونه از آنها مطرح می شود:

- مطالعه رابرت پاتنام درباره نقش سرمایه اجتماعی در عملکرد شوراهای منطقه‌ای است، که نتیجه این مطالعه در کتاب «دموکراسی و سنت های مدنی» (پاتنام ۱۳۸۰) به چاپ رسیده است. پاتنام در مطالعه حکومت های منطقه‌ای تازه تأسیس ایتالیا در دهه ۱۹۷۰، به نقش سرمایه اجتماعی در عملکرد شوراهای منطقه‌ای ایتالیا می پردازد. به نظر او میان دو بخش شمال و جنوب ایتالیا از نظر کارآمدی اداری و پاسخگویی به نیازهای شهروندان تفاوت بسیاری وجود دارد. پاتنام در صدد پاسخگویی به این پرسش بر می آید که چرا حکومت های منطقه‌ای شمال ایتالیا از دموکراسی کارآمدتری برخوردارند و رضایت شهروندان را به طور نسبی برآورده اند در حالی که حکومت های منطقه‌ای جنوب اینچنین نبودند؟ او تأکید خود را بر عوامل فرهنگی می نهد. بررسی های بعمل آمده، پاتنام را به این نتیجه می رساند که شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی متفاوت این دو بخش بویژه به لحاظ وجود سنت های مدنی پایدار و همه گیر در شمال ایتالیا، افراد را در شبکه‌های روابط اجتماعی در قالب انجمن ها، باشگاه‌ها و احزاب و مانند آنها قرار می دهد و همکاری میان آنها را آسان می کند. این سنت ها عامل اساسی موفقیت حکومت های منطقه‌ای شمال

ایتالیاست. پاتنام برای وجود اختلاف شمال و جنوب دو احتمال را بررسی می‌کند؛ اول مدرنیته اجتماعی و اقتصادی یعنی این که نهادهای دموکراتیک در جوامعی که به لحاظ اقتصادی توسعه یافته هستند عملکرد بهتری دارند. اما نتایج بررسی پاتنام نشان می‌دهد که توضیح تفاوت‌ها بر حسب توسعه اقتصادی به علت وجود شواهد نقض‌کننده این احتمال کافی نیست. احتمال دوم وجود جامعه مدنی است. ویژگی‌های جامعه مدنی از نظر پاتنام عبارتند از:

۱- مشارکت مدنی با شاخص‌هایی مانند تعداد انجمن‌های مدنی، تعداد روزنامه جوان‌ها و شرکت‌کنندگان در انتخابات

۲- برابری سیاسی که سنجش آن بر اساس شاخص‌هایی مانند نخبگان سیاسی و شهروندان صورت می‌گیرد.

۳- همبستگی، اعتماد و تساهل که شاخص‌های سنجش آن عبارتند از: نظر شهروندان درباره ناتوانی یا توانایی سیاسی و نظرسنجی از نخبگان سیاسی در مورد سلامت سیاسی منطقه‌شان.

۴- وجود انجمن‌ها یا ساختارهای همکاری اجتماعی

پاتنام بر اساس نتایج تحقیق خود دو منطقه را در ایتالیا از یکدیگر جدا می‌کند؛ مناطق مدنی که زندگی در آنها به صورت سازمان یافته است و در آنها شهروندان احساس قدرت و اختیار برای مشارکت در تصمیم‌گیری‌های عمومی می‌کنند. آنها مشتاقانه مسائل عمومی را در مطبوعات پی می‌گیرند و به یکدیگر اعتماد دارند و از قوانین تبعیت می‌کنند. در مناطق غیر مدنی مشارکت افراد در مسائل عمومی و سیاسی به سبب وابستگی شخصی و طمع فردی است؛ و مردم در انجمن‌های اجتماعی و فرهنگی مشارکت چندانی ندارند، فساد هنجار تلقی می‌شود و قانون برای نقض کردن وضع شده است. تقریباً تمام افراد احساس ضعف، استثماری و نارضایتی می‌کنند. پرسش پاتنام این است که چرا زندگی جمعی، اعتماد و همکاری در جنوب ایتالیا پانگرفت و بجای آن روابط سلطه‌آمیز، فساد سیاسی و بدبینی و عدم اعتماد در روابط اجتماعی ایجاد شد. پاسخ پاتنام « سرمایه اجتماعی » است. به نظر او همکاری داوطلبانه در جامعه‌ای که سرمایه اجتماعی عظیمی را در شکل هنجارهای عمل متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی به ارث برده است بهتر صورت می‌گیرد (ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۰: ۳۸)

-مطالعه تام رایس و الکساندر سامبرگ با عنوان «فرهنگ مدنی و عملکرد حکومتی در ایالات آمریکا» (۱۹۷۷)، این مطالعه روش شناسی پاتنام و تکنیک‌های مشابه مطالعه او را بکار گرفته است. در این

مطالعه شاخص های فرهنگ مدنی^۱ و عملکرد حکومتی برای ایالات ساخته شده است. هدف این مطالعه کاربرد روش پاتنام در مورد ایالات متحده است. محققان بدنبال این پرسش بوده اند که آیا رابطه ای بین فرهنگ مدنی و عملکرد حکومتی^۲ وجود دارد؟ رایس و سامبرگ بر این اساس این نتیجه را می گیرند که رابطه ای قوی میان مدنیت و عملکرد حکومتی که پانام در مناطق ایتالیا پیدا کرد در ایالات متحده نیز وجود دارد.

- مطالعه توماس کوساک با عنوان « سرمایه اجتماعی ، ساختارهای نهادی و عملکرد دموکراتیک: مطالعه تطبیقی حکومت های محلی آلمان (۱۹۹۸, Cusack).

کوساک در دو پیمایش انجام شده یکی روی نخبگان حکومت محلی (اعضای شورای شهر، شهردار، مدیران شهری و رؤسای احزاب محلی) ۷۷ شهرداری متوسط از شرق به غرب آلمان و دیگری به شهروندان ۳۰ نمونه فرعی از ۷۷ شهرداری پیمایش اول پرداخت. توجه اصلی در پیمایش اول به ارزش های سیاسی، مسائل و منابع و سیاست های حکومت های شهرداری نخبگان محلی بود و در پیمایش دوم توجه بیشتر معطوف به ارزش های سیاسی شهروندان، مشارکت آنها در زندگی مدنی اجتماعشان و ارزیابی آنها از عملکرد مؤسسات متعدد شهرداری بود. هدف کوساک از این تحقیق بررسی منابع رضایت شهروندان از عملکرد حکومت های «شهرداری» بود. پرسش اصلی کوساک این بود؛ چرا برخی از حکومت های شهرداری در ارزیابی موکلان شان، عملکرد خوبی دارند و بقیه عملکردی ضعیف؟ او با استفاده از دو رهیافت «فرهنگ سیاسی» و «نهاد سیاسی» در صدد پاسخگویی به این پرسش است. کوساک در مطالعه عوامل فرهنگی چارچوب نظری پاتنام را بکار می گیرد و بدنبال ارزشیابی سودمندی کاربرد مفهوم سرمایه اجتماعی در تعیین عملکرد حکومت های محلی آلمان است. در رهیافت نهادی کوساک می خواهد تأثیرات تفاوت های نادی را با توجه به وجود چهار ساختار حکومت محلی شهرداری در آلمان بر عملکرد حکومت های محلی بر حسب رضایت ابراز شده شهروندان روشن کند. در این چهار نظام موقعیت رییس اجرایی یا شهردار با توجه به اختیارات و جایگاهش در ساختار اداری و در رابطه با شورای شهر فرق می کند و در ساختارهایی موقعیت او قوی و در دیگر ساختارها موقعیت او ضعیف است. کوساک تلاش می کند تا اهمیت عامل ساختاری (فشارها و خواسته های بوروکراتیک و فشارها و خواسته های حزبی در تصمیم گیری های شهرداری) را نیز به عنوان یکی از عوامل مؤثر در عملکرد حکومت و رضایت شهروندان از آن، در کنار عوامل فرهنگی، یعنی سرمایه اجتماعی نشان دهد. نتایج مطالعه کوساک نشان می دهد که سرمایه اجتماعی یا

^۱ Civic Culture

^۲ Government Performance

بطور مشخص اعتماد موجود در فرهنگ سیاسی نخبگان بر عملکرد بهتر حکومت محلی مؤثر است، و این یافته معرف نظر پاتنام است که در مناطقی که مشخصه فرهنگی همانا اعتماد است عملکرد حکومت ها کارآمدتر است و موجب رضایت شهروندان می شود.

- تحقیق " سرمایه اجتماعی، رفاه خانواده و فقر در اندونزی - زیر نظر بانک جهانی توسط گروتارت (Grootaert, Christiaan) در سال ۱۹۹۸ انجام گرفت. در این تحقیق، گروتارت به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رفاه خانواده ها و فقر در کشور اندونزی پرداخته هزینه سرانه خانوارها متغیر وابسته او را تشکیل می داد. گروتارت اطلاعات خود را از نمونه ۱۲۰۰ خانواری و مصاحبه با رهبران محلی و منابع اطلاعاتی رسمی جمع آوری کرد وی سرمایه اجتماعی را شامل مواردی مانند نهادها، ارتباطات، نگرش ها و ارزش هایی که بر واکنش های بین مردم حاکم است می داند و برای اندازه گیری سرمایه اجتماعی از شاخص هایی چون تعداد اعضای گروه، همگنی درون گروهی و مشارکت در تصمیم گیری گروهی استفاده کرد. گروتارت برای سرمایه اجتماعی شش بعد قائل گردید: شدت ارتباط بین انجمن های محلی، ناهمگونی داخلی انجمن ها از لحاظ سن، جنس، تحصیلات، مذهب و ...، میزان حضور در جلسات، مشارکت فعال اعضا در تصمیم گیری ها، پرداخت مقرری، سوگیرهای اجتماعی انجمن ها و با ترکیب این ۶ متغیر او « شاخص سرمایه اجتماعی » را طراحی کرد. یافته های این تحقیق نشان داد که سرمایه اجتماعی خانوار تأثیر مثبتی بر روی رفاه دارد و این تأثیر مثبت عوامل بر رفاه خانواده از طریق سه سازوکار صورت می گیرد: ۱- افزایش اطلاعات در میان اعضای تشکل یا انجمن؛ ۲- کاهش رفتار فرصت طلبانه؛ ۳- ارتقای مشارکت در تصمیم گیری های گروهی. (گروتارت، ۱۹۹۸).

- پژوهش "جرم و سرمایه اجتماعی" توسط آدام گریکار (Graycar, Adam) مدیر موسسه جرم شناسی استرالیا در سال ۱۹۹۹ انجام شده است. هدف این پژوهش بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و جرم است. نتیجه ای که او از پژوهش خود می گیرد: ما نیاز داریم تا ۱- علت های بروز جرم را به دست آوریم ۲- زمینه ها و فرصت های ایجاد کننده جرم را کاهش دهیم ۳- مسائل خاص جرم را بدست آوریم ۴- کمک به قربانی جرم و کاهش امکان و خطرات جرم. بوسیله سرمایه گذاری کردن در سرمایه اجتماعی از راه های: پرورش دادن مردم و افزایش عزت نفس مردم و احساس همگونی آنها در جامعه که باعث حمایت آنها می شود. البته سرمایه گذاری در سرمایه اجتماعی در استرالیا باعث کاهش در جرائم می شود (گریکار، ۱۹۹۹).

- مایکل فولی و باب ادواردز (Foley, M. and Edwards, B) در مروری که بر ۴۵ تحقیقی که توسط محققان در رشته های مختلف صورت گرفته است، معتقدند که در تعدادی از این تحقیقات سرمایه اجتماعی

به عنوان یک متغیر مستقل در نظر گرفته شده که بر روی برخی دستاوردها مانند رشد اقتصادی در سطح ملی تأثیر می‌گذارد و در برخی دیگر از آنها سرمایه اجتماعی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده که توسط انواعی از سازمان‌های داوطلبانه تولید می‌شود. (فولی و ادوارز، ۱۹۹۹)

- "سنجش / اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی" که توسط وندی استون (Stone, Wendy) در سال ۲۰۰۱ در موسسه استرالیایی مطالعات خانواده انجام شده است. در استرالیا، درست مانند سایر ملتها، سرمایه اجتماعی به عنوان معانی در نظر گرفته می‌شود که از کاهش متداول بی‌اعتمادی ناشی می‌شود که در آن سرمایه اجتماعی به طور فزاینده‌ای نقش مرکزی را در سیاست عمومی استرالیا بازی می‌کند که این مسأله، ضرورت داشتن درک تجربی از سرمایه اجتماعی را افزایش می‌دهد. هنوز نیاز برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی از ضروریات فراتر می‌رود. در موسسه استرالیایی مطالعات خانواده؛ سرمایه اجتماعی و شهروندی وظیفه خانواده‌ها است در حالی که سرمایه اجتماعی توسط تاریخ اندازه‌گیری می‌شود و اغلب در مقیاس مشکوک استفاده می‌شود و برای مقاصد دیگر طراحی می‌شود بدون این که درک نظری تئوریک از مفهوم داشته باشد و اعتبار و اعتماد آن را به دست آورد (استون، ۲۰۰۱)

- بررسی "سرمایه اجتماعی، اقتصاد و رفاه" که توسط جان اف هلی ول (Helliwell, John.F) انجام شده است. در سنجش انجام شده بین اعتماد و پیوندهای اجتماعی در جهت رفاه، ارتباط وجود دارد. برخی از تأثیرات ظاهر شدند تا از طریق کانال‌های اقتصادی حرکت کنند البته همواره به این شکل نیست. بنابراین تغییرات مهم در اعتماد و پیوندها در افراد، اجتماعات و سطوح ملی نباید توسط راههای اقتصادی محدود شوند. در حقیقت؛ افراد، خانواده‌ها، اجتماعات و ملتها در مجموعه هنجارها، تاسیس نهادها و فرآیندهای روزمره زندگی؛ ارتباط برقرار می‌کنند. خط مشی مرتبط با سرمایه اجتماعی و رفاه دارای جنبه‌های زیادی است. اعتماد به آرامی ایجاد می‌شود و به آسانی از دست می‌رود. (جان اف هلی ول، ۲۰۰۱)

- مطالعه پاملا پاکستون با عنوان «سرمایه اجتماعی و دموکراسی» (۲۰۰۲). پاکستون در مطالعه خود به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و دموکراسی در مقیاس جهانی دست می‌زند. او در این مطالعه در کنار توجه به اثر سرمایه اجتماعی بر دموکراسی، به اثر متقابل دومی بر اولی نیز توجه کرده است. او داده‌های مطالعه خود را از تحقیق پیمایش ارزش‌های جهانی و بانک اطلاعات اتحادیه انجمن‌های بین‌المللی می‌گیرد. پاکستون سرمایه اجتماعی را به عنوان ویژگی کلی کشورها در نظر گرفته و اثر آن را بر ایجاد حفظ سازمان‌های دموکراتیک سالم بررسی کرده است. او این اثرات را در دو محور ۱- کمک به ایجاد دموکراسی در کشوری که دموکراتیک نبوده، ۲- حفظ یا بهبود دموکراسی موجود. سرمایه اجتماعی با ایجاد فضابرای پیدایش و

پخشایش گفتمان انتقادی در مورد حکومت وقت و تدارک راهی برای مخالفت فعال با نظام، به انتقال جامعه به دموکراسی کمک می‌کند. نتایج تحقیق او نشان می‌دهد که رابطه میان سرمایه‌اجتماعی و دموکراسی دوجانبه است. مطالعه طولی بیانگر این موضوع بود که سرمایه‌اجتماعی دموکراسی را تقویت می‌کند و اثر واگشتی از دموکراسی به سرمایه‌اجتماعی هم وجود دارد. همچنین برخی از گونه‌های انجمن‌ها در تقویت دموکراسی بهتر عمل می‌کنند.

- پژوهش "سنجش سرمایه اجتماعی در انگلستان" در سال ۲۰۰۳ توسط روزالین هارپر و ماریان کلی (Harper, Rosalyn. & Maryanne Kelly) در اداره آمارهای ملی انگلستان انجام شده است. هدف اصلی این پژوهش، فرآیند اتخاذ شده توسط انگلستان برای تعریف و سنجش سرمایه اجتماعی است. نتیجه بدست آمده این که سرمایه اجتماعی از یک مجموعه از سوالات منسجم، برای استفاده در پیمایش ملی و محلی تشکیل شده است. این مجموعه از سوالات با سازگاری بالا در سنجش سرمایه اجتماعی، برای مقایسه بین پیمایش‌ها و مجموعه داده‌های قابل قبول است که از سایر پیمایش‌ها متمایز است. سنجش و تعریف سرمایه اجتماعی، یک بخش از برنامه پژوهش وسیعی است که اداره آمار ملی آن را انجام داده است. ابعاد به دست آمده سرمایه اجتماعی عبارتند از: ۱- مشارکت، ۲- تعهد اجتماعی و وفاداری ۳- کنترل و خودکارآمدی ۴- درک ساختارها یا ویژگی‌های سطوح اجتماع ۵- کنش متقابل اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی و حمایت اجتماعی ۶- اعتماد متقابل و انسجام اجتماعی (هارپر و دیگران، ۲۰۰۳).

- کریستین گروتایرد و همکاران (Chrisitaan,G, ۲۰۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «سنجش سرمایه اجتماعی» هدف خود را تدوین مقیاس کمی و طراحی پرسش‌نامه‌ای برای سنجش سرمایه اجتماعی در کشورهای در حال توسعه دانسته‌اند. پرسش‌نامه آنان بر مبنای شش بعد طراحی شده است که عبارتند از: شبکه‌های اجتماعی، اعتماد اجتماعی، فعالیت‌های گروهی و مشارکت اجتماعی، آگاهی و ارتباطات اجتماعی، انسجام اجتماعی، قدرت و عمل سیاسی.

- پژوهش "اندازه‌گیری (سنجش) سرمایه اجتماعی - پرسشنامه منسجم" در سال ۲۰۰۴ که توسط کریستین گروتارت، دیپا نارایان، ورونیکا نیهان جونز و مایکل ولکاک (Grootaert, Christiaan & Deepa Narayan & Veronica Nyhan Jones & Michael Woolcock) در بانک جهانی انجام شده است. هدف این پژوهش، ارائه ابزار - پرسشنامه برای متمرکز شدن در اجرای (SC-I) منسجم برای سنجش سرمایه اجتماعی پرسشنامه در کشورهای در حال توسعه است. اهداف ابزار، تولید داده‌های کمی در ابعاد مختلف از سرمایه اجتماعی به عنوان بخشی از خانواده بزرگتر پیمایش است (همچنین سنجش ابزار

استاندارد زندگی و یا درآمد خانواده و پیمایش مخارج) سرمایه اجتماعی در ۶ بعد در نظر گرفته شده است: گروهها و شبکه ها، اعتماد و اتحاد، کنش جمعی و همکاری، اطلاعات و ارتباطات، انسجام اجتماعی و حمایت اجتماعی و کنش سیاسی. در نهایت، این پژوهش، محققان را در زمینه‌های جمع آوری داده و نمونه گیری هدایت و آماده سازی راهنما برای (SC-IQ) می کند که این امر برای انجام دادن پرسشنامه استفاده و تحلیل دادها اساسی است. این ابزار به صورت مقدماتی در آلبانی و نیجریه است. ما امیدواریم که اطلاعات تجربی بدست آمده از سرمایه (pretest) آزمون شده اجتماعی، به دیالوگ مهم بین پژوهشگران، سیاست گذاران و مدیران و خود مردم فقیر منجر شود که نهایتاً آنها را به طرح و اجرای استراتژی های مؤثر کاهش فقر رهنمون می سازد (گروتارت و دیگران، ۲۰۰۴).

- " سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی " که در سال ۲۰۰۴ توسط بوگلز دیجک و اسمولدرز (Beugelsdijk, Sjoerd & Sjak Smulders) انجام شده است. هدف از این پژوهش، توسعه یک مدل از رشد و سرمایه اجتماعی و آزمون آن، با استفاده از مطالعات ارزش است. با توجه به تمایز پانام بین بخش قطعی و موقت سرمایه اجتماعی، (EVS) اروپایی مدل سرمایه اجتماعی را به عنوان مشارکت در دو نوع از شبکه‌های اجتماعی: اول شبکه‌های بسته که از خانواده و دوستان تشکیل می شود و دوم شبکه‌های باز که اتصال دهنده بین جوامع هستند را در نظر می گیریم. برای آزمون فرضیه‌ها، ۵۴ منطقه اروپایی مورد بررسی قرار گرفته شد. نتیجه ای که از آزمون مدل به دست آمد نشان می دهد که: تمایزات منطقه ای در نگرشهای ماتریالیستی و ارزش های پیوسته در زندگی خانوادگی به شکل معناداری مشارکت اجتماعی در شبکه‌های باز را کاهش می دهد و نیز، خروجی منطقه ای رشد در اروپا را کاهش می دهد (بوگلز دیجک و اسمولدرز، ۲۰۰۴).

- پژوهش " سرمایه اجتماعی و بخش فرهنگی " که توسط سبجان دلی (Siobhan Daly) در سال ۲۰۰۴ در مرکز جامعه شهری مدرسه اقتصاد لندن انجام شده است. هدف این پژوهش، متمرکز شدن بر مشارکت اجتماعی در بخش های فرهنگی که توسط دپارتمان فرهنگ، رسانه و ورزش (DCMS) تعریف می شود تا سرمایه اجتماعی را بسازد. در مرور ادبیات آکادمیک روابط بین سرمایه اجتماعی و بخش های فرهنگی در چهار بعد اصلی متمرکز می شود: ۱- ورزش ۲- هنر ۳- میراث و ۴- تلویزیون. برای چارچوب نظری از نظریه پردازانی چون پیر بوردیو، جیمز کلنن و رابرت پاتنام استفاده شده است. پیوندهای تعریف شده بین اعضای پیوسته و سرمایه اجتماعی از نیاز به بررسی بیشتر خبر می دهد که چگونه اعضا در باشگاههای ورزشی شرکت کنند و به برقراری رابطه پردازند تا سرمایه اجتماعی را بسازند. پیوندهای بین سرمایه اجتماعی و هنر، بخصوص در هنرهای فردی، از طریق مطالعات موردی و شواهد داستان گونه نشان می دهد

که طرح هنرهای موفق توسط تازه واردان در اجتماعات، به ایجاد سرمایه اجتماعی منجر می شود. بحث درباره ارتباط بین سرمایه اجتماعی و تلویزیون توسط سوالاتی مانند این که مردم چگونه اوقات فراغت خود را می گذرانند، تشکیل می شود. افراد از پیامدهای دوست داشتنی فعالیتهای گذشته برای ساختن سرمایه اجتماعی استفاده می کنند (سبحان دلی، ۲۰۰۴).

- پژوهش "سنجش و اندازه گیری سرمایه اجتماعی در ایتالیا: تحلیل اکتشافی" که در سال ۲۰۰۵ توسط فابیو سابتینی (Sabatin, Fabio) انجام شد. هدف این بررسی این است که طرح کلی از استعدادها و پتانسیل های سرمایه اجتماعی محلی را در ایتالیا مطرح کند. این بررسی بر ابعاد ساختاری مفهوم متمرکز می شود و آن را با شبکه‌ها تعریف می کند. این تحلیل به مجموعه داده‌هایی که توسط محقق جمع آوری شده بستگی دارد که شامل دو بیست شاخص از ۵ بعد اصلی سرمایه اجتماعی است: خانواده‌های قوی (فزاینده)، پیوندهای غیررسمی، سازمان های داوطلبانه، آگاهی های مدنی و مشارکت سیاسی. از بین آنها ۵۱ متغیر اصلی برای تحلیل ها انتخاب شدند. در نهایت، تحلیل عامل چندتایی انجام شد، سرمایه اجتماعی دائمی توسط پیوندهای خانوادگی و سرمایه اجتماعی موقت بوسیله پیوندهای هفتگی در میان دوستان و همسایگان و اعضای سازمانهای داوطلبانه شکل می گیرد. این مطالعه یک شاخص ارزشی معنایی را که شکل بندی خاص از سرمایه اجتماعی را ارائه می کند، آماده می کند؛ در حالی که ادبیات به طور محلی با نتایج مثبت اقتصادی در نظر گرفته می شود (سابتینی، ۲۰۰۵).

- پژوهش "سرمایه اجتماعی، تنوع و سیاست آموزشی" که توسط ایرنه بروگل (Irene Bruegel) در سال ۲۰۰۶ در گروه پژوهش سرمایه اجتماعی و خانواده، دانشگاه بانک جنوب لندن انجام شده است. در این بررسی الگوهایی از دوستی های کودکان در ۱۲ مدرسه ابتدایی انگلیس بررسی شدند که در نژاد (قومیت) و دین بسیار متفاوت بودند. پیمایش در بین ۶۰ تا ۶۰۰ دانش آموز بین سالهای ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ انجام شد و مشخصاً تعداد مسلمانان بیشتر بود. نتیجه گیری ما دلالت دارد که ارتباط روزمره دانش آموزان، در مدارس هم شکل و برخوردهای ورزشی، از تغییرات زیاد - بحران ها و موانع بین اجتماعات - دور است. این خط مشی یک پژوهش روان شناسی اجتماعی بدون تعصب است؛ که تأکید می کند برخورد بین هم‌تایان از امور متداول است. در نتیجه بدست آمده سیاستمداران و برنامه ریزان باید برنامه‌هایی در جهت آموزش برآورده ساختن نیاز و چگونگی گذران زندگی به دانش آموزان بدهند تا آنها بتوانند در دنیای چندنژادی / قومی و جهانی زندگی کنند (بروگل، ۲۰۰۶).

- دادویک، نورا و همکاران (Nora, D, ۲۰۰۶) در مقاله « تحلیل زمینه‌های سرمایه‌اجتماعی (راهنمایی برای بهره‌گیری از روش‌های کیفی و داده‌ها) به بهره‌گیری از روش‌های کمی و کیفی و طراحی پرسش‌نامه با استفاده از هر دو روش یاد شده برای سنجش سرمایه‌اجتماعی تأکید نموده‌اند و اظهار کرده‌اند که این ابزار قابلیت سنجش سرمایه‌اجتماعی در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته را دارد.

- پژوهش " سرمایه اجتماعی و دموکراسی " توسط گروهی از پژوهشگران به سرپرستی دک آنسکار (Anckar, Dag) در دپارتمان علوم سیاسی در سال ۲۰۰۷ انجام شده است. تحقیق سرمایه اجتماعی و دموکراسی هم به توسعه تئوری سرمایه اجتماعی و ابزارهایی برای سنجش آن و هم به تأثیرات سیاسی می‌پردازد. در بخش تئوریک این تحقیق، مفهوم سرمایه اجتماعی با توجه به نظریه سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش تجربی این تحقیق، از روشهای تجربی استفاده می‌شود تا این که مطالعه کند که سرمایه اجتماعی در ساختارهای متفاوت کنش متقابل چگونه بوجود می‌آید و توسعه می‌یابد. همچنین روابط بین مذاکرات دموکراتیک و سرمایه اجتماعی نیز مطالعه می‌شود. نتیجه‌ای که به دست آمد: روابط مفهومی و علی بین سرمایه اجتماعی، اعتماد، رابطه متقابل و مشارکت وجود دارد. بین پیدایش اعتماد و مشارکت روابط متقابل وجود دارد. امکانات و محدودیتهای انتخاب عقلانی، رهیافت‌های ساختاری و جامعه‌شناختی از سرمایه اجتماعی تعریف شده‌است. هم‌چنین درک عمیق از روابط بین سرمایه اجتماعی، فرآیندهای دموکراتیک و مشروعیت و آگاهی زیاد از استفاده نادرست از سرمایه اجتماعی فساد و تصمیم‌گیری نخبه‌گرا مطرح می‌شود (آنسکار، ۲۰۰۷).

- پژوهشگران دانشگاه کمبریج (Cambridge University Press, ۲۰۰۷) در پژوهشی با عنوان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی به این نتیجه رسیده‌اند که در سال ۲۰۰۵ تنها ۳۷ درصد جوانان بریتانیا در انتخابات شرکت نموده‌اند و این امر بیانگر افزایش روحیه بی‌تفاوتی نزد آنان است بر این اساس دولت اهتمام خود را در افزایش سرمایه اجتماعی به منظور افزایش مشارکت سیاسی جوانان مبدول داشته‌است.

- "سرمایه اجتماعی: سنجش (اندازه‌گیری) و پیامدها" که توسط رابرت پاتنام, Robert Putnam انجام شده‌است. هدف اصلی این مطالعه، تعریف سرمایه اجتماعی، اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی و معرفی برخی از شواهد پیامدهای سرمایه اجتماعی است. که به توصیف یک مجموعه از شاخص‌ها می‌پردازد: عضویت رسمی و مشارکت در بسیاری از شکل‌های متفاوت شبکه‌های غیر رسمی؛ دیگری اعتماد اجتماعی - که من با عقیده میشل ولکاک موافقم که اعتماد اجتماعی بخشی از تعریف سرمایه اجتماعی نیست بلکه به طور مشخص یک پیامد بسته - است، بنابراین اعتماد اجتماعی به عنوان یک شاخص سرمایه اجتماعی مطرح

است. تحلیل‌ها نشان می‌دهد که کاهش اعتماد اجتماعی در آمریکا، کاملاً تولیدی (مولد) است، که احتمالاً یک الزام قدرتمند از بسیاری از چیزها است و کافی است تا توجه ما را به آن جلب کند (پاتنام).

ب- مباحث نظری:

در این فصل با توجه به اینکه هر توصیه‌ای در ارتقای سرمایه اجتماعی لاجرم بر دریافتی از چیستی و چرایی سرمایه اجتماعی مبتنی است، ابتدا به بحث در دیدگاه‌های تئوریک رایج در توضیح سرمایه اجتماعی و در ادامه به نتایج تحلیلی پذیرش هر کدام از این دیدگاه‌ها به عنوان مبنایی برای سیاست گذاری در ارتقای سرمایه اجتماعی خواهیم پرداخت. در نهایت پس از ارزیابی انتقادی دیدگاه‌های یاد شده، ملاحظات نظری، فرصت‌ها، چالش‌ها و راهبردهای ترجیحی ارتقای سرمایه اجتماعی در استان چهارمحال و بختیاری با تکیه بر نقش دستگاه‌های دولتی معرفی خواهد شد.

ب-۱) تاریخچه سرمایه اجتماعی

اصطلاح سرمایه اجتماعی قبل از سال ۱۹۱۶ میلادی، در مقاله‌ای توسط هانی فان^۳ از دانشگاه ویرجینیای غربی مطرح شد. اما، نخستین بار در اثر کلاسیک جین جاکوب^۴ با نام مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی (۱۹۶۱) به کار رفته است. او در آن جا توضیح داده بود که شبکه‌های اجتماعی فشرده در محدوده‌های حومه قدیمی و مختلط شهری، صورتی از سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند و در ارتباط با حفظ نظافت، عدم وجود جرم و جنایت خیابانی و دیگر تصمیمات در مورد بهبود کیفیت زندگی، در مقایسه با عوامل نهادهای رسمی مانند نیروی حفاظتی پلیس و نیروهای انتظامی، مسئولیت بیشتری از خود نشان می‌دهند (توسلی، ۱۳۸۴: ۳).

گلن لوری^۵ اقتصاددان نیز همچون ایوان لایت^۶ جامعه شناس، اصطلاح سرمایه اجتماعی را در دهه ۱۹۷۰ میلادی برای توصیف مشکل توسعه اقتصادی درون شهری به کار برد. در دهه ۱۹۸۰ میلادی، این اصطلاح توسط جیمز کلمن^۷ جامعه شناس در معنای وسیع تری مورد استفاده قرار گرفت و رابرت پاتنام^۸ دانشمند

^۳ Hani Fan

^۴ Jine Jakoob

^۵ Gallen Lurry

^۶ Ivan Light

^۷ Coleman

^۸ Robert Putnam

علوم سیاسی، نفر دومی بود که بحثی قوی و پرشور را در مورد سرمایه‌اجتماعی و جامعه مدنی در ایتالیا و ایالات متحده برانگیخت (فوکویاما، ۱۹۹۷: ۱۰).

سرمایه‌اجتماعی مفهومی است که پیشینه طولانی زیادی ندارد. کاربرد این مفهوم به تدریج از دهه ۱۹۹۰ میلادی به این سو در رساله‌ها و مقالات دانشگاهی (بویژه در رشته‌های جامعه‌شناسی، اقتصاد، سیاست و آموزش) با کارهای افرادی چون جیمز کلمن، پیر بوردیو، رابرت پاتنام و فرانسیس فوکویاما افزایش یافته است. همچنین استفاده از مفهوم سرمایه‌اجتماعی با توجه به روند جهانی شدن و تضعیف نقش دولت‌های ملی، به عنوان راه حلی عملی در سطح اجتماعات محلی برای مشکلات توسعه، مورد توجه سیاستگذاران و مسئولان سیاست اجتماعی قرار گرفته است (وال، ۱۹۹۸: ۲۵۹).

به طور کلی چنانچه بخواهیم کاربردها، مقاصد و تعاریفی که در علوم اجتماعی از این مفهوم می‌شود را دسته‌بندی کنیم و پیشینه این مفهوم را در آرای اندیشمندان متأخر و کلاسیک جستجو کنیم، شاید در چند حیطه بتوان به ردیابی پرداخت. دسته‌ای ردیابی این مفهوم را از کارل مارکس آغاز می‌کنند. او در کتاب «سرمایه»^۹ به مسئله همبستگی از روی اجبار و ضرورتی که در آن قرار می‌گیرند مانند وضعیت مهاجران و پناهندگان در یک جامعه اشاره می‌کند، بدین معنی که شرایط منفی و بحرانی افراد را بسوی استفاده از انرژی جمعی، توانایی‌های بالقوه جمعی، اتکا به یکدیگر و توسل به پشتیبانی یکدیگر و استفاده از پتانسیل‌های گروهی ترغیب می‌کند.

این خاصیت، امروز نیز به نوعی در مفهوم سرمایه‌اجتماعی مطرح است، یعنی همان استفاده از انرژی جمعی و اتکا به پشتیبانی افراد در مناسبات جمعی.

رویگرد دیگر در آراء جورج زیمل^{۱۰} قابل‌بازشناسی است، یعنی جایی که او از مفهوم «داد و ستد» یا «دهد _ بستان» صحبت می‌کند. مبنای بده _ بستان، هنجارها و قواعد رفتاری مفهوم است که افراد برای سامان دادن به مناسبات بین فردی، مبادلات و تعاملاتی که برای بقای خود ضروری می‌دانند، وضع می‌کنند. البته با توجه به کدام سود و منفعت است که در مقابل چنین سرمایه‌گذاری که می‌تواند به هر شکلی انجام شود، افراد توقع دارند کمک و لطفی که نشان می‌دهند، جبران شود؟

برخی چنین تعبیر می‌کنند که این مطلب، ضرر، پاداش و سود آنی و زود هنگام را در بر می‌گیرد و کاملاً در مقابل ایثار و دگرخواهی قرار دارد. در این رویکرد مفهوم سرمایه‌اجتماعی به داد و ستدهایی که افراد در زندگی اجتماعی صورت می‌دهند، تقلیل می‌یابد. البته با ملاحظات مشخص و منفعتی که دیر یا زود، انتظار

^۹ Karl Heinrich Marx

^{۱۰} Georg Simmel

برآورده شدن آن می رود، این نگاه به مبادلات اجتماعی امروز رواج بیشتری دارد. به عنوان مثال این نگاه، در ادبیات اقتصادی که با نئوکلاسیک ها آغاز شد و وجوه فلسفی آن از مکتب اصالت سود، ریشه گرفته، وجود دارد. یا به طور کلی و مشخص در نظریه مبادله و کنش متقابل به آن پرداخته شده است. این گروه ها و گرایش ها به سرمایه اجتماعی به نگاه دوم بر مبنای داد و ستد اجتماعی می پردازد.

رویکرد سوم که اثرات عمیق و نسبتاً فراگیری بر جای گذاشته، مباحثی است که با امیل دورکیم^{۱۱} آغاز و پس از او با پارسونز^{۱۲} پیگیری شد. این افراد با نگاهی انتقادی و در پاسخ به بینش ها و رویکردهایی که مفهوم سرمایه را به مبادلات اقتصادی تقلیل می دادند، به طرح مفهوم ارزش پرداخته و تغییر خود را به نوعی بر درون فکری ارزشی استوار کردند. یعنی تعهداتی که مبنای آنها، ارزش ها و هنجارهای اجتماعی است. این روابط، تعاملات و همکاری ها که به طور عام به آن سرمایه اجتماعی می گوئیم ریشه در هنجارها و ارزش های جامعه دارند. چنین هنجارها و ارزش هایی افراد را به ایفای نقش ها و اعمال خود ترغیب می کند. این نگاه نگرشی ارزشی به مسئله شکل گیری سرمایه اجتماعی دارد، همان رویکردی که مسائل ساختی، فرهنگی و تاریخی را در شکل گیری سرمایه اجتماعی دخیل می داند و در تفاسیری که ارائه می دهد از این مسائل بهره می جوید.

از دیگر جریانات فکری تأثیرگذار باید از ماکس وبر^{۱۳} نام برد. مباحثی که وبر مطرح می کند مفاهیمی است که به اعتماد، معطوف است. این سؤال که اعتماد در متن رسمی و غیررسمی چگونه ساخته می شود و در یک متن اجتماعی چه ملازماتی برای افراد به همراه دارد، در مفهوم سازی سرمایه اجتماعی مؤثر بوده است. این اعتماد، قراردادی است که به سوی خطرپذیری که به نوعی سود متقابل را برای آنها در بر دارد، سوق دهد. این خطرپذیری در روابط اجتماعی، برای کارهای فردی و جمعی چیزی جز اعتماد نیست. اعتماد یعنی آمادگی افراد برای این که در یک متن اجتماعی و در روابط اجتماعی بپذیرند که باید به سایر افراد اطمینان داشته و البته به همان نحوه در مقابل سایرین نیز اطمینان نشان بدهند (علاقبند، ۱۳۸۷: ۱۷).

ب-۲) تعریف سرمایه اجتماعی و مفاهیم مرتبط

سرمایه اجتماعی^{۱۴} حاصل انباشت منابع بالقوه و یا بالفعلی (مانند تخصص ها و مهارتها) است که مربوط به مالکیت یک شبکه بادوام از روابط کم و بیش نهادینه شده در بین افرادی است که با عضویت در یک

^{۱۱} Émile Durkheim

^{۱۲} Talcott Parsons

^{۱۳} Maximilian Carl Emil Weber

^{۱۴} Social Capital

گروه ایجاد می‌شود. سرمایه‌اجتماعی در روابط میان افراد تجسم می‌یابد و در واقع سرمایه‌اجتماعی بوجود می‌آید که روابط میان افراد به شیوه‌ای دگرگون شود که کنش را تسهیل کند.

سرمایه‌اجتماعی مجموعه هنجارهای موجود در سیستم های اجتماعی است که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه گردیده و موجب پایین آمدن سطح هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌گردد. فوکویاما سرمایه‌اجتماعی را به عنوان توانایی افراد برای کار با یکدیگر در جهت اهداف عمومی در گروه‌ها و سازمان‌ها تعریف می‌کند (فوکویاما^{۱۵}، ۱۹۹۹: ۵).

تعریف رایج سرمایه‌اجتماعی در جریان اصلی جامعه‌شناسی آمریکایی_ بویژه در روایت کارکردگرایانه آن_ عبارت است از روابط دوجانبه، تعاملات و شبکه‌هایی که در میان گروه‌های انسانی پدیدار می‌گردند و سطح اعتمادی که در میان گروه و جماعت خاصی، به عنوان پیامد تعهدات و هنجارهایی پیوسته با ساختار اجتماعی، یافت می‌شود. در مقابل جامعه‌شناسی اروپایی این مفهوم را در بررسی این موضوع به کار می‌گیرد که چگونه تحرک پیوندهای مربوط به شبکه‌های اجتماعی، سلسله مراتب اجتماعی و قدرت تمایز یافته را تقویت می‌کند. با وجود این، نکات مشترک این دو دیدگاه در مورد سودمندی سرمایه‌اجتماعی در افزایش برخی ویژگی‌ها، مانند آموزش، تحرک اجتماعی، رشد اقتصادی، برتری سیاسی و در نهایت توسعه است (الوانی و شیروانی، ۱۳۸۳: ۱۸).

سرمایه‌اجتماعی با توجه به کارکردش تعریف می‌شود. سرمایه‌اجتماعی شیئی واحد نیست، بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند: همه آنها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند، و کنش‌های معین افرادی را که در درون ساختار هستند، تسهیل می‌کنند. سرمایه‌اجتماعی، مانند شکل‌های دیگر سرمایه مولد است و دستیابی به هدف‌های معینی را امکان‌پذیر می‌سازد. سرمایه‌اجتماعی، مانند سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی کاملاً تعویض‌پذیر نیست. اما نسبت به فعالیت‌های بخصوصی تعویض‌پذیر است. شکل معینی از سرمایه‌اجتماعی که در تسهیل کنش‌های معینی ارزشمند است، شاید برای کنش‌های دیگر، بی‌فایده و یا زیانمند باشد. سرمایه‌اجتماعی نه در افراد و نه در ابزار فیزیکی تولید قرار دارد. سرمایه اجتماع را به سادگی می‌توان به عنوان وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است، در آن سهم هستند. مشارکت در ارزش‌ها و هنجارها به خودی خود باعث تولید سرمایه‌اجتماعی نمی‌گردد، چرا که این ارزش

ها ممکن است ارزش های منفی باشد. هنجارهایی که سرمایه اجتماعی تولید می کنند اساساً باید شامل سجایایی از قبیل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دوجانبه باشد.

به طور کلی از سرمایه اجتماعی تعاریف مختلفی ارائه گردیده است. یکی از تعاریف مطرح این است که سرمایه اجتماعی مجموعه هنجارهای موجود در سیستم های اجتماعی است که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه گردیده و موجب پایین آمدن سطح هزینه های تبادلات و ارتباطات می گردد. بر اساس این تعریف، مفاهیمی نظیر جامعه مدنی و نهادهای اجتماعی نیز دارای ارتباط مفهومی نزدیک با سرمایه اجتماعی می گردند (فوکویاما، ۱۹۹۹: ۵).

بانک جهانی نیز سرمایه اجتماعی را پدیده ای می داند که حاصل تأثیر نهادهای اجتماعی، روابط انسانی و هنجارها بر روی کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی است و تجارب این سازمان نشان داده است که این پدیده تأثیر قابل توجهی بر اقتصاد و توسعه کشورهای مختلف دارد.

سرمایه اجتماعی برخلاف سایر سرمایه ها به صورت فیزیکی وجود ندارد بلکه حاصل تعاملات و هنجارهای گروهی و اجتماعی بوده و از طرف دیگر افزایش آن می تواند موجب پایین آمدن جدی سطح هزینه های اداره جامعه و نیز هزینه های عملیاتی سازمان ها گردد (بانک جهانی، ۱۹۹۹: ۲)

به طور کلی سرمایه اجتماعی در برگیرنده منابعی در دسترس نظیر اطلاعات، اندیشه ها، راهنمایی ها، فرصت های کسب و کار، سرمایه های مالی، قدرت و نفوذ، پشتیبانی احساسی، خیرخواهی، اعتماد و همکاری هستند. کلمه اجتماعی در عنوان سرمایه اجتماعی، دلالت می کند که این منابع، خود دارایی های شخصی محسوب نمی شوند، هیچ فردی به تنهایی مالک آنها نیست. این منابع در دل شبکه های روابط قرار گرفته اند. اگر شما سرمایه های انسانی را از آنچه که شما می دانید فرض کنید (مجموع دانش، مهارت و تجارت شما)، پس دسترسی به سرمایه اجتماعی به کسانی که شما می شناسید بستگی دارد، یعنی اندازه، کیفیت و گوناگونی شبکه های کسب و کار و شبکه های ارتباطی شخصی شما در آن مؤثر است. اما فراتر از آن، سرمایه اجتماعی به کسانی که شما نمی شناسید نیز بستگی دارد، البته اگر شما به طور غیرمستقیم به وسیله شبکه های آنان در ارتباط باشید.

واژه سرمایه دلالت می کند که سرمایه اجتماعی همانند سرمایه انسانی یا سرمایه اقتصادی ماهیتی زاینده و مولد دارد، یعنی ما را قادر می سازد ارزش ایجاد کنیم، کارها را انجام دهیم، به اهدافمان دست یابیم، مأموریت هایمان را در زندگی به اتمام رسانیم و به سهم خویش به دنیایی یاری رسانیم که در آن زندگی می

کنیم. وقتی می‌گوییم سرمایه‌های اجتماعی زاینده و مولد هستند، منظور این است که هیچ کس بدون آن موفق نیست و حتی زنده نمی‌ماند (کلمن، ۱۹۹۰: ۳۰۰).

ب-۳) مضمون سرمایه اجتماعی در آثار صاحب نظران

ب-۳-۱) نمود مضمون سرمایه اجتماعی در آثار صاحب نظران و دیدگاه‌های کلاسیک

مضمون سرمایه اجتماعی در بعد عینی و ساختاری در سطح کلان مورد توجه دورکیم (۱۳۵۹)، بعد ذهنی یا شناختی آن در سطح خرد مورد نظر وبر (۱۳۷۳) و مید (۱۹۶۷) و بعد ارتباطی و تعاملاتی آن در سطح شبکه روابط، مورد عنایت زیمبل (Wolf, ۱۹۵۰) قرار گرفته است. علاوه بر اینان، دیدگاه مبادله، به ویژه تئوری هومنز در ارتباط با تحلیل رفتارهای مبادله‌ای انسان با عوامل زیستی- روانی، از جمله نقش احساس بهره مندی و لذت طرفین مبادله در تداوم و استمرار روابط مبادله‌ای (۱۹۵۸)، و دیدگاه تضاد مبتنی بر ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی مارکس در توجه به شرایط مادی تولید از جمله نیروهای مولد و روابط تولیدی در شکل‌گیری مفهوم سرمایه اجتماعی بی‌تأثیر نبوده‌اند.

دیدگاه‌های کلاسیک از مسأله دوانگاری یا دوگانه بینی‌های تقلیل‌گرایانه نظم در برابر تضاد، فرد در برابر جمع، ذهن در برابر عین و ... رنج می‌برده‌اند، چیزی که امروز در برابر دیدگاه‌های تلفیق‌گرایانه نوین معاصر رنگ باخته است. اغلب جامعه‌شناسان بزرگ معاصر جوامع توسعه یافته که وارث منابع و متون علوم اجتماعی نسل‌های ماقبل خود بوده‌اند، ضمن مرور انتقادی آثار صاحب نظران کلاسیک سعی کرده‌اند با دوری از دوانگاری‌ها در تحلیل پدیده‌ها و مسائل اجتماعی، همه جنبه‌ها و ابعاد آن‌ها را در قالب دیدگاه‌های تلفیقی جامع‌تری مطمئن نظر قرار دهند. برخی از این صاحب نظران نظیر تالکت پارسنز، یورگن هابرماس، آنتونی گیدنز و مانوئل کاستلز در ارائه دیدگاه‌های نظری جامع و تلفیقی برای طرح مسائل و پدیده‌های اجتماعی از جمله مفهوم سرمایه اجتماعی، و کسانی چون جیمز کلمن، پی‌یر بوردیو، رابرت پاتنام و کلاوس افه در طرح مفهوم سرمایه اجتماعی و طراحی چارچوب‌های نظری و روش شناختی آن سهم قابل توجهی داشته‌اند.

ب-۳-۲) مفهوم سرمایه اجتماعی در دیدگاه‌های تلفیق‌گرای معاصر

تالکوت پارسونز اجتماع را به عنوان یکی از چهار خرده نظام اصلی برای حفظ نظم در هر جامعه‌ای می‌داند. اجتماع حوزه تعاملات اجتماعی در جهت رشد شکوفایی احساسات، عواطف و تولید تعهد، وفاداری و مسئولیت‌پذیری لازم برای به هم وصل کردن افراد و گروه‌هاست. پیدایش دوستی، مودت، اعتماد،

همبستگی و انسجام اجتماعی از کارکردهای خاص خرده نظام اجتماع است. کم و کیف کارکرد اجتماع به نوع اجتماع (محلّی، ملی و بین المللی) و ویژگی‌های سایر خرده نظام‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نوع تعامل آن‌ها با هم بستگی دارد. در جوامع سنتی که در آن‌ها اجتماعات محلّی کوچک غالب است، خاص گرای، عاطفه گرای، رابطه گرای و جانبداری، و برعکس در جوامع مدرن، عام گرای، خرد گرای، ضابطه گرای و ... رواج دارد. در دیدگاه پارسونز اجتماع جامعه‌ای در سطح کلان نماد انسجام جمعی عام و وحدت ملی است مطالب پارسونز در باره انواع اجتماعات خاص و عام و متغیرهای الگویی او منبع مباحث جدیدی شده است که امروزه در ارتباط با گونه‌های سرمایه‌های قدیم (درون گروهی) و جدید (بین گروهی) مطرح می‌شود (Parsons, ۱۹۶۶).

یورگن هابرماس هم در بحث از حوزه جهان ما یا اجتماع و نظم اجتماعی، ضمن تأثیرپذیری از پارسونز ایده‌های جدیدی مطرح کرده است. هابرماس سرمایه اجتماعی به معنی وفاق تفاهمی و کنش ارتباطی و هنجارهای عام فراگروهی را محصول جهان حیاتی و حوزه عمومی می‌داند. حوزه عمومی فضایی است که در آن کنش گران اجتماعی می‌توانند به دور از دخالت سیستم که معمولاً با زبان ثروت و قدرت (تطمیع و تهدید) برخورد می‌کند به گفتگوی آزاد، خردمندانه و به دور از هر نوع سلطه بپردازند و درباره اهداف (ارزش‌ها) و راه‌های رسیدن به آن‌ها (هنجارها) به توافق برسند و با عقلانی کردن جهان زندگی، سیستم را نیز عقلانی نمایند و به طرف جامعه‌ای انسانی تر و برخوردار از خردورزی، انسجام، آزادی و عدالت بیشتر حرکت نمایند. حوزه عمومی و کنش ارتباطی، هم عامل و هم شاخص سرمایه اجتماعی عام و انتظام بخش حیات اجتماعی اند (Habermas, ۱۹۷۹).

آنتونی گیدنز سرمایه اجتماعی به معنای شبکه روابط، تعهد و اعتماد اجتماعی را در جوامع مدرن وسیع و تعمیم یافته می‌داند. اعتماد عام به اصحاب تخصص یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی جدید و نوظهور در جوامع مدرن است که پایه اصلی حیات اجتماعی است. گیدنز مدرنیته متأخر را با فرایندهای جهانی شدن، بازاندیشی و از جا کندگی و تهی شدن ظروف زمان و مکان در قالب مفهوم فضا زمینه ساز کنش‌های از راه دور، تعاملات گسترده و اعتماد انتزاعی و تعمیم یافته می‌داند. این امر مفهوم سرمایه اجتماعی را از سطوح محلّی و ملی به سطح جهانی گسترش می‌دهد. او سرمایه اجتماعی جدید را با قدیم متفاوت می‌داند. در جامعه سنتی، زندگی مبتنی بر ایمان و قطعیت است و هیچ چیزی جز عامل خارجی آن را مختل نمی‌کند. ولی انسان مدرن زندگی بر احتمالات و عدم قطعیت استوار است و لذا اعتماد او توأم با نوعی اضطراب و

دلهره درونی است که ذاتی زندگی مدرن است (Giddens, ۱۹۹۸). گیدنز در یکی از آثارش با عنوان «دگرذیسی صمیمیت» از نوعی سرمایه اجتماعی جدید با عنوان «رابطه ناب» یا رابطه به خاطر رابطه یاد می کند که در آن افراد، عاری از هر نوع وابستگی اقتصادی، سیاسی، ایدئولوژیک و غیره، صرفاً به خاطر مودت، دوستی، عشق متقابل و با هم بودن به تشکیل خانواده‌ای اقدام می کنند که در آن همفکری، همدلی، همکاری و اعتماد و احترام و بهره مندی و احساس لذت متقابل جای هرگونه نابرابری اجتماعی و تبعیض جنسیتی را می گیرد (Giddens, ۱۹۹۲).

پیرو بردیو سرمایه اجتماعی را از سایر انواع سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی و نمادین متمایز می سازد و برای آن خصلتی ساختاری و تعاملی قائل است. بردیو سرمایه اجتماعی را شبکه نسبتاً با دوامی از روابط کمابیش نهادینه شده توأم با شناخت و تعهدات از جمله اعتماد متقابل می داند که به عنوان منابعی بالفعل یا بالقوه موجبات کنش های فردی و یا جمعی کنش گران را فراهم می سازد (Bourdieu, ۱۹۸۶: ۲۴۸). او انواع سرمایه‌ها را قابل تبدیل به هم می داند، لذا سرمایه اجتماعی در عین این که تحت تاثیر سایر انواع سرمایه‌هاست، خود نیز بر کم و کیف آن ها تاثیر می گذارد (Bourdieu, ۱۹۸۷). در دیدگاه بردیو کنش گران اجتماعی تحت تاثیر دو عامل میدان های اجتماعی و عادت واره به کسب انواع سرمایه‌ها نائل می شوند و بر اساس آن ها جایگاه خود را در فضای اجتماعی و در درون میدان های اجتماعی تعیین می کنند. با توجه به تنوع این میدان ها و انواع روابط متقارن و نامتقارن بین آن ها سرمایه اجتماعی هم می تواند به انواع متفاوت مثلاً درون گروهی و بین گروهی تقسیم شود و بین انواع سرمایه‌ها و کنش گران بهره مند از آن ها انواع روابط متقارن و نامتقارن برقرار گردد (Bourdieu, ۱۹۸۸).

جیمز کلمن نیز نظیر بردیو، سرمایه اجتماعی را از سایر انواع سرمایه‌های فیزیکی، اقتصادی و انسانی و... متمایز می کند و برای آن خصلتی ساختاری و تعاملاتی قائل است که کنش گر با عضویت در گروه و تعامل با سایر کنش گران با رعایت اصول و قواعد مورد پذیرش در آن گروه و جلب اعتماد دیگران، به اطلاعات مورد نظر دست می یابد و در فرایند کنش از حمایت جمعی برخوردار می گردد (Coleman, ۱۹۹۰). بنابراین سرمایه اجتماعی تسهیل کننده کنش هاست (Coleman, ۱۹۹۴: ۳۰۲). در دیدگاه کلمن سرمایه اجتماعی نوعی فرصت به دست آمده از حیات جمعی است که می تواند درون گروهی یا بین گروهی باشد و کنش های کنش گران فردی یا جمعی را تسهیل نماید. بدیهی است برخورداری هر کنش گر از

سرمایه‌اجتماعی هر گروه توأم با تعهدات فرد نسبت به آن گروه می باشد و این امر ممکن است او را در برابر سایر گروه‌ها قرار دهد و از سرمایه‌اجتماعی آن‌ها محروم سازد (۱۹۸۶).

مانوئل کاستلز عصر اطلاعات را متقارن با ظهور جامعه شبکه‌ای می‌داند. پارادایم نوین فناوری اطلاعات بنیان مادی گسترش فراگیر شبکه را در سراسر ساختار اجتماعی فراهم آورده است. حضور یا غیاب در این شبکه‌ها، پویایی هر شبکه در برابر شبکه‌های دیگر منابع حیاتی سلطه و تغییر در جامعه را تشکیل می‌دهند. در جامعه شبکه‌ای، ساخت اجتماعی بر کنش اجتماعی برتری دارد. منظور کاستلز از شبکه، مجموعه‌ای از نقاط اتصال یا گروه‌های به هم پیوسته است که در آن نوع گره‌ها به نوع شبکه‌ها بستگی دارد. در عصر اطلاعات، فرهنگ در برابر بنیان‌های مادی استقلال نسبی می‌یابد و هویت‌های نوظهور از جمله هویت‌های مقاومت و برنامه دار منشاء جنبش‌ها و دگرگونی‌های اجتماعی جدید می‌شوند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۴-۵۴۳). بحث کاستلز تاییدی بر اهمیت روز افزون فرهنگ و سرمایه‌اجتماعی در عصر اطلاعات است.

رابرت پاتنام هم به تبع کلمن و بوردیو سرمایه‌اجتماعی را از دیگر انواع سرمایه‌ها متمایز می‌کند و آن را به عنوان سازمانی اجتماعی می‌داند که مشتمل بر شبکه‌ای از روابط و تعاملات توأم با آگاهی و اعتماد اجتماعی است و با تسهیل و همسوسازی کنش‌ها در ارتقاء کارایی سازمان و توسعه اقتصادی موثر واقع می‌شود (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۸۵؛ ۱۳۸۴). بنابراین با انواع سازمان‌ها یا انواع سرمایه‌های اجتماعی نظیر سرمایه‌اجتماعی درون گروهی یا بین گروهی سروکار داریم که نوع و کم و کیف هر یک از آن‌ها تابع عوامل عدیده‌ای چون فرایند اجتماعی شدن، آموزش‌های مدنی، تحولات فنی و ارتباطی و ایجاد سرگرمی‌های جدید را موجب کاهش سرمایه‌اجتماعی و افزایش آسیب‌های اجتماعی می‌داند (Putnam, ۲۰۰۰; ۲۰۰۲).

فرانسیس فوکویاما ضمن نقد پاتنام از لحاظ تأکید بر نهادهای مدنی، سعی دارد در تعریف سرمایه‌اجتماعی مثل سایر صاحب نظران هر دو جنبه عینی و ذهنی، یعنی شبکه روابط رسمی و غیررسمی و اعتماد اجتماعی را مورد توجه قرار دهد (فوکویاما، ۱۳۸۴). او کارکرد اصلی سرمایه‌اجتماعی را تسهیل همکاری و مشارکت گروهی برای تحقق اهداف و منابع فردی و جمعی و کمک به توسعه اقتصادی-سیاسی و فرهنگی می‌داند. فوکویاما هم نظیر برخی دیگر از صاحب نظران برای سرمایه‌اجتماعی انواع درون گروهی یا بین گروهی قائل است که برخورداری آنان از سرمایه‌اجتماعی سایر گروه‌ها گردد (همان: ۳۷۹).

کلاوس افه نیز با توجه به ابعاد سرمایه‌اجتماعی آن را در برگیرنده روابط انجمنی، اطمینان به نهادها و اعتماد بین اشخاص و اقوام و خیرخواهی می‌داند. عوامل تاریخی، فرهنگی-سیاسی و اقتصادی را در کم و کیف

سرمایه‌اجتماعی موثر دانسته و خود سرمایه‌اجتماعی را به عنوان یکی از عوامل کارایی و توسعه اقتصادی، نظم و صلح جهانی، احساس امنیت و توسعه معرفی کرده است (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۶). او هم نظیر برخی دیگر از صاحب نظران به مساله کاهش سرمایه‌اجتماعی در کشورهای صنعتی از جمله در کشور آلمان اشاره می‌کند (Offe, ۱۹۹۸).

در جمع بندی نتایج حاصل از مرور دیدگاه‌های نظری می توان گفت که در نزد صاحب نظران و در دیدگاه‌های کلاسیک جامعه شناسی، مضمون سرمایه‌اجتماعی مورد توجه قرار گرفته و در هر دیدگاه سعی شده با تاکید بر عاملی خاص در سطح کلان یا خرد به صورتی تقلیل گرایانه مورد تحلیل قرار گیرد. ولی همان طوری که پورترس هم نشان داده است، مفهوم سرمایه‌اجتماعی در جامعه شناسی معاصر مبانی نظری و تجربی قابل توجهی پیدا کرده است (۱۹۹۸). در بین صاحب نظران معاصر و دیدگاه‌های تلفیقی نوین، سرمایه‌اجتماعی به عنوان پدیده‌ای اجتماعی و مفهومی چند وجهی مشتمل بر حداقل دو بعد عینی یا ساختاری و تعاملاتی (بین اعیانی) و ذهنی یا شناختی (بین اذهانی) یعنی شبکه روابط توأم با تعهد و اعتماد اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. سرمایه‌اجتماعی با این مضمون می‌تواند محدود و درون گروهی یا تعمیم یافته و بین گروهی باشد. نوع و میزان سرمایه‌اجتماعی تابع نوع و ویژگی‌های اجتماع و مشخصات سایر خرده نظام های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی موجود در جامعه است و به نوبه خود در تسهیل کنش های اجتماعی، تامین منافع فردی و جمعی و توسعه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی موثر است. با این که روند تحول مبانی نظری سرمایه‌اجتماعی از تقلیل گرایی به تلفیق گرایی و از نقص به کمال بوده و امروز مفهوم سرمایه‌اجتماعی در علوم اجتماعی دارای مبانی نظری و روش شناسی نسبتاً مشخص و قابل استفاده برای تحقیقات تجربی است، ولی هنوز از لحاظ نظری به همه پرسش هایی که در ارتباط با آن مطرح شده پاسخ داده نشده و لذا عرصه برای نظریه پردازی درباره آن باز است.

ب-۴) مبانی نظری

در هر جامعه‌ای خرده نظام اجتماع در ارتباط با سایر خرده نظام های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی اصلی ترین منبع و قلمرو روابط و تعاملات اجتماعی توأم با احساسات و عواطفی است که مولد تعهدات متقابل برای وصل کردن کنشگران به هم دیگر و ایجاد اعتماد، همبستگی، انسجام و محیط گرم و سینرژی لازم برای سلامت جسمانی، روانی و شور و نشاط اجتماعی است. در جوامع سنتی، غلبه اجتماع بر سایر خرده نظام ها، زندگی گرم و پر احساس را در درون اجتماعات کوچک خانوادگی، طایفه‌ای و قومی پدید می آورد

که هر چند برای اعضای هر یک از آن گروه‌ها مثبت محسوب می‌شود ولی برای بسط تعاملات اعضای آن گروه‌ها و روابط آن‌ها با گروه‌های دیگر مشکل ایجاد می‌کند. در جوامع مدرن هم علی‌رغم پیدایش و گسترش نهادهای مدنی جدید، شکل‌گیری اجتماع جامعه‌ای یا اجتماع اجتماعات و رشد سرمایه‌اجتماعی جدید بین گروهی در قالب نظام سرمایه داری و با سیطره سیستم (خرده نظام های اقتصادی و سیاسی) بر جهان حیاتی (خرده نظام های اجتماعی _ فرهنگی)، زندگی نسبتاً سرد و بی روح گردیده و کنش های ارتباطی تحت شعاع کنش های ابزاری قرار گرفته است. این امر منجر به پیدایش و افزایش انواع مسائل و آسیب های اجتماعی گردیده که صاحب نظران در تحلیل آنها به اهمیت و نقش سرمایه‌اجتماعی در روند توسعه همه جانبه و متوازن پی برده اند. در دهه‌های پایانی هزاره دوم متعاقب مطرح شدن موضوع توسعه پایدار و به ویژه توسعه اجتماعی، مفهوم سرمایه‌اجتماعی بیش از پیش مطرح نظر قرار گرفت (Halpern, 2001). با شروع هزاره سوم هم توجه روز افزون به جایگاه و نقش سرمایه‌اجتماعی تداوم یافت، به طوری که امروز با حجم قابل توجهی از منابع و متون مرتبط با سرمایه‌اجتماعی سرو کار داریم (Beugelsdijk & Schaik, 2005).

با این مضمون و مفهوم سرمایه‌اجتماعی در بعد نظری و تجربی مورد توجه صاحب نظران و پژوهشگران اجتماعی قرار گرفته است. ولی هنوز با ابهامات نظری و روش شناختی عدیده‌ای روبه روست. (Rose, 1999:90; Paxton; 1998: 5) در ذیل به بیان آراء و نظرات صاحب نظران در خصوص سرمایه‌اجتماعی خواهیم پرداخت.

ب-۴-۱) رابرت پاتنام:

نخستین کار پاتنام درباره سرمایه‌اجتماعی، به مطالعه او درباره حکومت منطقه‌ای در ایتالیا اختصاص داشت، او مفهوم سرمایه‌اجتماعی را برای روشن شدن تفاوت های تعهد مدنی به کار گرفت. اما پاتنام کار خود را در کتاب بولینگ تنها بسط و گسترش داد (فیلد، ۱۳۸۶: ۵۴). پاتنام در این کتاب سرمایه‌اجتماعی را سه مؤلفه شبکه روابط، همیاری و اعتماد تعریف می‌کند. به نظر پاتنام "روابط اجتماعی" و تعاملات افراد با یکدیگر بنیادی ترین جزء سرمایه‌اجتماعی و در واقع، ایده مرکزی نظریه‌های سرمایه‌اجتماعی است (putnam&Goss, 2002:6). از نظر وی اعتماد و ارتباط متقابل اعضا در شبکه، منابعی هستند که در کنش های اعضای جامعه موجود است. وی سرمایه‌اجتماعی را وسیله‌ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی در نظام های مختلف سیاسی می‌داند. تأکید عمده وی بر مفهوم اعتماد بود و به زعم وی همین

عامل بود که می توانست با جلب اعتماد میان مردم و دولتمردان و تخبگان سیاسی، موجب توسعه سیاسی شود. بنابراین اعتماد منبع باارزشی است که اگر حکومتی به میزان زیادی آن را دارا باشد؛ به همان اندازه رشد سیاسی و توسعه اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود. پاتنام معتقد است که در جوامع مدنی، سازمان‌هایی از قبیل اتحادیه‌ها، کلیساها و گروه‌های اجتماعی از طریق پیوند بین شکاف‌های اجتماعی، از طریق پیوند بین شکاف‌های اجتماعی تفرقه انداز مانند متحد ساختن مردم دارای ارزش‌ها و نگرش‌های متفاوت و بهبود بخشیدن خلق و خویهای قلبی همانند بردباری و رابطه متقابل و همچنین از طریق مشارکت در ایجاد زیر بنای اجتماعی استوار در ایجاد سرمایه اجتماعی ایفای نقش می‌کنند (ربانی و گنجی، ۱۳۸۷: ۴۶).

پاتنام شبکه‌ها را خاستگاه اعتماد و هنجارهای همیاری می‌داند. " ساخت شبکه " و " فشردگی شبکه " _ افزایش انجمن‌ها و امکان عضویت متداخل _ دو معیار مهم در بررسی نقش شبکه‌هاست. " هنجارهای همیاری " مؤلفه دوم سرمایه اجتماعی است. پاتنام همیاری تعمیم یافته را ملاک سرمایه اجتماعی و مولدترین جزء آن م‌یداند. وی دو نوع هنجار همیاری را از هم تفکیک می‌کند: هنجارهای همیاری متوازن و هنجارهای همیاری تعمیم یافته. در همیاری متوازن، مبادله همزمان چیزهایی با ارزش برابر صورت می‌گیرد؛ ولی در همیاری تعمیم یافته رابطه تبادلی مداومی در جریان است که در همه حال یک طرفه و غیر متوازن است، اما انتظارات متقابلی مبنی بر اینکه سودی که اکنون اعطا شده، باید در آینده پرداخت شود ایجاد می‌کند (پاتنام، ۱۳۸۴: ۲۹۲). پاتنام در مطالعات خود دو نوع سرمایه اجتماعی را از هم تفکیک نموده و معتقد است اگر چه سرمایه درون گروهی در گروه‌های مختلف قومی، سنی، طبقاتی و ... ممکن است باعث شکل‌گیری خودهای انحصاری و تنگ نظرانه شود، اما سرمایه اجتماعی بین گروهی باعث اتصال افراد غیر مشابه از بخش‌های گوناگون جامعه با هویت‌های باز و خالی از تعصب به یکدیگر می‌گردد و اگر چه این دو نوع سرمایه بسیار مهم هستند اما جایگزین نبوده، در جامعه از هم جدا نیستند (فیروز آبادی، ۱۳۸۴: ۱۵۷).

به نظر پاتنام سرمایه اجتماعی در گروه‌های مدنی و دینی، پیوندهای خانوادگی، شبکه‌های اجتماعی غیر رسمی، دوستان و هنجارهای اعتماد و عمل متقابل در بین شبکه‌ها منابع اصلی سرمایه اجتماعی هستند (Narayan & Woolcock & Grootaert & ..., ۲۰۰۴: ۳). پاتنام معتقد است: کشورها، جوامع و گروه‌هایی که دارای شبکه‌های غنی و گسترده‌ای از انجمن‌های مدنی مانند سازمان‌های بشردوستانه، گروه‌های زیست محیطی، باشگاه‌های ورزشی و ... هستند، باید از صفاتی مانند اعتماد اجتماعی، تعهد و

تحمل اجتماعی، تعاون و همکاری سطح بالا، مشارکت رسمی و داوطلبانه برخوردار باشند، زیرا این ویژگی ها سرمایه اجتماعی را تولید می کند (putnam&Goss, ۲۰۰۰: ۷۲).

با بررسی دیدگاه پاتنام می توان دریافت که متغیرهای اجتماعی تأثیرگذار بر سرمایه اجتماعی در نزد او عبارتند از "مهاجرت" و "طبقه اجتماعی".

ب- ۴-۲) جیمز کلمن:

یکی دیگر از نظریه پردازان سرمایه اجتماعی جیمز کلمن است. جایگاه سرمایه اجتماعی در کار کلمن، در تلاش گسترده تر وی در بنیادهای نظم اجتماعی قرار دارد که به طور آشکار در آخرین مطالعات وی با عنوان بنیادهای نظم اجتماعی دیده می شود (فیلد، ۱۳۸۶: ۳۹). به اعتقاد کلمن، سرمایه اجتماعی بخشی از ساختار اجتماعی است که به کنشگر اجازه می دهد با استفاده از آن به منافع آن دست یابد. کلمن به جای تعریف سرمایه اجتماعی بر حسب ماهیت و محتوای آن به کارکرد آن توجه دارد. از نظر او سرمایه اجتماعی شی واحدی نیست بلکه ترکیبی از هستی های متفاوتی است که دارای دو خصوصیت مشترک هستند: همگی دارای جوهری از یک ساختار اجتماعی هستند و همگی کنش های خاصی از افراد داخل ساختار را تسهیل می کنند. کلمن در مطالعه سرمایه اجتماعی هر سه سطح فرد، گروه و جامعه را مورد توجه قرار داده است و دیدگاه وی از سرمایه اجتماعی شامل هر دو بعد ساختاری و شناختی می شود (کلمن، ۱۳۷۷). در دیدگاه کلمن سرمایه اجتماعی شامل شکل های زیر است: ۱- تعهدات و انتظارات؛ ۲- ظرفیت بالقوه اطلاعات؛ ۳- هنجارها و ضمانت های اجرایی مؤثر، ۴- روابط اقتدار؛ ۵- سازمان های اجتماعی انطباق پذیر؛ ۶- سازمان های تعمدی (کلمن، ۱۳۷۷).

کلمن بر این باور بوده انواع خاصی از ساختارهای اجتماعی بیش از سایرین انتخاب کنش های افراد را تسهیل می کنند. او خانواده را به عنوان کلاف قدیمی سرمایه اجتماعی تصور می کند. از نظر او شبکه خویشاوندان به طور عام و خانواده به طور خاص نشان دهنده یک پایه مهم جامعه برای سرمایه اجتماعی هستند. همچنین سازمان های مذهبی را اندک سازمان های باقی مانده جامعه می داند که در آن ها سرمایه اجتماعی افراد بالغ اجتماع برای کودکان و نوجوانان هم قابل استفاده است (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۸۷).

به طور خلاصه، از دیدگاه کلمن سرمایه اجتماعی خانواده، سرمایه اجتماعی خویشاوندان و میزان دینداری به عنوان متغیرهای اجتماعی مؤثر بر سرمایه اجتماعی هستند.

ب-۴-۳) پیر بوردیو:

یکی دیگر از نظریه پردازان سرمایه اجتماعی پیربوردیو است. دیدگاه‌های بوردیو را می توان در مکتب جامعه شناسی تضاد و اختارگرا جای داد. بوردیو، بیشتر به بررسی و مطالعه دوام و پایداری طبقه اجتماعی و سایر اشکال مستحکم نابرابری گرایش داشت (فیلد، ۱۳۸۶: ۲۹). دیدگاه بوردیو در خصوص سرمایه اجتماعی را می توان در مبحث "فضاهای اجتماعی" پیگیری کرد. بوردیو مفهوم فای اجتماعی را هم پیوند با میدان مطرح می کند و از وجود میدان‌های گوناگون در فضای اجتماعی یاد می نماید. او معتقد است برای ساختن الگوی فضای اجتماعی، لازم و کافی است که انواع مختلف سرمایه، که چگونگی توزیع آن تعیین کننده ساختار فضای اجتماعی است، مورد بررسی قرار گیرد (بوردیو، ۱۳۸۱: ۴۷). به طور کلی، از نظر بوردیو، سرمایه منبعی است که در عرصه خاصی اثر می گذارد و به فرد امکان می دهد که سودی ویژه از راه مشارکت در رقابت بر سر آن به دست آورد. وی سرمایه را به چند مقوله گسترده تقسیم می کند - اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادی - که هر یک از اینها را نیز می توان در پرتو میدان‌های خاص به مقولاتی چون سرمایه عملی، حرفه‌ای (فاین، ۱۳۸۵: ۱۰۲). وی سرمایه اجتماعی را حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعل فراهم شده برای فرد و گروه می داند. این منابع، برآمده از مالکیت شبکه بادوامی از روابط کم و بیش نهادینه‌ای شده‌ای است که از فهم متقابل و سوابق مشترک بین افراد حاصل می شود (الوانی و شیروانی، ۱۳۸۵: ۲۴). همچنین او در تحلیل خود از سرمایه اجتماعی به تقابل طبقه اجتماعی با اشکال دیگر نابرابری ها تأکید دارد. به نظر وی سرمایه اجتماعی، سرمایه منبعث از افتخار و احترام است (محمدی، ۱۳۸۴: ۴۷). همچنین، بوردیو سرمایه اجتماعی را مترادف با کمیت و کیفیت روابط اجتماعی که در تملک افراد است و نیز شناخت و قضاوت های دیگران درباره منابع در دسترس آنان می داند. سرمایه اجتماعی مرکب از دو جزء است: ۱- عضویت در گروه و شبکه‌های اجتماعی؛ ۲- شناخت و تصدیقات متقابل (عطار، ۱۳۸۷: ۱۵۸).

بوردیو در تحلیل خود خانواده و طبقه اجتماعی را مهمترین عامل در میزان سرمایه اجتماعی می داند. طبقات بالای جامعه با داشتن ارتباطات وسیع و امکانات فراوان، این سرمایه را به نسل های بعدی منتقل کرده، سعی در بازتولید روابط اجتماعی و موروثی کردن سرمایه اجتماعی دارند.

بازتولید سرمایه اجتماعی از طریق مبادله صورت نمی گیرد، زیرا سرمایه اجتماعی امری قابل مبادله نیست؛ بلکه از طریق جامعه پذیری بازتولید آن صورت می گیرد. نظام آموزش نیز از طریق تخصیص آموزش های با کیفیت بالاتر و بهتر در فرایند بازتولید به آنها کمک می کند. در این میان، طبقات ضعیف و فقیر جامعه که

از روابط محدود و بی کیفیتی برخوردارند، توانایی افزایش سرمایه اجتماعی خود را از دست می دهند و به این ترتیب همواره وضعیت نابرابر طبقات بازتولید می شوند (شارع پور، ۱۳۸۰)

بنابراین از دیدگاه بورديو " سرمایه اجتماعی خانواده"، " دینداری" و " طبقه اجتماعی" متغیرهای اجتماعی تأثیرگذار بر سرمایه اجتماعی هستند.

ب-۴-۴) فوکویاما:

فوکویاما از دیگر صاحب نظران سرمایه اجتماعی است. وی اصطلاح سرمایه اجتماعی را در آثار جین جاکوب (۱۹۶۱) و گلن نوری اقتصاددان و ایوان لایت جامعه شناس در دهه ۱۹۷۰ ریشه یابی نموده و معتقد است در دهه ۱۹۸۰ اصطلاح سرمایه اجتماعی از سوی کلمن و پاتنام در معنای وسیع تری استفاده شده است. فوکویاما سرمایه اجتماعی برخی کشورهایی را که از نظر فرهنگی یکسانند مقایسه می کند. هدف فوکویاما پاسخ دادن به این سؤال است که چرا برخی کشورها موفقیت بیشتری نسبت به سایر کشورها دارند؟ او ادعا می کند که در این کشورها سطوح بالای قابلیت اجتماعی (سرمایه اجتماعی) صداقت و اعتماد، افراد را به انجام کارهای مشارکتی و تعاونی مشتاق می سازد و زمینه را برای رشد و ترقی فراهم می کند. فوکویاما خانواده را به عنوان یکی از منابع حائز اهمیت سرمایه اجتماعی در سطح جهان معرفی می کند (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۲۴). وی معتقد است که سرمایه اجتماعی معمولاً محصول جانبی، سنت، تجربه مشترک تاریخی و دیگر عواملی است که از کنترل دولت خارج است. دولت ها نقش چندانی در ایجاد بسیاری از اشکال سرمایه اجتماعی ندارند. آنها ممکن است از طریق دخالت دولت در برخی از رویدادها و مناسبات اجتماعی موجود بین مردم جامعه و از طریق تبلیغ مستمر برخی ارزش ها و در دست گرفتن بخشی از بازار، یا فعالیت هایی که بهتر است در اختیار بخش خصوصی یا جامعه مدنی باشد؛ تأثیر منفی بر سرمایه اجتماعی بگذارند، اما مهمترین حوزه ای که دولت ها می توانند به طور مستقیم بر افزایش سرمایه اجتماعی تأثیر بگذارند، آموزش و پرورش است؛ زیرا نهادهای آموزشی، صرفاً سرمایه اجتماعی ایجاد نمی کنند، بلکه سرمایه اجتماعی را در قالب هنجارها و قوانین اجتماعی منتقل می کنند. همچنین دولت ها به طور غیر مستقیم از طریق تأثیرگذاری بر تهیه مایحتاج عمومی، حقوق مالکیت و امنیت عمومی موجبات رشد اعتماد را در جامعه فراهم سازند. از نظر فوکویاما، به غیر از دولت که نقش محدودی در خلق سرمایه اجتماعی دارد، دو عامل مذهب و جهانی سازی اساسی ترین منابع سرمایه اجتماعی هستند. از نظر او دین مهمترین عنصر در شکل گیری فرهنگ ملل بوده که حتی در دهه های اخیر و یا فراتر از آن در سده های آینده می تواند نقش

وحدت بخشی خود را ادامه دهد و در صورتی که به فرقه گرایی ختم نشود؛ آثار مثبتی بر جامعه داشته باشد. اما جهانی سازی که هم در برگیرنده سرمایه است و هم اندیشه‌ها و فرهنگ‌ها، هر چند برای فرهنگ سنتی خطرناک است، اما اندیشه‌ها، عادات و رفتارهای تازه‌ای را به ارمغان می‌آورد که حاصل به کارگیری استانداردهای تازه از سوی سازمان‌های غیردولتی است که می‌تواند اثر مثبتی بر سرمایه‌اجتماعی داشته باشد (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۵۶-۵۲).

در مجموع از فوکویاما "سنت گرایی"، "سرمایه‌اجتماعی خانواده"، "سرمایه‌اجتماعی خویشاوندان"، "طبقه اجتماعی"، "غرب گرایی" و "میزان دینداری" به عنوان متغیرهای اجتماعی مؤثر بر سرمایه‌اجتماعی هستند.

ب-۵) چارچوب نظری:

با عنایت به اهداف پژوهش حاضر، در راستای سنجش سرمایه‌اجتماعی و شناسایی راهکارهای ارتقاء آن، لازم است که شاخص‌های سرمایه‌اجتماعی در حوزه‌های چهارگانه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در ارتباط با روابط بین فردی، روابط سازمان‌ها و گروه‌های آن‌ها و همچنین در سطح کلان‌کشوری بررسی شود. با توجه به این که نظریه واحدی که بتوان وضعیت سرمایه‌اجتماعی را در جامعه بر اساس آن به طور دقیق تبیین نمود وجود ندارد. چارچوب نظری این تحقیق ترکیبی از تئوری‌های نظریه پردازان سرمایه‌اجتماعی از جمله پوتنام (ارتباط افقی بین افراد)، کلمن (سرمایه‌اجتماعی عمودی) و داگلاس نورث (سطح کلان) است که در ذیل به شرح آن خواهیم پرداخت و در ادامه به ارائه عناصر و مولفه‌های سرمایه‌اجتماعی و نقش نهادها در سرمایه‌اجتماعی خواهیم پرداخت. و در پایان مدل تحقیق آورده می‌شود.

رابط پاتنام: نخستین کار پاتنام درباره سرمایه اجتماعی، به مطالعه او درباره حکومت منطقه ای در ایتالیا اختصاص داشت، او مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی را برای روشن شدن تفاوت‌های تعهد مدنی به کار گرفت. اما پاتنام کار خود را در کتاب بولینگ تنها بسط و گسترش داد (فیلد، ۱۳۸۶: ۵۴) پاتنام در این کتاب سرمایه اجتماعی را سه مؤلفه‌ی شبکه‌ی روابط، همیاری و اعتماد تعریف می‌کند. به نظر پاتنام "روابط اجتماعی" و تعاملات افراد با یکدیگر بنیادی‌ترین جزء سرمایه اجتماعی و در واقع، ایده مرکزی نظریه‌های سرمایه اجتماعی است (putnam&Goss: ۲۰۰۲)

از نظر وی، اعتماد و ارتباط متقابل اعضا در شبکه، منابعی هستند که در کنش‌های اعضای جامعه موجود است. وی سرمایه اجتماعی را وسیله‌ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی در نظام‌های مختلف

سیاسی می دانست. تأکید عمده وی بر مفهوم اعتماد بود و به زعم وی؛ همین عامل بود که می توانست با جلب اعتماد میان مردم و دولتمردان و نخبگان سیاسی، موجب توسعه سیاسی شود. بنابراین؛ اعتماد منبع با ارزشی است که اگر حکومتی به میزان زیادی آن را دارا باشد؛ به همان اندازه رشد سیاسی و توسعه ی اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود. پاتنام، معتقد است که در جوامع مدنی، سازمان هایی، از قبیل اتحادیه‌ها، کلیساهای و گروه‌های اجتماعی، از طریق پیوند بین شکاف های اجتماعی تفرقه انداز، مانند متحد ساختن مردم دارای ارزش ها و نگرش های متفاوت و بهبود بخشیدن خلق و خویهای قلبی؛ همانند بردباری و رابطه متقابل و همچنین، از طریق مشارکت در ایجاد زیر بنای اجتماعی استوار؛ در ایجاد سرمایه ی اجتماعی ایفای نقش می کنند(ربانی و گنجی، ۱۳۸۷: ۴۶)

پاتنام، شبکه‌ها را خاستگاه اعتماد و هنجارهای همیاری می داند "ساخت شبکه" و "فشرده‌گی شبکه" -افزایش انجمن ها و امکان عضویت متداخل -دو معیار مهم در بررسی نقش شبکه‌هاست. هنجارهای همیاری "مؤلفه دوم سرمایه اجتماعی است. پاتنام همیاری تعمیم یافته را ملاک سرمایه ی اجتماعی و مولدترین جزء آن می داند.

وی، دو نوع هنجار همیاری را از هم تفکیک می کند: هنجارهای همیاری متوازن و هنجارهای همیاری تعمیم یافته. در همیاری متوازن، مبادله همزمان چیزهایی با ارزش برابر صورت می گیرد؛ ولی در همیاری تعمیم یافته رابطه تبادلی مداومی در جریان است که در همه حال یک طرفه و غیر متوازن است، اما انتظارات متقابلی، مبنی بر اینکه سودی که اکنون اعطا شده ، باید در آینده بازپرداخت شود، ایجاد می کند. (پاتنام، ۱۳۸۴: ۲۹۲)

پاتنام در مطالعات خود دو نوع سرمایه اجتماعی درون گروهی و برون گروهی را از هم تفکیک نموده و معتقد است اگر چه سرمایه درون گروهی در گروه‌های مختلف قومی، سنی، طبقاتی و ... ممکن است باعث شکل گیری خودهای انحصاری و تنگ نظرانه شود، اما [۲] سرمایه ی اجتماعی بین گروهی باعث اتصال افراد غیر مشابه از بخش های گوناگون جامعه با هوی [۲]ت های باز و خالی از تعصب به یکدیگر می گردد و اگرچه این دو نوع سرمایه بسیار مهم هستند، اما [۲] جایگزین نبوده ، در جامعه از هم جدا نیستند (فیروز آبادی، ۱۳۸۴: ۱۵۷)

به نظر پاتنام سرمایه اجتماعی در گروه‌های مدنی و دینی، پیوندهای خانوادگی، شبکه‌های اجتماعی غیررسمی، دوستان و هنجارهای اعتماد و عمل متقابل در بین شبکه‌ها، منابع اصلی سرمایه اجتماعی هستند. (Narayan & Woolcock & Grootaert &..., ۲۰۰۴: ۳)

پاتنام معتقد است کشورها، جوامع و گروه‌هایی که دارای شبکه‌های غنی و گسترده‌ای از انجم نه‌ای مدنی، مانند

سازمان‌های بشردوستانه، گروه‌های زیست-محیطی، باشگاه‌های ورزشی و... هستند، باید از صفاتی مانند: اعتماد اجتماعی، تعهد و تحمل اجتماعی، تعاون و همکاری سطح بالا، مشارکت رسمی و داوطلبانه برخوردار باشند، زیرا این ویژگی‌ها سرمایه‌ی اجتماعی را تولید می‌کند (Putnam, 2000: 72).

با بررسی دیدگاه پاتنام می‌توان دریافت که متغیرهای اجتماعی تأثیرگذار بر سرمایه اجتماعی در نزد او عبارتند از: "مهاجرت" و "طبقه اجتماعی".

جیمز کلمن: یکی دیگر از نظریه پردازان بنام سرمایه اجتماعی، جیمز کلمن است. جایگاه سرمایه اجتماعی در کار کلمن، در تلاش گسترده‌تر وی در "بنیادهای نظم اجتماعی" قرار دارد که به طور آشکار در آخرین مطالعات وی با عنوان بنیادهای نظم اجتماعی دیده می‌شود. (فیلد، ۱۳۸۶: ۳۹)

به اعتقاد کلمن، سرمایه اجتماعی، بخشی از ساختار اجتماعی است که به کنشگر اجازه می‌دهد با استفاده از آن به منافع خود دست یابد. کلمن، به جای تعریف سرمایه اجتماعی بر حسب ماهیت و محتوای آن به کارکرد آن توجه دارد. از نظر او، سرمایه‌ی اجتماعی شیء واحدی نیست بلکه ترکیبی از هستی‌های متفاوتی است که دارای دو خصوصیت مشترک هستند: همگی دارای وجوهی از یک ساختار اجتماعی هستند و همگی کنش‌های خاصی از افراد داخل ساختار را تسهیل می‌کنند. کلمن، در مطالعه سرمایه اجتماعی هر سه سطح فرد، گروه و جامعه را مورد توجه قرار داده است و دیدگاه وی از سرمایه اجتماعی شامل هر دو بعد ساختاری و شناختی می‌شود. (کلمن، ۱۳۷۷)

در دیدگاه کلمن، سرمایه اجتماعی شامل شکل‌های زیر است: ۱- تعهدات و انتظارات؛ ۲- ظرفیت بالقوه اطلاعات؛ ۳- هنجارها و ضمانت‌های اجرایی مؤثر؛ ۴- روابط اقتدار؛ ۵- سازمان‌های اجتماعی انطباق پذیر؛ ۶- سازمان‌های تعمدی (کلمن، ۱۳۷۷)

کلمن بر این باور بود که انواع خاصی از ساختارهای اجتماعی بیش از سایرین انتخاب کنش‌های افراد را تسهیل می‌کنند. او خانواده را به عنوان کلاف قدیمی سرمایه اجتماعی تصور می‌کند. از نظر او شبکه خویشاوندان به طور عام و خانواده به طور خاص نشان‌دهنده یک پایه مهم جامعه برای سرمایه‌ی اجتماعی هستند، همچنین، سازمان‌های مذهبی را از اندک سازمان‌های باقی مانده جامعه می‌داند که در آنها سرمایه اجتماعی افراد بالغ اجتماع، برای کودکان و نوجوانان هم قابل استفاده است (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۸۷)

به طور خلاصه، از دیدگاه کلمن " سرمایه اجتماعی خانواده"، " سرمایه اجتماعی خویشاوندان"، و " میزان دینداری " به عنوان متغیرهای اجتماعی مؤثر بر سرمایه اجتماعی هستند.

داگلاس نورث: جدیدترین دیدگاه در مورد سرمایه اجتماعی توسط داگلاس نورث در سال ۱۹۹۰ ابراز شده است که روابط رسمی و ساختارهایی مانند نهادهای در سطح کلان از جمله حکومت، رژیم سیاسی، سیاست‌های حقوقی و نظام دادخواهی را در تعریف خود وارد می‌کند (نورث، ۱۹۹۰، درفلدمن و اساف، ۱۹۹۹)

ب-۵-۱) عناصر و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی دارای ابعاد و مؤلفه‌های فراوانی است که متناسب با فرهنگ جامعه می باشد؛ مؤلفه‌هایی چون اعتماد، مشارکت در نهادهای مدنی و مؤسسات خیریه، ارتباطات مناسب با دیگران، تعهد و مسؤلیت، همکاری و روحیه کار گروهی و احساس هویت جمعی در این زمینه مد نظر می باشد. با این وجود به نظر ما مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی که در یک رابطه متعامل با هم قرار گرفته و هر کدام تقویت کننده دیگری است از مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند. این سه مؤلفه از مفاهیم کلیدی جامعه شناسی نیز هستند.

اعتماد اجتماعی^{۱۶}

اعتماد، لازمه شکل‌گیری پیوندها و معاهدات اجتماعی است. اعتماد اجتماعی، ایجادکننده تعاون و همیاری است و فقط در این حالت است که در عین وجود تفاوت ها قادر به حل مشکلات و انجام تعهدات اجتماعی می‌شود. اعتماد اجتماعی برگرفته از عدالت (برابری) بوده و امنیت اجتماعی نیز زاینده آنها می باشد. آنتونی گیدنز^{۱۷}، اعتماد و تأثیر آن بر فرآیند توسعه را زیربنا و زمینه ساز اصلی در جوامع مدرن می داند، هر جا که سطح اعتماد اجتماعی بالا باشد، مشارکت و همیاری مردم در عرصه‌های اجتماعی بیشتر و آسیب های اجتماعی کمتر است (اکبری، ۱۳۸۳: ۱۱)

زتومکا که در میان جامعه شناسان معاصر، مبحث اعتماد اجتماعی را مورد عنایت ویژه قرار داده، معتقد است که توجه به اعتماد اجتماعی ایده جدیدی نیست، بلکه یک جریان چند قرنی است. به نظر او برخورداری جامعه جدید از ویژگی‌های منحصر بفردی چون آینده گرایی؛ شدت وابستگی متقابل، گستردگی و تنوع جوامع، تزاید نقش ها و تمایز اجتماعی، بسط نظام انتخاب، پیچیدگی نهادها و افزایش ابهام،

^{۱۶} Social Trust

^{۱۷} Anthony Giddens

ناشناختگی و تقویت گمنامی و غریبه بودن نسبت به محیط اجتماعی، باعث توجه به اعتماد اجتماعی و نقش آن در حیات اجتماعی و رشد نوعی جهت گیری فرهنگ گرایانه که در خود نوعی چرخش از مفاهیم سخت به مفاهیم نرم را دارد، شده است. چنین چرخشی زمینه توجه عمیق تر به مفاهیم اعتماد را به دنبال داشته و در طی دو دهه گذشته شاهد موج جدیدی از مباحث مربوط به اعتماد در مفاهیم علوم اجتماعی بویژه جامعه شناسی هستیم (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۲۷۸)

بی اعتمادی، پدیده‌ای روان شناختی است که فرد اطمینان به خود را از دست می دهد و به ناتوانی خود اذعان دارد این روند از نقطه نظر کلان به بی اعتمادی در سطوح ملی می رسد، پدیده بی اعتمادی توان حرکت و خلاقیت را از خود می گیرد و او را به موجودی بی تحرک و خنثی تبدیل می کند. بحران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در سطح جامعه و فراگیر شدن آن باعث بی اعتمادی افراد و سلب اعتماد نسبت به همدیگر و مجموعه آنها نسبت به جامعه می شود و اتحاد و پیوستگی ملی به قیمت کسب امنیت فردی به خطر جدی می افتد. شدت چنین وضعیتی، نزول معیارهای اخلاقی فرد و نادیده گرفتن معیارهای جمعی و در نهایت تجاوز به حقوق دیگران حتی به صورت آشکار و به صورت باجگیری های مختلف است (اکبری، ۱۳۸۳: ۱۱)

انسجام اجتماعی^{۱۸}

امیل دورکیم از اولین جامعه شناسانی است که مفهوم انسجام و همبستگی اجتماعی را مورد مطالعه قرار داده است و وجود آن را برای هر جامعه ای لازم می داند.

جانانان ترنر به نقل از دورکیم می گوید؛ انسجام وقتی رخ می دهد که عواطف افراد به وسیله نمادهای فرهنگی تنظیم شوند، جایی که افراد متصل به جماعت و اجتماعی شده باشند، جایی که کنش ها تنظیم شده و به وسیله هنجارها هماهنگ شده اند و جایی که نابرابری ها قانونی تصور می شود (اکبری، ۱۳۸۳: ۱۸-۱۷)

بنابراین جوامع مادامی که جمعیت آن ها اندک بوده و جوامعی ساده با باورها و ارزش های محدود و ساده بودند، انسجام در آنها مکانیکی بوده است، اما دورکیم معتقد است جوامع سنتی در روند تکاملی خود تحت تأثیر عواملی، تغییراتی را در خود پذیرا می شوند. مهمترین این عوامل از نظر دورکیم، پیشرفت تقسیم کار است که باعث تحولی عظیم در این جوامع گشته و در حقیقت به دلیل تقسیم کار است که جامعه سنتی مبتنی بر انسجام مکانیکی به جامعه صنعتی مبتنی (بر همبستگی ارگانیکی تبدیل می گردد (همان: ۱۸)

^{۱۸} Social Solidarity

لذا وجود تقسیم کار است که جامعه‌ای با ماهیتی سنتی را به جامعه‌ای تحول یافته و با ماهیتی صنعتی بدل می‌کند. تقسیم کار هر چه پیچیده تر و تخصصی تر می‌شود، توافق روی دایره‌های اخلاقی کاهش می‌یابد و تمایزات بین افراد رشد می‌کند. در این شرایط وفاق حاصل از انسجام مکانیکی جای خود را به وفاق جدیدی می‌دهد که برخاسته از انسجام ارگانیکی نظم جدید است (همان: ۱۸) اما در این زمینه که چه چیزی تقسیم کار را ایجاد و تشدید می‌کند دورکیم می‌گوید: « بین تراکم مادی و تراکم اخلاقی پیوند نزدیکی وجود دارد » او به عناصری چون افزایش تراکم جمعیت، افزایش و تشکیل شهرنشینی، تعداد و سرعت راه‌های ارتباطی و حمل و نقل اشاره دارد. دورکیم معتقد است رشد و افزایش تعاملات افراد به پیچیدگی و تخصصی تر شدن تقسیم کار و تراکم اخلاقی می‌انجامد و به تعبیر گی روشه از این جریان متحرک عمومی، لاجرم درجه بسیار بالایی از فرهنگ حاصل خواهد شد و بنابراین همین شدت روابط است که تمدن را در جوامعی می‌سازد که انسجامش دیگر از نوع ارگانیکی است. (همان ۱۹-۱۸)

مشارکت اجتماعی^{۱۹}

مفهوم مشارکت، قدمتی به درازای تاریخ زندگی اجتماعی بشر دارد که در طول حیات طولانی خود روند تکامل و دگرگونی را پشت سر گذاشته و به اقتضای شرایط زمانی و مکانی خود، تعاریف مختلفی به خود دیده است. کائوتری اعتقاد دارد که مشارکت به قدمت تاریخ بشری پیشینه دارد چرا که نظر و عمل مشارکت در بطن هر جامعه و در مفاهیمی چون دلبستگی، اتحاد، همکاری، انجمن و مانند آنها نهفته است و از قدیم شالوده پیدایش اجتماعی انسان شناختی نوع بشر تلقی شده است (اکبری، ۱۳۸۳: ۲۸-۲۷)

مشارکت اجتماعی بر آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آنها اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا شرکت کرده و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند (محسنی تبریزی، ۱۳۶۹: ۲۳)

مشارکت اجتماعی با مشارکت مردمی قرابت نزدیکی دارد، زیرا مشارکتی است که از متن جامعه بر می‌آید و عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی را در بر می‌گیرد. چنین مشارکتی در برنامه‌های عمران اجتماعی به ویژه در سطح روستاها، جایگاه ویژه‌ای دارد که غفلت از آن و فراهم ساختن بسترهای لازم برای بسط بهره‌گیری مناسب از آن، برنامه‌های عمران اجتماعی را در سطوح مختلف دچار مشکل و نارسایی می‌کند. نمود عینی مشارکت اجتماعی، وجود نهادهای مشارکتی چون انجمن‌ها، گروه‌ها، سازمان‌های محلی و غیردولتی است.

^{۱۹} Social Participation

تعدد و گستردگی سازمان‌های محلی و غیردولتی در یک جامعه، شاخص و بیانگر وجود مشارکت اجتماعی در آن جامعه است؛ تا جایی که جامعه مدنی به واسطه بسط و گسترش مشارکت‌های اجتماعی و نهادهای مدنی تعریف می‌شود. نهادهای مدنی، تشکل‌هایی مردمی و غیردولتی هستند که در حد فاصل توده‌های مردم با دولت به وجود می‌آیند و بخشی از مردم را برای دست‌یابی به هدفی مشخص در یکی از حوزه‌های اجتماعی، سازماندهی می‌کنند. « دامنه فعالیت این نهادها که به منظور مشارکت سازمان یافته مردم تشکیل می‌گردند، بسیار گسترده است. اتحادیه‌های صنفی، احزاب سیاسی، بنگاه‌های اقتصادی خصوصی، شرکت‌های تعاونی، گروه‌های هنری، مطبوعات، مؤسسات خیریه و حتی اجتماعات محلی مشتمل بر ساکنان یک خیابان و محله، می‌توانند مثال‌هایی از نهادهای مدنی باشند». (ازکیا و غفاری: ۱۳۸۳: ۲۹۳-۲۹۲)

ب-۵-۲) نقش نهادها در سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی، از نیمه دوم قرن بیستم به طور جدی مورد توجه جامعه‌شناسانی چون: پیربورديو، جیمز کلمن، رابرت پوتنام، قرار گرفت. امروزه در کنار سرمایه مادی، سرمایه اجتماعی در جوامع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است. این سرمایه در دل روابط متقابل بین افراد نهفته است که باید راه‌های رسیدن به آن را تبیین نمود و عوامل تهدید کننده آن را نیز به خوبی شناخت. در همه جوامع، نهادهای اولیه یا بنیادین اجتماعی (خانواده، آموزشی، حکومت، مذهب و بازار) به عنوان نهادهای دائمی و برطرف کننده اساسی‌ترین نیازهای تشکیل یک اجتماع، نقش به‌سزایی بر عهده دارند که نهادهای مدنی (احزاب، گروه‌های اجتماعی و...) نیز در مرتبه‌ای بعد از آنها (به عنوان نهادهای ثانویه) مورد توجه قرار می‌گیرند.

نهاد خانواده :

خانواده واحدی است درون گروه، بین جمعی از بستگان و خویشان و نیز یک شبکه اجتماعی مردمی است که از طریق اجداد مشترک به هم پیوند یافته‌اند. اعضای یک خانواده، رابطه عمیق و عاطفی با یکدیگر دارند و نسبت به هم احساس دلبستگی دارند. در واقع، خانواده نخستین گروهی است که کودک در کنش متقابل با اعضای آن، اجتماعی شدن را (که سرمایه‌ای اجتماعی است) می‌آموزد.

از دیگر کارکردهای مهم خانواده که تأثیر بسیاری در تولید سرمایه اجتماعی دارند، موارد زیر را می‌توان نام برد:

- تأمین امنیت اقتصادی برای اعضای خانواده.

- مراقبت و حمایت از فرزندان و سالمندان .

- تنظیم رفتار جنسی .

- تولید مثل .

نهاد آموزش :

نهاد آموزش ، در جوامع امروزی ، همچنان از دو بخش رسمی و غیر رسمی برخوردار است . بخش رسمی آن ، مدارس و دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی هستند و بخش غیر رسمی آن نیز همه اشکال دیگر اجتماعی یادگیری ، مثل یادگیری در مجالس مذهبی و کارگاه‌ها ، یادگیری از طریق رسانه‌ها و ...

امروزه در سطح اجتماع ، آموزش در معنای وسیع کلمه با «جامعه پذیری» هم معناست؛ زیرا هر دو واژه در بردارنده مفهوم انتقال فرهنگ از شخص یا گروه به شخص و گروه دیگر است . وجه بارز آموزش در جامعه نوین ، عبارت است از نهادی که تبدیل به یک فعالیت رسمی و صنعتی شده‌است . اما به راستی نهادهای آموزشی و تربیتی چگونه می توانند در بهبود سرمایه اجتماعی نقش داشته باشند؟

در مدرسه ، هر کودک مانند جامعه بزرگ ترها که در آینده وارد آن خواهد شد ، نقش مشخصی دارد و با چگونگی ایفای نقش های اجتماعی در آینده آشنا می گردد و مانند هر نظام اجتماعی دیگر ، سلسله مراتب تقسیم وظایف و مسئولیت پذیری را که لازمه یک جامعه است ، می آموزد .

نهادهای آموزشی - تربیتی با توجه به کارکردهای ویژه‌ای که به عهده دارند ، می توانند موجبات رشد فردی و رفاه جمعی را فراهم نمایند . این جریان ، در زندگی انسانی نقش مهمی را ایفا می نماید . برای مثال ، ایجاد همبستگی اجتماعی و روحیه نوجویی که یکی از تأثیرات سازمان‌های آموزشی و تربیتی در سطح اجتماع است ، می تواند تأثیر ویژه‌ای در بهبود روابط اجتماعی و سرانجام سرمایه اجتماعی داشته باشد؛ چرا که اغلب جوامع ، دارای خرده فرهنگ های متفاوت قومی ، نژادی و ... هستند و آموزش می تواند افراد جوان این اقلیت ها را با فرهنگ عمومی جامعه هم نوا و آشنا سازد و بدین ترتیب ، جامعه‌ای نسبتاً همگون با ارزش های مشترک را به وجود آورد.

به طور کلی می توان گفت که پرورش استعداد های فردی ، تحکیم پایه های زندگی جمعی ، گسترش آرمان های انسانی ، رعایت هر چه بیشتر حقوق شهروندی و ایجاد تفاهم میان افراد انسانی ، در سایه آموزش صورت می گیرد . بنا بر این ، سرمایه گذاری بر روی این نهاد و ایجاد فرصت های برابر آموزشی برای فرد

فرد اعضای جامعه، آنها را در فراگیری دانش‌ها و مهارت‌های موجود، یاری می‌رساند؛ چرا که جامعه‌ای که دارای افراد با سواد و تحصیل کرده یا فنی و حرفه‌آموز باشد، در تولید و ایجاد سرمایه‌اجتماعی نیز موفق خواهد بود.

در ادامه به طور مختصر به عمده کارکردهای نظام آموزشی در ایجاد سرمایه‌اجتماعی می‌پردازیم:

- ایجاد آمادگی در افراد برای قبول نقش‌های گوناگون در زندگی آینده؛

- فراهم آوردن مبنای اجتماعی و فهم منزلت‌های اجتماعی؛

- تقویت قدرت تطبیق افراد با ارزش‌های اجتماعی و تسهیل روابط اجتماعی؛

- شناساندن انسان و جهان و درک ارتباط انسان با خدا؛

- کوشش برای ایجاد همبستگی بشری و تفاهم میان اقوام و ملل مختلف؛

نهاد مذهب:

مذهب، یک نهاد اجتماعی جهانی و عمومی و دارای اشکال متنوعی است. معتقدین به مذهب ممکن است به پرستش خدایان و نیاکان و یا بت‌ها پردازند که نشان‌دهنده تفاوت در نوع اعمال عبادی آنها می‌باشد. اما در اینجا منظور از مذهب وجود یک ایدئولوژی واحد در یک اجتماع است و این که چه نقشی در ایجاد سرمایه‌اجتماعی می‌تواند داشته باشد. در حقیقت مذهب یا دین می‌تواند با ایجاد یک جهان بینی واحد در افراد یک اجتماع، نوعی هماهنگی و همدلی میان آنها ایجاد نماید. همچنین افراد یک اجتماع با پیروی از دستورات دینی می‌توانند به یک فهم مشترک از مسائل مادی پیرامون خود و نیز از مسائل معنوی دست یابند که با عمل و پایبندی به این دستورات، نوعی اعتماد، مشارکت اجتماعی، تعهد و همسویی - که لازمه‌ایجاد سرمایه‌اجتماعی است -، بین آنها به وجود خواهد آمد. برای مثال: نماز جماعت در بین مسلمانان، یکی از نموده‌های اعمال عبادی است که باعث ایجاد وحدت و یکپارچگی در بین آنها می‌شود.

در بررسی کارکردهای ویژه نهاد مذهب می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- همبستگی اجتماعی؛

- دادن معنا به زندگی؛

- کنترل (نظارت) اجتماعی؛

- حمایت روانی؛

نهاد بازار :

یکی دیگر از منابع تولید سرمایه‌اجتماعی، نهاد بازار (شامل همه نهادهای اقتصادی جامعه) است. در هر جامعه‌ای، پیشرفت و ترقی اعضای آن، وابسته به اقتصاد آن اجتماع است و اگر توسعه اقتصادی وجود نداشته باشد، مشکلات بسیاری را به دنبال خواهد داشت؛ چرا که نهادهای اقتصادی، بخش وسیعی از جامعه را در اختیار و اقتدار خود دارند و همه نهادهای دیگر جامعه از نوسانات شدید اقتصادی متأثر می‌شوند. به عبارتی می‌توان گفت که تمام واحدهای تشکیل دهنده یک اجتماع، به نوعی از نظر اقتصادی با یکدیگر مرتبط و در تعامل شدید هستند. نرخ‌های تورم و رکود اقتصادی، نه تنها در کسب و کار افراد تأثیر می‌گذارد، بلکه ممکن است در استواری نهاد خانواده و کیفیت آموزش و مراکزی که خدمات ضروری مردم را فراهم می‌سازند نیز تأثیر عمیقی بر جای گذارد.

از جمله کارکردهای ویژه نهاد بازار که در سرمایه‌اجتماعی نقش دارد و می‌تواند باعث ارتقای آن شود، شامل موارد زیر است:

- تولید کالاها و خدمات مورد نیاز اعضای جامعه؛

- توزیع کالا و خدمات همراه با توزیع منابع اقتصادی؛

- مصرف کالاها و خدمات؛

نهاد حکومت :

هر جامعه‌ای برای ادامه حیاتش نیاز به یک حکومت واحد دارد که در برگیرنده همه خواسته‌ها و انتظارات یک جامعه انسانی باشد. در واقع نهاد حکومت مسئول تأمین نظم در اجتماع، دفاع از جامعه در برابر حملات خارجی و همچنین تثبیت قوانین می‌باشد، به علاوه حکومت می‌تواند با رعایت حقوق و احترام به فرد اعضای جامعه خود در تولید سرمایه‌اجتماعی نقش مهمی را ایفا کند. و نیز با وضع مقرراتی خاص و با بکارگیری رسانه و دیگر ابزار در اختیار خود، ارزش‌های حیاتی مورد نیاز یک جامعه را در افراد جامعه درونی کرده و در روند ایجاد و گسترش سرمایه‌اجتماعی تأثیر به‌سزایی داشته باشد.

از جمله کارکردهای مهم حکومت در راستای ایجاد سرمایه‌اجتماعی می‌توان به نکات زیر اشاره نمود :

- نهادمند ساختن هنجارها از طریق قوانین مصوب مجلس قانون گذاری؛

- اجرای قوانین تصویب شده؛

- حل و فصل درگیری‌های موجود در اعضای جامعه؛

- ارائه خدماتی چون: مراقبت‌های بهداشتی، آموزشی، رفاهی و نظایر آن.

- حمایت از شهروندان در برابر حملات ملت‌های دیگر یا ناامنی‌های داخلی و حفظ هوشیاری ملت در برابر تهدیدهای خارجی.

با توجه به پنج نهاد ذکر شده می‌توان به نقشی که هر یک از این نهادها در سرمایه‌اجتماعی ایفا می‌کنند پی برد و اگر در جامعه‌ای هر یک از این نهادها دچار مشکلی شود و نتواند نقش خود را به خوبی ایفا نماید، سرمایه‌اجتماعی در آن جامعه با مشکل مواجه خواهد شد؛ چرا که نهاد خانواده، با آموزش‌های ابتدایی به فرزندان، نهاد آموزشی با بالا بردن و کیفیت بخشیدن به روابط بین اعضا، مذهب با ایجاد وحدت و اتحاد در کل جامعه، اقتصاد از طریق سرمایه مادی و کمک به ارتقای سطح معیشتی و سرانجام حکومت با حمایت از اعضای جامعه، بیشترین نقش را به عنوان نهادهای شکل دهنده سرمایه‌اجتماعی بر عهده دارند. اما در جوامع پیشرفته بر خلاف جوامع سنتی و ابتدایی، نهادهای دیگری (نهادهای مدنی)، در به وجود آوردن سرمایه‌اجتماعی نقش دارند که در ادامه به تبیین نقش آنها در تولید سرمایه‌اجتماعی می‌پردازیم.

نهادهای مدنی:

به مجموعه تشکّل‌ها و اجتماعات موجود در جامعه که در حدّ فاصل میان توده شهروندان و حکومت قرار گرفته‌اند، نهادهای مدنی گفته می‌شود.

یکی از امتیازهای اساسی نظام‌های مردم‌سالار، وجود نهادهای مدنی در این گونه نظام‌ها است و به دلیل آن که همه افراد جامعه دارای هر شغل و کاری که باشند می‌توانند به نوعی در این نهادها عضو باشند، نهادهای مدنی به عنوان منبعی برای سرمایه‌اجتماعی، قابل توجه‌اند.

تعاونی‌های روستایی و شهری، اتحادیه‌های صنفی، باشگاه‌های ورزشی، اجتماعات محلی و انجمن‌های حرفه‌ای (مانند انجمن اولیا و مربیان و ...) نمونه‌هایی از نهادهای مدنی به شمار می‌آیند. هنجارها و ارزش‌های مرتبط با این پیوندها برای مردم و در مقیاس وسیع‌تر برای جامعه دارای پیامدهای مهمی می‌باشد که هم باعث ایجاد منافع خصوصی و هم عمومی می‌گردد، خصوصاً شبکه‌هایی که اعضای آن را دوستان، همکاران و همسایگان تشکیل می‌دهند، معمولاً در کلافی از وظایف متقابل، همراه با هنجارهای متقابل

عمومی قرار دارند. به نحوی که روابط نزدیک، اوضاع را جهت همکاری و مشارکت و تعاون بین اعضا، بهبود می بخشد.

این نهادهای غیر دولتی ضمن ایجاد سرمایه اجتماعی می توانند با انتخاب نماینده‌ای از درون خود، به صورت غیر مستقیم با دولت در ارتباط باشند که این خود می‌تواند به وجود آورنده یک سرمایه اجتماعی از نوع اتحاد و همبستگی بین دولت و ملت باشد که در نتیجه، ثبات سیاسی را به دنبال دارد.

ب-۵-۳) نقش دولت در ایجاد سرمایه اجتماعی

امروز در سراسر جهان دولتها در کانون توجه قرار گرفته اند. توسعه‌های دور از دسترس که امروزه تحقق یافته اند ما را بر آن می‌دارد تا پرسشهای اصولی خود را درباره دولت تغییر دهیم. نقش دولت چگونه می‌تواند باشد؟ چه می‌تواند انجام دهد؟ از انجام چه کاری باید پرهیز کند؟ و بهترین راه انجام آن چیست؟ تجربه ۵۰ سال گذشته فواید و محدودیتهای عملکرد دولت را به ویژه در ارتقای توسعه به روشنی نشان داده است.

عامل تعیین کننده توسعه، به رغم تجربه‌های متفاوت، کارآمد بودن دولت است. وجود دولت کارآمد برای فراهم آوردن کالاها و خدماتی (مقررات و نهادهایی) که به بازار اجازه رشد و شکوفایی دهد و مردم را به سوی زندگی سالمتر و سعادت‌مندتر سوق دهد، حیاتی است. بدون وجود چنین دولتی، توسعه پایدار در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی غیرممکن است. ۵۰ سال پیش بسیاری از اندیشمندان دقیقاً همین نظر را عنوان می‌کردند اما رفته رفته تمایل خود را اینگونه بیان کردند که توسعه باید دولت مدار باشد. از آن هنگام تا به امروز تجربه توسعه پیام متفاوتی را به ما می‌دهد: دولت در فرایند توسعه اجتماعی و اقتصادی نقش محوری دارد، — این حال نه به عنوان فراهم کننده مستقیم رشد بلکه به عنوان یک شریک، عامل تسریع و تسهیل کننده در روند توسعه. مهمترین اقداماتی نیز که توسط دولتها می‌تواند برای تقویت سرمایه اجتماعی انجام شود عبارتند از:

تشویق و تقویت تشکیل نهادهای مدنی؛ تقویت وغنی سازی آموزشهای عمومی؛ تامین امنیت شهروندان در جهت حضور داوطلبانه در نهادهای اجتماعی؛ پرهیز از تصدی گری بخشهای مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و واگذاری فعالیتهای مربوطه به نهادهای مردمی برای جلب مشارکت آنها در فعالیتهای و زمینه سازی ایجاد و تقویت نهادهای اجتماعی و شبکه‌های اعتماد بین احاد مختلف مردم. — آموزش و توانمندسازی، فرایند طرح ریزی شده‌ای است که شهروندان، مشارکت خود را در جوامع مختلف احساس و

نتایج حاصل را مشاهده کنند. هدف از آموزش و توانمندسازی ایجاد فرصت دسترسی به ساختار اصلی و کسب اطلاعات است. شهروندان و مدیران بخش عمومی می باید به مثابه دو شریک در راه تاسیس نهادهای آزادمنشانه یا مراکز یادگیری همت گمارند. با تحصیل دانش، شهروندان و مدیران می توانند بهتر با یکدیگر کار کنند و از ابتدای کار در اجرای اموری که تعیین و مشخص گردیده اند، مشارکت ورزند. یکی از مهمترین فرایندهای موجود در جوامع برای ایجاد سرمایه اجتماعی، آموزش است. گذر افراد از آموزشهای عمومی در تمامی سطوح و نیز آموزشهای دانشگاهی، نقش اصلی را در ایجاد سرمایه اجتماعی بازی می کنند. مؤلفه های فرهنگی در سطح جامعه به شدت متأثر از عملکرد نظامهای آموزشی و تربیتی هستند. در سطح سازمانی نیز دوره های آموزشی کارکنان می توانند بستر مناسبی برای تقویت سرمایه اجتماعی باشد.

شاید مهمترین بعد کیفیت در بخش دولتی، رفتار مناسب و عادلانه با ارباب رجوع آنها باشد. یکی از مسائل که موجب از میان رفتن سرمایه اجتماعی می شود رفتار ناعادلانه با مردم توسط سازمانهای دولتی است. برای ایجاد سرمایه اجتماعی کارگزاران بخش دولتی باید بر این عارضه غلبه کرده و نوعی رفتار توأم با عدالت را با دیگران برقرار سازند. از این رو، بایستی در انتخاب کارمندانی که در تماس با مراجعه کنندگان هستند، دقت ویژه کرد و آنهایی را برگزید که دارای خصوصیات بارز اخلاقی باشند.

سازمانهای دولتی با سلوک و رفتار عادلانه با مردم قادر خواهند بود تا اعتماد شهروندان را به خود جلب کرده و در نتیجه سرمایه اجتماعی ایجاد کنند. عملکرد سازمانهای دولتی از راههای مختلف می تواند به ایجاد و توسعه سرمایه اجتماعی یاری رسانند که در این بخش به طور مفصل به آن پرداخته شد. امروزه سازمانهای دولتی باید به فعالیتهایی دست بزنند که مورد قبول جامعه و منطق با ارزشهای آن باشد. آن دسته از دستگاههای دولتی که نتوانند خود را با این مهم تطبیق دهند، در عرصه عمل موفق نخواهند بود. به عبارت دیگر، اگر سازمانها بخواهند جایگاه خود را در جامعه حفظ کرده و به نحوی عمل کنند که باعث بقا، توسعه و موفقیت شان شود، لازم است در عملکرد خود تجدیدنظر کرده و تعهدات خود را نسبت به شهروندان (ارباب رجوع) به درستی ایفا کنند. بدیهی است اگر شهروندان از سازمانهای دولتی سلب اعتماد کنند در یک فضای بی اعتمادی (فقیر شدن جامعه از جهت سرمایه اجتماعی) هم سازمانها و هم شهروندان متضرر شده و خسارت خواهند دید. بنگاههای دولتی وقتی بخواهند وظایفی را که بهتر است به جامعه مدنی سپرده شود، در دست گیرند، سرمایه اجتماعی را تهی می کنند. بنابراین، نخستین اصل برنامه ریزی اجتماعی این است که آسیبی به سرمایه اجتماعی وارد نکنند. یعنی بنگاههای دولتی باید مصممانه آن اقدامات و فعالیتهایی را

انجام دهند، که از عهده آنها برمی آیند. درعین حال، این سازمانها باید وظایفی را به جامعه مدنی بسپارند که نهادهای کوچکتر و کمتر متمرکز می توانند اجرا کنند. سازمانهای دولتی باید در جهت کنشهای مثبت با اجرای مستمر و خوب با کارکردهایی آغاز کنند که دقیقاً متناسب با وظایف آنهاست، فقط در این صورت است که می توان به تولید سرمایه اجتماعی توسط سازم کلی درباره نقش شایسته دولت در فرآیند توسعه اقتصادی دو دیدگاه عمده وجود دارد:

۱- دیدگاه نخست از نظریه لیبرال دموکرات و اقتصاد نئوکلاسیک ریشه می گیرد. براساس این دیدگاه دولت باید مداخلات خود را در حوزه اقتصادی به حداقل ممکن محدود کرده و تصمیم گیری های عمده را به بخش خصوصی واگذارد. الگوی لیبرال، مداخله زیاد دولت در اقتصاد را موجب پدید آمدن رفتار سودجویانه (در حوزه عمومی و خصوصی) اسراف، فساد و عدم کارآیی می داند. این الگو دخالت گسترده دولت را با سطح بالای رشد اقتصادی و گذار به توسعه پایدار ناسازگار می داند.

۲- دیدگاه دوم را می توان الگوی نظری رادیکال نامید. بر اساس این الگو، دولت باید از طریق ملی کردن و برنامه ریزی اقتصاد، توسعه اقتصادی را هدایت و راهبری کند و دست کم باید کنترل صنایع پایه، زیرساخت ها و بخش های مالی را در دست داشته باشد. طبق این دیدگاه، بخش خصوصی مانع توسعه تکنولوژی می گردد، سرمایه گذاری بلندمدت را فدای نفع کوتاه مدت می کند و به شدت رفتار سودجویانه دارد (داود منظور، ص ۱۶).

امروز در سراسر جهان دولتها در کانون توجه قرار گرفته اند. توسعه های دور از دسترس که امروزه تحقق یافته اند ما را بر آن می دارد تا پرسشهای اصولی خود را درباره دولت تغییر دهیم. نقش دولت چگونه می تواند باشد؟ چه می تواند انجام دهد؟ از انجام چه کاری باید پرهیز کند؟ و بهترین راه انجام آن چیست؟

تجربه ۵۰ سال گذشته فواید و محدودیتهای عملکرد دولت را به ویژه در ارتقای توسعه به روشنی نشان داده است. عوامل تعیین کننده توسعه، به رغم تجربه های متفاوت، کارآمد بودن دولت است. وجود دولت کارآمد برای فراهم آوردن کالاها و خدماتی (مقررات و نهادهایی) که به بازار اجازه رشد و شکوفایی دهد و مردم را به سوی زندگی سالمتر و سعادت مندتر سوق دهد، حیاتی است. بدون وجود چنین دولتی، توسعه پایدار در زمینه های اقتصادی و اجتماعی غیرممکن است.

۵۰ سال پیش بسیاری از اندیشمندان دقیقاً همین نظر را عنوان می کردند اما رفته رفته تمایل خود را اینگونه بیان کردند که توسعه باید دولت مدار باشد. از آن هنگام تا به امروز تجربه توسعه پیام متفاوتی را به ما می دهد: دولت در فرایند توسعه اجتماعی و اقتصادی نقش محوری دارد، — این حال نه به عنوان فراهم کننده مستقیم رشد بلکه به عنوان یک شریک، عامل تسریع و تسهیل کننده در روند توسعه (بانک جهانی، ۱۳۷۸، ص ۲).

مهمترین اقداماتی نیز که توسط دولت ها می تواند برای تقویت سرمایه اجتماعی انجام شود عبارتند از:

۱- تشویق و تقویت تشکیل نهادهای مدنی؛

۲- تقویت و غنی سازی آموزشهای عمومی؛

۳- تامین امنیت شهروندان در جهت حضور داوطلبانه در نهادهای اجتماعی؛

۴- پرهیز از تصدی گری بخش های مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و واگذاری فعالیتهای مربوطه به نهادهای مردمی برای جلب مشارکت آنها در فعالیتهای و زمینه سازی ایجاد و تقویت نهادهای اجتماعی و شبکه های اعتماد بین آحاد مختلف مردم (فوکویاما ۱۹۹۹ به نقل از الوانی و شیروانی تدبیر)

سازمان های غیردولتی

سازمان های غیر دولتی (NGO) ها (امروزه در همه جوامع به وجود آمده اند و تقریباً تمامی این سازمان ها در بدو تأسیس و شکل گیری خود، بر اساس اهدافی که مؤسسين آنها، طبق نیازهای جامعه تعریف می کنند، پا به عرصه وجود می نهند. با این مقدمه می توان پی برد که تعدادی از افراد که تقریباً در یک رده سنی یا سطح فرهنگی هستند، با اهدافی که برای موجودیت خود تعیین کرده اند، اقدام به فعالیت می نمایند و موفقیت آنان در گرو همکاری، اعتماد و هم فکری متقابل اعضا، بوجود می آید. این سازمان ها از آنجا که از دل جامعه بر می خیزند، نیازها و بحران ها را می شناسند و تهدیدها را زودتر از سایر اعضای جامعه تشخیص می دهند.

ضمن آن که فعالیت این سازمان ها از سرمایه اجتماعی سرچشمه می گیرد، به ایجاد سرمایه اجتماعی نیز کمک می کنند و به نوعی نقش بهبود و ارتقای سرمایه اجتماعی را ایفا می نمایند.

از عمده اهداف مشترکی که NGO ها دنبال می کنند موارد زیر است:

- تقویت و ارتقای هویت دینی و ملی نسل جوان و ایفای نقش های فعال در برنامه های دینی و فرهنگی؛
- تسهیل هویت یابی اجتماعی از طریق تجربه اندوزی ، مسئولیت پذیری و ایفای نقش های فعال اجتماعی ؛
- مشارکت و همیاری شهروندان (بویژه و جوانان) در برنامه های توسعه کشور و شکوفایی استعدادها و خلاقیت های آنان در راه سازندگی اجتماع ؛

- برآورده شدن انتظارات و نیازمندی های فرهنگی ، اجتماعی و صنفی اعضا ، در فعالیت های گروهی سازمان یافته؛

- اعتلای نقش و فراهم آوردن فرصت توانمندی اعضا ، به منظور کسب شایستگی های مدیریتی برای اداره امور کشور در سطوح عالی ، میانی و اجرایی؛

از آن جا که هر فرد شرکت کننده در این نهادها باید تابع قوانین و مقررات گروه های تشکیل یافته باشد و از تکروی پرهیز کند ، خود به نوعی به وجود آورنده سرمایه اجتماعی اند ؛ چرا که اعضا می دانند اگر نخواهند از ارزش های گروهی پیروی نمایند ، در بین اعضای دیگر ، مورد اعتماد نخواهند بود و جایگاهی نخواهند داشت و ثاباً برای فعالیت های گسترده تر و بویژه مدیریت گروه های بزرگ تر و مثلاً در سطح ملی ، تجربه اندوزی می کنند.

رسانه های مستقل

روزنامه ها، مجلات، رادیوها، تلویزیون ها، شبکه های ماهواره ای، پایگاه های اینترنتی، خبرگزاری ها و ... همگی به شرط آن که از اموال عمومی ارتزاق نکنند و به دولت ها (چه ملی و چه بیگانه) وابسته نباشند ، نهادهایی مدنی به شمار می روند و توان آن را دارند که وظیفه نظارت اجتماعی (امر به معروف، نهی از منکر، نصیحت حاکمان) را به خوبی به انجام برسانند. به علاوه، در نقد عملکرد شهروندان و گروه های اجتماعی و نقد و اصلاح و باز تولید سنت ها و اندیشه ها و باورها و نیز آگاهی بخشی در باب منافع و مصالح جامعه، دین و دنیای مردم، تهدیدهای جهانی، و ... نقش فوق العاده مؤثری خواهند داشت.

عوامل تهدید کننده سرمایه اجتماعی

آنچه از مفهوم سرمایه اجتماعی بر می آید با چشم قابل مشاهده نیست، اما می توان آن را در اجتماعات انسان هایی که با هم تعاون و همکاری متقابل دارند، مشاهده نمود. در واقع، آنها با رعایت ابعاد تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی (که شامل احساس مسئولیت، اعتماد، وجدان کاری، راستگویی، امانت داری، انضباط و کنترل و نظارت، احترام متقابل، قانون مداری و ... است)، می توانند به اهداف مشترک خود دست یابند. اما

باید دانست که عوامل تهدید کننده سرمایه اجتماعی کدام اند، تا با شناسایی به موقع آنها، از بروز آسیب ها جلوگیری نمود

با توجه به این که بحران های ناشی از جهانی شدن را در پیش رو داریم، امروزه بیماری ایدز، افزایش بی بند و باری های جنسی و انحرافات اخلاقی، جنبش های فمینیستی و گرایش افراد به تجرد، با دلایل مختلف، بنیاد خانواده ها را متزلزل نموده است که اگر بدان توجه نشود، پیامدهای ناگواری را در تشکیل سرمایه اجتماعی مطلوب به دنبال خواهد داشت.

در خصوص نهاد مذهب که عامل ایجاد وحدت در اجتماع است می توان به کمرنگ شدن آموزه های دینی در بین جوانان جوامع مختلف اشاره نمود. عدم پایبندی به تعالیم دینی و مذهبی می تواند عواقب ناگواری را برای جوامعی که دین را از صحنه اجتماع خود خارج کرده اند، داشته باشد که بیشترین ضرر آن متوجه شکل گیری و انسجام سرمایه اجتماعی در چنین اجتماعاتی خواهد بود.

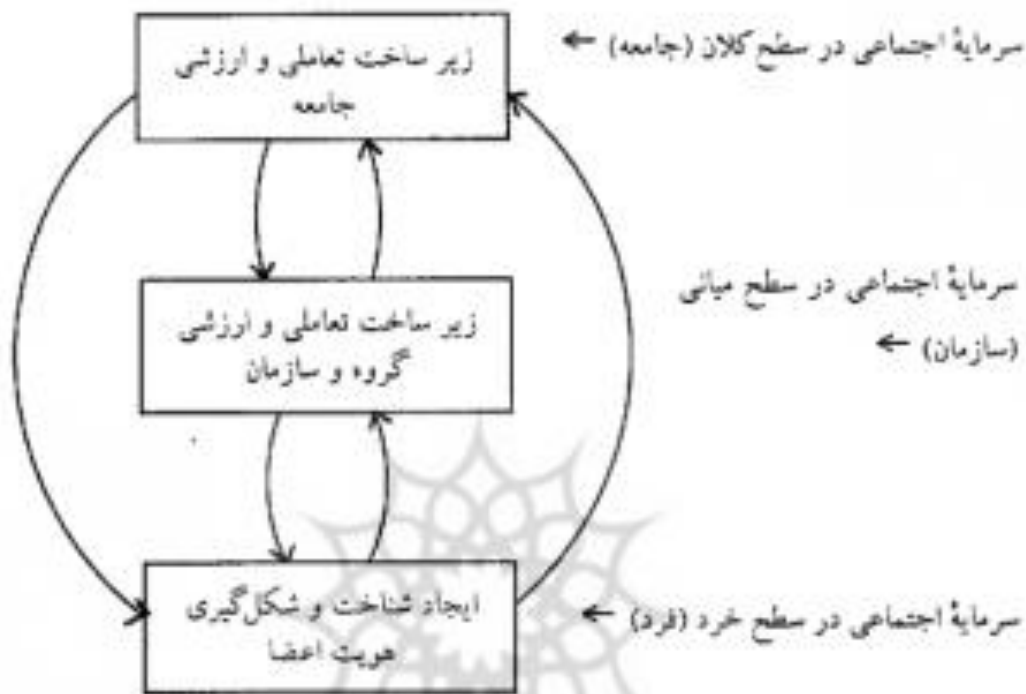
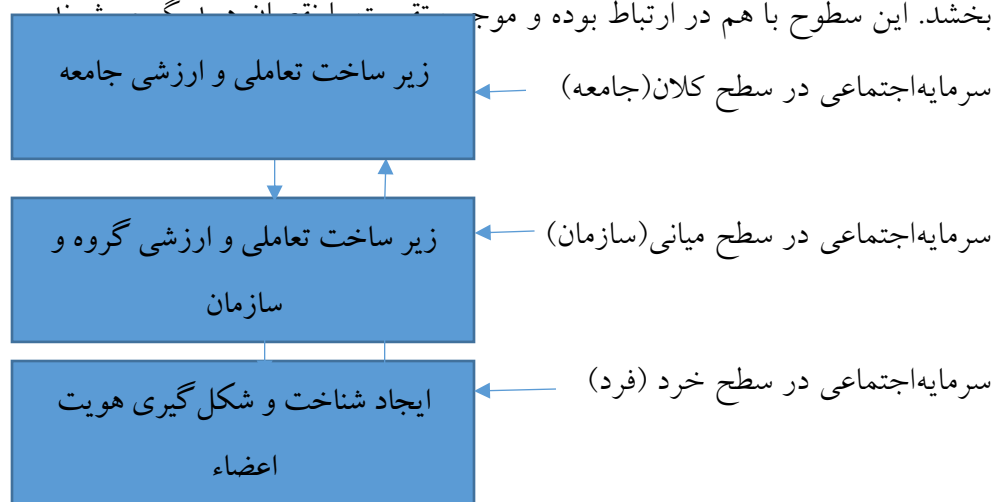
اما در خصوص نهادهای اقتصادی باید گفت: فسادهای اداری - مالی که غالباً در بطن دولت ها و به دلایل مختلف رخ می دهند، (رانت خواری، تبعیض، عدم شایسته سالاری و ...)، حاصلی جز فقر و بیکاری و اعتیاد جوانان به دنبال نخواهد داشت. این عامل، به علاوه سوء مدیریت و ضعف بهره وری، سرمایه اجتماعی را به طور جدی در معرض خطر قرار می دهد.

در نهادهای آموزشی نیز موانع مختلفی که از ورود بدون تبعیض علاقه مندان به محیط های مدرسه و دانشگاه جلوگیری می کنند، امکان تحرک اجتماعی برای یافتن یک پایگاه اجتماعی مناسب توسط افراد را از بین می برند و چنین افرادی ممکن است دست به اعمالی بزنند که علاوه بر خود، دیگران را نیز به تباهی بکشانند.

احزاب سیاسی نیز بعضی اوقات بر خلاف تعهدی که در قبال مردم و دولتشان دارند، به دنبال منافع شخصی خود هستند. در نتیجه نوعی بی اعتمادی را به وجود می آروند و با فعالیت های نادرست خود، سرمایه اجتماعی را نیز مورد تهدید قرار می دهند ب- (۶) مدل تحقیق:

با عنایت به اهداف و چارچوب نظری تحقیق، برای سنجش سرمایه اجتماعی از مدل کیفی که توسط فالک و کیلپاتریک در سال ۲۰۰۰ میلادی ارائه شده است استفاده خواهیم کرد. این مدل سرمایه اجتماعی را در سه سطح خرد، میانی و کلان مورد بررسی قرار می دهد. در سطح خرد سرمایه اجتماعی اشاره به افراد موجود در شبکه درد که بر اثر تعامل میان این افراد، شناخت حاصل و هویت اعضا شکل می گیرد. در سطح میانی

سرمایه اجتماعی به اجتماعات و گروهها و سازمانها اشاره دارد و باعث تقویت و ساخت بنیه ارزشی و تعاملی گروه می شود. در سطح کلان به جامعه که در برگیرنده سازمانها و گروههای مختلف است تمرکز داشته و موجب شکل گیری و تقویت مرادفات و ارتباطات جمعی شده و ارزشهای مشترک را بهبود می بخشد. این سطوح با هم در ارتباط بوده و موجب تقویت بنیه ارزشی و ساخت تعاملی و ارزشی جامعه



این مدل مبتنی بر تئوری منابع اجتماعی و دربرگیرنده منابعی است که موجب افزایش ظرفیت جامعه / سازمان می شود. در سطح فردی این منابع شامل شناخت و هویت است. منظور از منابع شناخت و دانش، دانستن منبع اطلاعات و شیوه های انجام کار و یا برطرف نمودن مشکلات پیش آمده در شبکه می باشد. منابع هویت، اشاره به هنجارها و ارزشها دارد. به عبارتی منبع هویت به این که افراد تا چه اندازه دارای

ارزشها و بینش های مشترک بوده و قادر به کار با دیگران هستند تمرکز دارد. این منابع شناخت و هویت در سطح اجتماع و سازمان با هم تلفیق شده و منبعی از سرمایه اجتماعی برای آن سازمان / اجتماع پدید می آورند که در سطح میانی به زیر ساختهای ارزشی و تعاملی سازمان مربوط و در سطح کلان به زیرساخت های مراوده ای و ارتباطی اجتماعی ختم می شود.

فصل سوم روش تحقیق

روش و تکنیک تحقیق:

پژوهش «بررسی راهکارهای ارتقاء سرمایه اجتماعی در استان چهارمحال و بختیاری در راستای شرح وظایف دستگاه‌های اجرایی استان» از نظر هدف کاربردی است و با توجه به این که موضوع و اهداف آن، از حیث ماهیت، ابعاد چندگانه‌ای دارد لذا ضرورت استفاده از ترکیبی از روش‌های پژوهشی، اهمیت پیدا می‌کند. بنابراین پژوهش حاضر از نظر نوع روش، در زمره پژوهش‌های ترکیبی است و از مجموعه‌ای از روش‌های اسنادی، پیمایشی و روش مصاحبه استفاده شده است. در قالب روش اسنادی با استفاده از روش کتابخانه‌ای و بررسی اسناد، ابعاد مفهومی و نظری متغیرهای تحقیق از حیث نظری مورد کاوش قرار گرفته است که حاصل آن، دسترسی به چارچوب مفهومی تحقیق می‌باشد. علاوه بر این، از آن جایی که دستگاه‌های اجرایی در سوق دهی امکانات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نقش به‌سزایی دارند شرح وظایف آن‌ها در ارتباط با شاخص‌های سرمایه اجتماعی با استفاده از اسناد و مدارک موجود مورد بررسی قرار گرفته است. لذا جامعه آماری تحقیق دستگاه‌های اجرایی استان می‌باشند.

جامعه آماری:

جامعه آماری این طرح در مرحله پیمایش اجتماعی نهادهای سیاسی، امنیتی و فرهنگی، سازمانها و نهادهایی که مردم بیشتر با آن‌ها سر و کار دارند و بیشترین اثرگذاری بر سرمایه اجتماعی را دارند.

این نهادها عبارتند از: آموزش و پرورش، دانشگاه‌های دولتی (شهرکرد، علوم پزشکی، فنی و حرفه‌ای، پیام نور، علمی و کاربردی، فرهنگیان)، دانشگاه آزاد اسلامی، سازمان فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان ورزش و جوانان، استانداری، فرمانداری و بخشداری، نیروی انتظامی، صدا و سیما، تأمین اجتماعی و خدمات درمانی، شورای اسلامی شهر و شهرداری، تبلیغات اسلامی، بهزیستی، کمیته امداد، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، سازمان امور کتابخانه‌های استان

روش نمونه گیری

در این طرح، از روش نمونه گیری هدفمند استفاده شده است.

تعاریف عملیاتی

با توجه به بحث های نظری و مفهومی مطرح شده در بالا تلاش شده است چارچوب مفهومی سنجش - که در ادامه ترسیم شده - با بحث های نظری و مفهومی سازه سرمایه اجتماعی و نیز اوضاع استان، همگرایی و قرابت لازم را داشته باشد و داده های پژوهش، بر اساس آن، تولید و جمع آوری شود.

ابعاد و مؤلفه ها	
۱- اعتماد	۱. سرمایه اجتماعی سطح کلان (نظام)
اعتماد به نظام	
اعتماد به مسئولان عالی رتبه نظام	
اعتماد به عملکرد نظام	
۲- انسجام	
احساس همبستگی و یکی بودن با نظام	
نظام را از خود دیدن	
۳- مشارکت	
مشارکت در انتخابات دفاع از نظام	
دفاع از امنیت ملی	
۴- هویت اجتماعی	
احساس اینکه یک ملت واحد بودن	
خود را یک ایرانی دیدن	
افتخار به ایرانیت	
۵- پنداشت از آینده و نگاه به وضعیت کشور در آینده (ساسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی)	
۶- پنداشت و باور به نظام	
برحق دانستن نظام و مشروع دانستن آن	

<p>۷- پنداشت از موفقیت اجزای نظام در انجام دادن وظایف نهادی (نظام؛ دولت، مجلس شورای اسلامی، قوه قضائیه) موفقیت یا عدم موفقیت هر کدام از قوا و نظام در انجام وظایف خود</p>	
---	--

ابعاد و مؤلفه‌ها	
<p>۸- اعتماد</p> <p>اعتماد به نهادها</p> <p>اعتماد به مسئولان</p> <p>اعتماد به عملکرد مسئولان</p>	<p>۲. سرمایه اجتماعی سطح میانی (نهاد)</p>
<p>۹- آمادگی مشارکت در کمک به سازمان ها</p> <p>آموزش و پرورش</p> <p>دانشگاه‌ها</p> <p>پایگاه‌های بسیج کلاذتری (نیروی انتظامی)</p> <p>فرمانداری و بخشداری / دهیاری</p> <p>شورای اسلامی شهر / روستا</p> <p>بیمارستان ها (درمانگاه‌ها)</p> <p>کمیته امداد امام خمینی</p> <p>انجمن‌های خیریه</p> <p>حوزه‌های علمیه</p> <p>دادگاه‌ها و دادسراها</p> <p>شهرداری</p> <p>جمعیت هلال احمر</p> <p>سازمان بهزیستی</p>	

<p>۱۰- مشارکت و عضویت و فعالیت انجمنی در تشکل ها:</p> <ul style="list-style-type: none"> - شورای صنفی - کانون‌های فرهنگی - انجمن اسلامی - انجمن ها و کانون‌های ادبی - سازمان‌های غیردولتی (مردم نهاد) - انجمن‌های علمی - تخصصی - حزب و تشکل سیاسی - انجمن‌های ورزشی و تفریحی - هیئت مذهبی - انجمن خیریه - انجمن حمایت از بیماران - انجمن حمایت از سالمندان و... - انجمن اولیاء و مربیان - صندوق های قرض الحسنه دوستی یا خانوادگی - مشارکت در فعالیت‌های عام المنفعه 	
<p>۱۱- مشارکت در حل مشکلات نهادها</p>	
<p>۱۲- ارتباط بین سازمانها و نهادها</p>	
<p>۱۳- انسجام و همکاری و هماهنگی نهادها</p>	

<p>۱۴- ویژگی ها و ارزش اخلاقی مسئولان</p> <p>راستگویی</p> <p>عمل به قول و وعده‌ها</p> <p>لیاقت و شایستگی</p> <p>پاسخگویی</p> <p>وجدان کاری</p> <p>احساس مسئولیت</p> <p>عدم سوء استفاده از مقام و موقعیت</p> <p>عدم قوم و خویش بازی</p> <p>پایبندی به قانون</p> <p>عدم بانندی عمل کردن (بانند بازی)</p> <p>عدم رفتار تبعیض آمیز</p>	
--	--

ابعاد و مؤلفه‌ها	
<p>۱۵- اعتقادات، ارزش ها و هنجارهای اخلاقی</p> <p>راستگویی</p> <p>گذشت</p> <p>یکرنگی و عدم ریا</p> <p>احترام به دیگران</p> <p>خیرخواهی و کمک به یکدیگر</p> <p>رعایت حقوق دیگران</p> <p>کمک به دیگران دوستی</p> <p>صداقت</p> <p>عدم فریب و تقلب</p> <p>وجدان کاری</p>	<p>۳- سرمایه اجتماعی</p> <p>سطح خرد (فرد))</p>

<p>عدم خودخواهی و حسادت</p> <p>وفای به عهد</p> <p>انصاف</p> <p>امید</p> <p>عدم حرص و طمع</p> <p>قانون پذیری</p> <p>وقت شناسی</p> <p>مسئولیت پذیری</p> <p>۱۶- اعتماد</p> <p>اعتماد به دیگران</p> <p>اعتماد به دوستان</p> <p>اعتماد به خانواده</p> <p>۱۷- مشارکت</p> <p>مشارکت در امور خانواده</p> <p>۱۸- انسجام</p> <p>دوست داشتن دیگران حس همدردی با دیگران</p> <p>مشورت با دیگران</p> <p>تعاون و همکاری</p> <p>۱۹- ارتباطات اجتماعی</p> <p>رفت و آمدهای خانوادگی</p> <p>ارتباط با دیگران</p>	
---	--

شیوه گردآوری اطلاعات

شیوه گردآوری اطلاعات در این تحقیق ترکیبی از شیوه اسنادی، کتابخانه‌ای، مصاحبه‌ای و پرسشنامه‌ای است. نهادها و دستگاه‌های اجرایی که بیشترین نقش در سرمایه‌اجتماعی داشتند گزینش و سپس اطلاعات توسط پرسشنامه و مصاحبه و بررسی اسنادی از آنها جمع‌آوری گردید. همچنین بخشی زیادی از اطلاعات از سایر تحقیقات و پژوهش‌ها گرفته شده‌است و به عبارت دیگر از داده‌های دست دوم استفاده گردید.

شیوه تجزیه و تحلیل اطلاعات

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات بر حسب داده‌ها هم روش‌های کمی و هم از روش‌های کیفی بهره گرفته شده است.

**فصل چهارم: وضعیت موجود، علل و راهکارهای ارتقاء سرمایه اجتماعی توسط دستگاههای
اجرایی**

در این فصل، ابتدا وضعیت موجود استان چهارمحال و بختیاری از لحاظ میزان سسرمایه اجتماعی در سه سطح خرد و میانه و کلان و متغیرهای تأثیر گذار بررسی، سپس به ذکر عوامل و نهادهای تأثیرگذار بر سرمایه اجتماعی، عوامل فرسایش سرمایه اجتماعی، راهکارهای ارتقای سرمایه اجتماعی (در سه بعد فرهنگی، ساختاری و فردی آموزشی) و خوداظهاری‌های دستگاههای اجرایی استان در زمینه اقدامات، برنامه‌ها، محدودیتها و راهکارهای ارتقای سرمایه اجتماعی پرداخته خواهد شد.

توصیف وضع موجود بر اساس طرح ملی سنجش سرمایه اجتماعی کشور برش استان چهارمحال و بختیاری (۱۳۹۴).

برای توصیف وضع موجود به ترتیب ویژگی‌های زمینه‌ای - جمعیتی، ویژگی‌های اجتماعی، میزان کل سرمایه اجتماعی استان و رابطه آن با متغیرهای زمینه‌ای، میزان سرمایه اجتماعی کلان و رابطه آن با متغیرهای زمینه‌ای، میزان سرمایه اجتماعی میانی و رابطه آن با متغیرهای زمینه‌ای و میزان سرمایه اجتماعی خرد و رابطه آن با متغیرهای زمینه‌ای بیان و بررسی می‌گردد.

الف- ویژگی‌های زمینه‌ای - جمعیتی نمونه‌های تحقیق

در ویژگی‌های زمینه‌ای - جمعیتی متغیرهای مکان، جنس و سن بررسی می‌شوند.

- توزیع مکانی

از لحاظ مکانی بر حسب سکونت پاسخگویان در شهر و روستا، ۲۲۵ نفر از پاسخگویان یعنی ۶۲٫۲ درصد در شهر و ۱۳۷ نفر یعنی ۳۷٫۸ درصد در روستا سکونت داشتند.

جدول شماره (۱) توزیع فراوانی مطلق و درصدی جامعه مطالعه شده بر حسب محل سکونت

محل سکونت	فراوانی مطلق	فراوانی درصدی
شهر	۲۲۵	۶۲/۲
روستا	۱۳۷	۳۷/۸
کل	۳۶۲	۱۰۰

- توزیع جنسی

از لحاظ جنسیت، ۱۷۳ نفر از پاسخگویان یعنی ۴۷٫۸ درصد را مردان و ۱۸۹ نفر یعنی ۵۲٫۲ درصد را زنان تشکیل داده‌اند.

جدول شماره (۲) توزیع فراوانی مطلق و درصدی جامعه مطالعه شده بر حسب جنس

جنس	فراوانی مطلق	فراوانی درصدی
مرد	۱۷۳	۴۷/۸
زن	۱۸۹	۵۲/۲
کل	۳۶۲	۱۰۰

- توزیع سنی

از لحاظ سنی ۳۱٫۵ درصد پاسخگویان یعنی ۱۱۴ نفر بین ۱۸ تا ۱۹ سال ۵۰ درصد یعنی ۱۸۱ نفر بین ۳۰ تا ۵۴ سال و ۸٫۵ درصد یعنی ۶۷ نفر بالای ۵۵ سال بوده‌اند.

جدول شماره (۳) توزیع فراوانی مطلق و درصدی جامعه مطالعه شده بر حسب سن

سن	فراوانی مطلق	فراوانی درصدی
۱۸ تا ۲۹ سال	۱۱۴	۳۱/۵
۳۰ تا ۵۴ سال	۱۸۱	۵۰
۵۵ سال به بالا	۶۷	۱۸/۵
پاسخ معتبر	۳۶۲	۱۰۰

ب- ویژگی‌های اجتماعی

در ذیل ویژگی‌های اجتماعی متغیرهای وضعیت تأهل، وضعیت تحصیلی، فعالیت و دین و مذهب بیان می‌شوند

- وضعیت تاهل

۸۲ نفر از پاسخگویان یعنی ۲۲,۷ درصد مجرد، ۲۳۸ نفر یعنی ۶۵,۷ درصد متأهل و ۴۲ نفر یعنی ۱۱,۶ درصد سایر موارد بوده‌اند.

جدول شماره(۴) توزیع نسبی جامعه مطالعه شده بر حسب وضعیت تاهل

وضعیت تاهل	فراوانی مطلق	فراوانی درصدی
مجرد	۸۲	۲۲,۷
متاهل	۲۳۸	۶۵,۷
سایر(مطلقه وهمسر فوت کرده)	۴۲	۱۱,۶
پاسخ معتبر	۳۶۲	۱۰۰

- وضعیت تحصیلی

درصدهای جدول شماره(۵) نشان می دهند که ۱۳ درصد افراد بررسی شده، بی سواد و مابقی باسوادند که ۱۶ درصد آنان دارای سواد در سطح ابتدایی ۱۰/۲ درصد در سطح متوسطه ۲۶/۵ درصد دارای دیپلم و ۳۴/۳ درصد دارای تحصیلات عالی(فوق دیپلم، کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری و حوزوی) هستند.

جدول شماره(۵) توزیع فراوانی مطلق و درصدی جامعه مطالعه شده بر حسب وضعیت تحصیلی

تحصیلات	فراوانی مطلق	فراوانی درصدی
بی سواد	۴۷	۱۳
ابتدایی	۵۸	۱۶
متوسطه	۳۷	۱۰/۲
دیپلم	۹۶	۲۶/۵
عالی	۱۲۴	۳۴/۳
پاسخ معتبر	۳۶۲	۱۰۰

- وضعیت فعالیت

به لحاظ وضع فعالیت، ۳۲ درصد افراد مطالعه شده، شاغل ۱۸/۱ درصد بیکار ۳۴/۷ درصد خانه دار ۴/۴ درصد بازنشسته و ۹/۷ درصد محصل (دانشجو، دانش آموز و طلبه) و ۱/۱ درصد سایر (سرباز و...) هستند.

جدول شماره (۶) توزیع نسبی جامعه مطالعه شده بر حسب وضع فعالیت

وضع فعالیت	فراوانی مطلق	فراوانی درصدی
شاغل	۱۱۵	۳۲
بیکار	۶۵	۱۸/۱
خانه دار	۱۲۵	۳۴/۷
محصل	۳۵	۹/۷
بازنشسته	۱۶	۴/۴
سایر	۴	۱/۱
پاسخ معتبر	۳۶۰	۱۰۰

- دین و مذهب

به لحاظ وضعیت مذهبی آن چنان که نسبت های جدول ۷-۲ نشان می دهد ۹۹/۴ درصد افراد مطالعه شده را افراد مطالعه شده را افراد مطالعه شده را افراد شیعه مذهب و ۰/۶ درصد را افراد، اهل سنت تشکیل می دهند.

جدول شماره (۷) توزیع نسبی جامعه مطالعه شده بر حسب مذهب

مذهب	فراوانی مطلق	فراوانی درصدی
شیعه	۳۵۶	۹۹/۴
سنی	۲	۰/۶
اقلیت های دینی	-	-

پاسخ معتبر	۳۵۸	۱۰۰
------------	-----	-----

ج- میزان کل سرمایه اجتماعی استان و رابطه آن با متغیرهای زمینه‌ای

بر اساس جدول شماره (۸) ۱,۷ درصد از پاسخگویان استان دارای سرمایه خیلی کم می‌باشند که بیشتر از میانگین کشوری یعنی ۱ درصد است. ۲۹,۶ درصد از پاسخگویان استان دارای سرمایه اجتماعی کم می‌باشند که تقریباً برابر با میانگین کشوری یعنی ۲۹,۷ درصد است. ۶۴,۹ درصد از پاسخگویان استان دارای سرمایه اجتماعی متوسط می‌باشند که بیشتر از میانگین کشوری یعنی ۶۳,۳ درصد است. ۳,۶ درصد از پاسخگویان استان دارای سرمایه اجتماعی زیاد می‌باشند که کمتر از میانگین کشوری یعنی ۵,۹ درصد است. ۰,۲ درصد از پاسخگویان استان دارای سرمایه اجتماعی خیلی زیاد می‌باشند که کمتر از میانگین کشوری یعنی ۰,۱ درصد است.

جدول شماره (۸) توزیع فراوانی درصدی میزان سرمایه اجتماعی

میزان	فراوانی درصدی استان	فراوانی درصدی کشور
خیلی کم	۱/۷	۱
کم	۲۹/۶	۲۹/۷
متوسط	۶۴/۹	۶۳/۳
زیاد	۳/۶	۵/۹
خیلی زیاد	۰/۲	۰/۱
جمع	۱۰۰	۱۰۰

در دامنه ۱ تا پنج میزان کل سرمایه اجتماعی استان برابر با ۲,۷۱ است که اندکی کمتر از میانگین سرمایه اجتماعی کشور (۲,۷۴) می‌باشد. سرمایه اجتماعی سطح کلان استان برابر با ۲,۴۳ می‌باشد که کمتر از سرمایه سطح کلان کشور (۲,۵۵) است. سرمایه اجتماعی سطح میانی استان برابر با ۲,۹۶ می‌باشد که اندکی بیشتر از سرمایه سطح میانی کشور (۲,۹۲) است. سرمایه اجتماعی سطح خرد استان برابر با ۲,۷۳ می‌باشد که کمتر از سرمایه سطح خرد کشور (۲,۷۶) است.

جدول شماره (۹) میزان سرمایه اجتماعی در دامنه یک تا پنج

سرمایه	در دامنه یک تا پنج با متوسط عدد (۳) استان	در دامنه یک تا پنج با متوسط عدد (۳) کشور
سرمایه اجتماعی	۲/۷۱	۲/۷۴
سرمایه اجتماعی سطح کلان	۲/۴۳	۲/۵۵
سرمایه اجتماعی سطح میانی	۲/۹۶	۲/۹۲
سرمایه اجتماعی سطح خرد	۲/۷۳	۲/۷۶

رابطه بین سرمایه اجتماعی حسب متغیرهای زمینه‌ای - اجتماعی

در جدول شماره (۱۰) میزان سرمایه اجتماعی بر اساس مجموعه‌ای از متغیرهای زمینه‌ای - اجتماعی نشان داده شده است. ملاحظه می‌شود که تفاوت‌هایی بین درصدهای محاسبه شده برای هر کدام از مقوله‌های متغیرها وجود دارد. این تفاوت‌ها بنا به نتایج آزمون‌های آماری مربوط به هر کدام از متغیرها - جز متغیرهای محل سکونت، سن، وضع فعالیت و تأهل - معنادار نیستند.

جدول شماره (۱۰) توزیع درصدی سرمایه اجتماعی استان حسب متغیرهای زمینه‌ای - اجتماعی

میزان متغیر	خیلی کم	کم	تاحدودی	زیاد	خیلی زیاد	پاسخ معتبر	سطح معناداری	آماره		
									محل سکونت	شهر
محل سکونت	۲/۷	۳۲/۹	۵۹/۶	۴/۴	۰/۴	۳۶۲	۰/۰۳	۰/۱۶	شهر	
	-	۲۴/۱	۷۳/۷	۲/۲	-				روستا	
جنس	۲/۳	۳۰/۶	۶۱/۸	۵/۲	-	۳۶۲	۰/۳۱	-	مرد	

			۰/۵	۲/۱	۶۷/۷	۲۸/۶	۱/۱	زن	
۰/۱۸	۰/۰۰	۳۶۲	-	۱/۸	۶۰/۵	۳۴/۲	۳/۵	۱۸ تا ۲۹ سال	سن
			۰/۶	۱/۷	۶۵/۷	۳۰/۹	۱/۱	۳۰ تا ۵۴ سال	
			-	۱۱/۹	۷۰/۱	۱۷/۹	-	۵۵ سال به بالا	
-	۰/۳۱	۳۶۲	-	۸/۵	۷۲/۳	۱۹/۱	-	بی سواد	سواد
			-	۳/۴	۷۰/۷	۲۵/۹	-	ابتدایی	
			-	۲/۷	۶۴/۹	۳۲/۴	-	متوسطه	
			-	۲/۱	۶۹/۸	۲۵/۰	۳/۱	دیپلم	
			۰/۸	۳/۲	۵۵/۶	۳۷/۹	۲/۴	عالی	
۰/۱۹	۰/۰۰	۳۶۲	-	۱/۷	۶۷/۰	۲۸/۷	۲/۶	شاغل	وضع فعالیت
			۱/۵	۱/۵	۵۵/۴	۴۰/۰	۱/۵	بیکار	
			-	۳/۲	۷۲/۰	۲۴/۸	-	خانه دار	
			-	۲/۹	۵۱/۴	۴۰/۰	۵/۷	محصل	
			-	۱۸/۸	۶۲/۵	۱۸/۸	-	بازنشسته	
۰/۲۰	۰/۰۰	۳۶۲	۱/۲	۱/۲	۵۶/۱	۳۶/۶	۴/۹	مجرد	وضع تأهل
			-	۲/۵	۶۹/۳	۲۷/۳	۰/۸	متاهل	
			-	۱۴/۳	۵۷/۱	۲۸/۶	-	سایر	

د- میزان سرمایه اجتماعی سطح کلان و رابطه آن با متغیرهای زمینه‌ای

بر اساس جدول شماره (۱۱) میزان ۳,۶ درصد پاسخگویان دارای سرمایه اجتماعی خیلی کم هستند که کمتر از میانگین درصدی کشور (۵,۸) است. میزان ۵۴/۱ درصد پاسخگویان دارای سرمایه اجتماعی کم هستند که بیشتر از میانگین درصدی کشور (۴۲/۴) است. میزان ۳۹/۲ درصد پاسخگویان دارای سرمایه اجتماعی متوسط هستند که کمتر از میانگین درصدی کشور (۴۳/۶) است. میزان ۲/۸ درصد پاسخگویان

دارای سرمایه اجتماعی متوسط هستند که کمتر از میانگین درصدی کشور (۷/۹) است. میزان ۰/۳ درصد پاسخگویان دارای سرمایه اجتماعی متوسط هستند که برابر با میانگین درصدی کشور (۰/۳) است.

جدول شماره (۱۱) توزیع فراوانی درصدی میزان سرمایه اجتماعی کلان

میزان	فراوانی درصدی (استان)	فراوانی درصدی (کشور)
خیلی کم	۳/۶	۵/۸
کم	۵۴/۱	۴۲/۴
متوسط	۳۹/۲	۴۳/۶
زیاد	۲/۸	۷/۹
خیلی زیاد	۰/۳	۰/۳
جمع	۱۰۰	۱۰۰

سرمایه اجتماعی کلان حسب متغیرهای زمینه‌ای - اجتماعی

در جدول شماره (۱۲) سرمایه اجتماعی کلان بر اساس مجموعه‌ای از متغیرهای زمینه‌ای - اجتماعی نشان داده شده است. ملاحظه می‌شود که تفاوت‌هایی بین درصد‌های محاسبه شده برای هر کدام از مقوله‌های متغیرها وجود دارد. این تفاوت بنا به نتایج آزمون‌های آماری مربوط به هر کدام متغیرهای محل سکونت، سن، وضع فعالیت و تأهل معنادار نیستند.

جدول شماره (۱۲) توزیع درصدی سرمایه اجتماعی کلان حسب متغیرهای زمینه‌ای - اجتماعی

آماره	سطح معنا داری	خیلی زیاد	زیاد	تاحدودی	کم	خیلی کم	نگرش متغیر	
							محل سکونت	جنس
۰/۱۷	۰/۰۳	۰.۴	۴,۰	۳۶,۰	۵۴,۲	۵,۳	شهر	محل سکونت
		-	۰.۷	۴۴,۵	۵۴,۰	۰.۷	روستا	محل سکونت
-	۰/۸۵	۰.۶	۲,۹	۳۸,۷	۵۳,۸	۴,۰	مرد	جنس
		-	۲,۶	۳۹,۷	۵۴,۵	۳,۲	زن	جنس
۰/۱۹	۰/۰۰	-	-	۳۴,۲	۶۰,۵	۵,۳	۱۸ تا ۲۹ سال	سن
		-	۳,۳	۳۵,۴	۵۷,۵	۳,۹	۳۰ تا ۵۴ سال	سن
		۱,۵	۶,۰	۵۸,۲	۳۴,۳	-	۵۵ سال به بالا	سن
-	۰/۱۱	۲,۱	-	۵۵,۳	۴۰,۴	۲,۱	بی سواد	سواد
		-	۳,۴	۴۴,۸	۵۱,۷	-	ابتدایی	سواد
		-	۲,۷	۴۵,۹	۴۸,۶	۲,۷	متوسطه	سواد

		-	۳,۱	۳۸,۵	۵۳,۱	۵,۲	دیپلم	
		-	۳,۲	۲۹,۰	۶۲,۹	۴,۸	عالی	
۰/۲۸	۰/۰۰	-	۲,۶	۴۰,۰	۵۲,۲	۵,۲	شاغل	وضعیت فعالیت
		-	۳,۱	۲۶,۲	۶۶,۲	۴,۶	بیکار	
		-	۲,۴	۴۶,۴	۵۰,۴	۸	خانه دار	
		-	-	۲۵,۷	۶۵,۷	۸,۶	محصل	
		-	۶,۳	۵۶,۳	۳۷,۵	-	بازنشسته	
		-	-	-	-	-	-	
۰/۱۴	۰/۰۴	-	۲,۴	۳۲,۹	۵۷,۳	۷,۳	مجرد	وضع تاهل
		-	۳,۴	۴۰,۳	۵۳,۴	۲,۹	متاهل	
		۲,۴	-	۴۵,۲	۵۲,۴	-	سایر	

۵- میزان سرمایه اجتماعی سطح میانی و رابطه آن با متغیرهای زمینه‌ای

بنا به داده‌های جدول شماره (۱۳) میزان ۱,۱ درصد پاسخگویان استانی دارای سرمایه اجتماعی خیلی کم در سطح میانی بوده‌اند که اندکی کمتر از مقدار درصد کشوری (۱,۲) می‌باشد. ۱۱ درصد پاسخگویان استانی دارای سرمایه اجتماعی کم در سطح میانی بوده‌اند که کمتر از مقدار درصد کشوری (۱۸,۶) می‌باشد. ۸۰,۷ درصد پاسخگویان استانی دارای سرمایه اجتماعی متوسط در سطح میانی بوده‌اند که بیشتر از مقدار درصد کشوری (۶۷,۸) می‌باشد. ۵,۵ درصد پاسخگویان استانی دارای سرمایه اجتماعی زیاد در سطح میانی بوده‌اند که بیشتر از مقدار درصد کشوری (۱۱,۸) می‌باشد. ۱,۷ درصد پاسخگویان استانی دارای سرمایه اجتماعی زیاد در سطح میانی بوده‌اند که بیشتر از مقدار درصد کشوری (۰,۶) می‌باشد.

جدول شماره (۱۳) توزیع فراوانی درصدی میزان سرمایه اجتماعی میانی

میزان	درصد (استان)	درصد (کشور)
خیلی کم	۱/۱	۱/۲
کم	۱۱	۱۸/۶
متوسط	۸۰/۷	۶۷/۸
زیاد	۵/۵	۱۱/۸
خیلی زیاد	۱/۷	۰/۶
جمع	۱۰۰	۱۰۰

در جدول شماره (۱۴) سرمایه اجتماعی میانی بر اساس مجموعه‌ای از متغیرهای زمینه‌ای - اجتماعی نشان داده شده‌است. ملاحظه می‌شود که تفاوت‌هایی بین درصدهای محاسبه شده برای هر کدام از مقوله‌های متغیرها وجود دارد. این تفاوت‌ها بنا به نتایج آزمون‌های آماری مربوط به هر کدام از متغیرها جز متغیر محل سکونت، سواد و وضعیت فعالیت معنادار نیستند.

جدول شماره (۱۴) توزیع درصدی سرمایه اجتماعی میانی حسب متغیرهای زمینه‌ای - اجتماعی

اماره	سطح معنا داری	خیلی زیاد	زیاد	تاحدودی	کم	خیلی کم	نگرش	
							متغیر	
۰/۲۴	۰/۰۰	۲,۷	۷,۶	۷۳,۳	۱۴,۷	۱,۸	شهر	محل سکونت
		-	۲,۲	۹۲,۷	۵,۱	-	روستا	
-	۰/۶۹	۱,۲	۶,۴	۸۰,۳	۱۰,۴	۱,۷	مرد	جنس
		۲,۱	۴,۸	۸۱,۰	۱۱,۶	۰,۵	زن	
-	۰/۲۳	-	۴,۴	۷۹,۸	۱۴,۰	۱,۸	سال ۱۸ تا ۲۹ سال	سن
		۱,۷	۵,۵	۸۰,۷	۱۱,۶	۰,۶	سال ۳۰ تا ۵۴ سال	
		۴,۵	۷,۳	۸۲,۱	۴,۵	۱,۵	بالا ۵۵ سال به بالا	
۰/۱۳	۰/۰۳	۶,۴	۶,۴	۸۰,۹	۶,۴	-	بی سواد	سواد
		۱,۷	۶,۹	۸۷,۹	۱,۷	۱,۷	ابتدایی	
		-	-	۹۴,۶	۵,۴	-	متوسطه	
		۱,۰	۳,۱	۸۰,۲	۱۳,۵	۲,۱	دیپلم	
		۸	۸,۱	۷۳,۴	۱۶,۹	۸	عالی	
۰/۱۶	۰/۰۰	-	۶,۱	۸۰,۰	۱۱,۳	۲,۶	شاغل	وضعیت فعالیت
		۳,۱	۳,۱	۷۸,۵	۱۵,۴	-	بیکار	
		۲,۴	۶,۴	۸۴,۸	۶,۴	-	خانه دار	
		-	۲,۹	۷۷,۱	۲۰,۰	-	محصل	
		۶,۳	-	۷۵,۰	۱۲,۵	۶,۳	بازنشسته	
		-	۵۰,۰	۵۰,۰	-	-	سایر	
-	۰/۲۳	۱,۲	۳,۷	۷۵,۶	۱۷,۱	۲,۴	مجرد	وضع تاهل
		۱,۳	۵,۵	۸۳,۲	۹,۲	۸	متاهل	
		۴,۸	۹,۵	۷۶,۲	۹,۵	-	سایر	

و- میزان سرمایه اجتماعی سطح خرد و رابطه آن با متغیرهای زمینه‌ای

بنا به داده‌های جدول شماره (۱۵) میزان ۱,۴ درصد پاسخگویان استانی دارای سرمایه اجتماعی خیلی کم در سطح میانی بوده‌اند که اندکی بیشتر از مقدار درصد کشوری (۱,۲) می‌باشد. ۳۵,۴ درصد پاسخگویان استانی دارای سرمایه اجتماعی کم در سطح میانی بوده‌اند که بیشتر از مقدار درصد کشوری (۲۹,۶) می‌باشد. ۵۲,۲ درصد پاسخگویان استانی دارای سرمایه اجتماعی متوسط در سطح میانی بوده‌اند که کمتر از مقدار درصد کشوری (۶۱,۲) می‌باشد. ۱۰,۸ درصد پاسخگویان استانی دارای سرمایه اجتماعی زیاد در سطح میانی بوده‌اند که بیشتر از مقدار درصد کشوری (۷,۸) می‌باشد. ۰,۲ درصد پاسخگویان استانی دارای سرمایه اجتماعی زیاد در سطح میانی بوده‌اند که بیشتر از مقدار درصد کشوری (۰,۱) می‌باشد.

جدول شماره (۱۵) توزیع فراوانی درصدی میزان سرمایه اجتماعی فرد

میزان	درصد (استان)	درصد (کشور)
خیلی کم	۱/۴	۱/۲
کم	۳۵/۴	۲۹/۶
متوسط	۵۲/۲	۶۱/۲
زیاد	۱۰/۸	۷/۸
خیلی زیاد	۰/۲	۰/۱
جمع	۱۰۰	۱۰۰

رابطه بین سرمایه اجتماعی خرد حسب متغیرهای زمینه‌ای - اجتماعی

در جدول جدول شماره (۱۶) میزان سرمایه اجتماعی خرد بر اساس مجموعه‌ای از متغیرهای زمینه‌ای - اجتماعی نشان داده شده‌است. ملاحظه می‌شود که تفاوت‌هایی بین درصد‌های محاسبه شده برای هر کدام از مقوله‌های متغیرها وجود دارد. این تفاوت‌ها بنا به نتایج آزمون‌های آماری مربوط به هر کدام از متغیرهای محل سکونت، سن و وضع تأهل معنادار نیستند.

جدول شماره (۱۶) توزیع درصدی سرمایه اجتماعی خرد حسب متغیرهای زمینه‌ای - اجتماعی

نگرش	خیلی کم	کم	تاحدودی	زیاد	خیلی زیاد	سطح معنا داری	آماره

							متغیر	
۰/۱۸	۰/۰۱	۰.۵	۷,۶	۵۰,۲	۳۹,۶	۲,۲	شهر	محل سکونت
		-	۱۶,۱	۵۵,۵	۲۸,۵	-	روستا	
-	۰/۸۷	-	۱۱,۶	۵۰,۳	۳۶,۴	۱,۷	مرد	جنس
		۰.۵	۱۰,۱	۵۴,۰	۳۴,۴	۱,۱	زن	
۰/۱۵	۰/۰۲	-	۴,۴	۵۰,۹	۴۳,۰	۱,۸	۱۸ تا ۲۹ سال	سن
		۰.۶	۱۱,۰	۵۱,۹	۳۴,۸	۱,۷	۳۰ تا ۵۴ سال	
		-	۲۰,۹	۵۵,۲	۲۳,۹	-	۵۵ سال به بالا	
-	۰/۲۲	-	۲۳,۴	۵۳,۲	۲۱,۳	۲,۱	بی سواد	سواد
		-	۱۰,۳	۵۳,۴	۳۶,۲	-	ابتدایی	
		-	۱۶,۲	۵۶,۸	۲۷,۰	-	متوسطه	
		-	۵,۲	۵۳,۱	۳۹,۶	۲,۱	دیپلم	
		۸	۸,۹	۴۹,۲	۳۹,۵	۱,۶	عالی	
-	۰/۰۶	-	۱۰,۴	۵۵,۷	۳۲,۲	۱,۷	شاغل	وضعیت فعالیت
		۱,۵	۳,۱	۴۴,۶	۴۹,۲	۱,۵	بیکار	
		-	۱۴,۴	۵۳,۶	۳۱,۲	۸	خانه دار	
		-	۲,۹	۴۸,۶	۴۵,۷	۲,۹	محصل	
		-	۲۵,۰	۵۰,۰	۲۵,۰	-	بازنشسته	
۰/۱۴	۰/۰۵	۱,۲	۲,۴	۵۰,۰	۴۳,۹	۲,۴	مجرد	وضع تاهل
		-	۱۲,۲	۵۳,۴	۳۳,۲	۱,۳	متاهل	
		-	۱۹,۰	۵۰,۰	۳۱,۰	-	سایر	

عوامل، نهادها و کنشگران تأثیرگذار بر سرمایه اجتماعی

برای ارزیابی راهکارهای ارتقای سرمایه اجتماعی شناخت عوامل تأثیرگذار بر سرمایه اجتماعی ضرورتی گریزناپذیر است. بنا به همین اهمیت در ذیل مهمترین عوامل و نهادهای تأثیرگذار بر سرمایه اجتماعی معرفی می شوند:

- نهاد خانواده؛
- نهاد آموزش؛

- نهاد مذهب؛
- نهاد بازار؛
- نهاد حکومت؛
- نهادهای مدنی؛
- رسانه‌ها؛
- شرایط اجتماعی و اقتصادی جامعه؛
- وضعیت فرهنگی جامعه؛
- شرایط جغرافیایی و محیطی؛

عوامل فرسایش سرمایه اجتماعی

- گرانباری نقشی مشغله زیاد؛
- گسترش شهرهای بزرگ؛
- تغییر نسلی؛
- رواج فردگرایی؛
- بحرانهای اجتماعی؛
- فقر و بحرانهای اقتصادی؛
- ضعف در جامعه‌پذیری؛
- بحرانها و ناکارآمدی سیاسی؛
- فساد اداری؛
- تضاد و تعارض فرهنگی؛
- بی‌هنجاری؛
- اختلافات قومی و مذهبی
- بی‌عدالتی و تبعیض؛

راهکارهای ارتقا سرمایه اجتماعی توسط دستگاههای اجرایی

برای ارتقای سرمایه اجتماعی دستگاههای اجرایی نیازمند مدیریت سرمایه اجتماعی، سیاست‌گذاری، هدف‌گذاری، تعیین استراتژی‌ها، راهبردها و برنامه و راهکارهای عملی هستند. سیاست‌های ارتقای

سرمایه‌اجتماعی با توجه به ماهیت این پدیده، باید باید معطوف به فراهم کردن شرایط و لوازمی باشند که شکل‌گیری سرمایه‌اجتماعی را تسهیل می‌کنند. بدین منظور لازم است توصیف و تبیین دقیقی از میزان‌های انواع مختلف سرمایه‌اجتماعی در اختیار داشته باشیم. همان گونه که پیش تر بحث کردیم، سرمایه‌اجتماعی در تعاملات جمعی معطوف به اهداف سازنده تجلی پیدا می‌کند و دارای انواع درون گروهی، برون گروهی و عمودی است. نوع درون گروهی سرمایه‌اجتماعی بر روابط بین افراد دارای آشنایی قبلی، نوع برون گروهی بر روابط بین افراد غریبه با یکدیگر و نوع عمودی به روابط بین افراد واقع در سطوح مختلف سلسله مراتب و قدرت مبتنی است. به علاوه نوع و میزان انواع سرمایه‌اجتماعی در هر جامعه‌ای به واسطه عوامل مختلف محیطی تعیین یافته است. به عبارت دیگر وضعیت سرمایه‌اجتماعی جامعه در هر زمانی متأثر از شرایط مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی از یک سو و ارتباط نهادینه‌ای که بین سرمایه‌اجتماعی با سایر انواع از سوی دیگر وجود دارد، دچار تعیین یافتگی سرمایه یعنی اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و پایداری است. بر اساس آنچه گفته شد اهدافی چون تسهیل ارتقای سرمایه‌اجتماعی، ایجاد انسجام و انطباق بین ابعاد مختلف سرمایه‌اجتماعی، رفع نابرابری در توزیع سرمایه‌اجتماعی و بازتوزیع آن، کاهش تبعات منفی سرمایه‌اجتماعی به عنوان اهداف مدیریت سرمایه‌اجتماعی باید به تناسب توصیفی که از وضعیت سرمایه‌اجتماعی در یک جامعه به دست می‌آید، به عنوان اهداف و سیاست‌های اصلی انتخاب شوند. بنابراین اولین گام در هدف‌گذاری سیاست‌های ارتقای سرمایه‌اجتماعی شناسایی دقیق وضعیت جامعه از حیث برخورداری از انواع سرمایه و عوامل محیطی و سرمایه‌ای تعیین بخش است. توجه به ویژگی فرایندی بودن سرمایه‌اجتماعی نیز تبعات مفیدی برای هدف‌گذاری سیاست‌های سرمایه‌اجتماعی دارد. سرمایه‌اجتماعی پدیده‌ای فرایندی است. سرمایه‌اجتماعی بر خلاف سرمایه‌های فیزیکی و انسانی، از منابعی که افراد یا گروه‌ها در دست دارند تشکیل نمی‌شود بلکه فرایندی از تعاملات اجتماعی است که به نتایج سازنده‌ای منتهی می‌شود. بنابراین به جای اینکه در سطح خاصی از تحلیل (فرد، گروه، جامعه) قرار گیرد، در بین این سطوح ایجاد شده و عمل می‌کند. تغییرپذیری، مشروط بودن و زمینه‌مندی این فرایند تغییر سرمایه‌اجتماعی را پیچیده تر می‌کند. هر چند فرایندهای مؤثر و مرتبط سرمایه‌اجتماعی در هر زمینه‌ای قابل شناسایی است اما مراحل تقویت روابط اجتماعی که طی آن سرمایه‌اجتماعی به نتایج سودمندی برای یک گروه منتهی می‌شود، الزاماً برای تولید سرمایه‌اجتماعی برای گروه دیگری مؤثر نیست. در واقع برای تحلیل امکان مداخله در سرمایه‌اجتماعی باید به این سؤال جواب داد که ارتباطات اجتماعی در سطوح (فرد،

گروه، جامعه) و اشکال مختلف (درون گروهی، برون گروهی و عمودی)، چگونه و طی کدام مراحل به یکدیگر مرتبط شده و چگونه می توان بر موانع شکل گیری و تبدیل آنها به روابط اجتماعی در سطوح و انواع دیگر تأثیر گذاشت. شناخت و توصیف سرمایه اجتماعی با توجه به ویژگی فرایندی بودن آن نیز به ما در هدف گذاری مؤثر سیاست ها کمک می کند. تعیین اینکه در مراحل مختلف تبدیل انواع سرمایه های درون گروهی، برون گروهی و عمودی، کدام موانع از حیث ساختاری و یا هنجاری عمل می کنند که فرایند تولید سرمایه اجتماعی را با مشکل مواجه می کنند، بخشی از شناخت مورد نیاز برای هدف گذاری سیاست های ارتقای سرمایه اجتماعی است. یکی دیگر از بینش های مفید در هدف گذاری سیاست های ارتقای سرمایه اجتماعی، موضوع ترکیب سرمایه اجتماعی است. همان گونه که پیش تر اشاره شد سرمایه اجتماعی دارای دو بخش ساختی (شبکه های اجتماعی) و هنجاری (اعتماد، آگاهی و هنجار های مقوم همکاری و روابط متقابل) است. عناصر و مؤلفه های یاد شده در تعامل با یکدیگر می توانند فواید مورد انتظار از سرمایه اجتماعی را تولید کنند. به عبارت دیگر هیچ کدام از آنها به تنهایی قادر به رقم زدن آثار مثبتی نیستند که گفته می شود برخورداری از سرمایه اجتماعی برای یک جامعه به همراه دارد. در نتیجه یکی دیگر از شناخت های لازم برای هدف گذاری مؤثر سیاست ها در این زمینه، بررسی میزان انطباق میزان های دو بخش ساختی و هنجاری سرمایه اجتماعی و عوامل موجد عدم انطباق احتمالی آنهاست. مطالعات مختلف نشان داده اند که مؤلفه های ساختی و هنجاری سرمایه اجتماعی ممکن است در مسیر های متفاوتی تحول پیدا کنند و عدم انطباق این دو مؤلفه در بررسی های زیادی تأیید شده است. مثال نوعی این وضعیت ها را می توان جوامعی برشمرد که در آنها به دلایل زیادی، شبکه های اجتماعی شکل گرفته اند اما هنجارهای مشارکت و همکاری در آنها ضعیف است و یا جوامعی که هنجارهای تعامل و اعتماد به دلایل فرهنگی نیرومند هستند اما ساختارهای شبکه ای موجود به دلیل ویژگی هایی که دارند (به عنوان مثال وابستگی سازمانی و هویتی و یا شکل گیری از بالا) قادر نیستند به عرصه ای برای بروز عینی رفتارهای تعاملی متأثر از نظام هنجاری یاد شده تبدیل شوند. بدین ترتیب یکی از اهداف سیاست های ارتقای سرمایه اجتماعی باید ایجاد هماهنگی بین این دو بعد ساختی و هنجاری باشد. مسئله دیگری که توجه به آن در هدف گذاری سرمایه اجتماعی اهمیت دارد، مداخله در سرمایه اجتماعی به مثابه هدف سیاستی و یا منبع سیاستی است. به باور برخی محققان، سرمایه گذاری در سرمایه اجتماعی هنگامی مؤثر واقع می شود که با آن به مثابه هدفی که فی نفسه و صرف نظر از آثارش، برخورداری جامعه از آن ارزشمند است. این بدان معنی است

که برنامه و ۲۰۰۸، است، برخورد شود (لاندس و پراچیت سیاست‌های مشخصی ارتقای این نوع سرمایه را در دستور کار خود قرار داده و لوازم ارتقای آن را فراهم کنند. در مقابل عده‌ای نیز بر این باورند مطلوبیت اصلی سرمایه‌اجتماعی در میز سیاست گذاری به دلیل امکان استفاده از آن به عنوان ابزاری برای تحقق اهداف مثبت دیگر و یا تسهیل دستیابی به اهداف سیاستی دیگر است. به این اعتبار سرمایه‌اجتماعی منبعی است که با سرمایه گذاری در آن می توان شرایط را برای تحقق طیف وسیعی از اهداف آموزشی، بهداشتی، اقتصادی و سیاسی فراهم کرد. نتیجه و پیامد مهم این بحث در ارتباط با هدف گذاری سیاست‌های ارتقای سرمایه‌اجتماعی این است که انتخاب هر کدام از این دو رویکرد تبعات مهمی در تعیین استراتژی‌ها و برنامه‌های عملیاتی برجای می‌گذارد.

تعیین استراتژی در سیاست‌های ارتقای سرمایه‌اجتماعی ملاحظات مورد اشاره در هدف گذاری ارتقای سرمایه‌اجتماعی تبعات مستقیمی برای انتخاب استراتژی‌هایی دارند که اهداف طراحی شده را محقق کنند. یکی از این ملاحظات از ویژگی زمینه مندی و تعیین یافتگی سرمایه‌اجتماعی ناشی می‌شود. بنابراین استراتژی‌های ارتقای سرمایه‌اجتماعی باید همزمان هم بر خود سرمایه‌اجتماعی و هم متغیرهای مؤثر بر پایداری آن در متن شرایط اجتماع مورد بررسی متمرکز باشند. لازم است که در طراحی استراتژی‌ها به امکان تأثیرگذاری سلبی و ایجابی بر سرمایه‌اجتماعی توجه شود. یکی دیگر از ملاحظات مهمی که در طراحی استراتژی‌های معطوف به مداخله در سرمایه‌اجتماعی باید مورد توجه قرار گیرد، موضوع سویه‌های تاریک سرمایه‌اجتماعی و یا پیامدهای منفی توسعه اشکال خاصی از سرمایه‌اجتماعی است. تقریباً همه صاحب‌نظران نظریه سرمایه‌اجتماعی به نوعی به این موضوع اشاره کرده‌اند که سرمایه‌اجتماعی به همان اندازه که می‌تواند کنش جمعی را در تعقیب اهداف جمعی مثبت تحریک و تسهیل کند، می‌تواند به تسهیل کنش جمعی در راستای منافع گروهی و بانندی بینجامد. چنین شرایطی به ویژه در وضعیت‌هایی که جامعه دچار اشکال نابرابری است و فقدان نهادمندی و حاکمیت قانون فرصت و انگیزه بهره‌برداری از سرمایه‌اجتماعی را برای دستیابی به اهداف گروهی تشدید می‌کند، بیشتر به چشم می‌خورد. در مواردی نیز بروز آثار منفی سرمایه‌اجتماعی محصول عدم ترکیب خاص سرمایه‌اجتماعی است. برای مثال در مواردی که عنصر اعتماد پایین و در مقابل، روابط انجمنی و شبکه‌ای و آگاهی‌ها بالاست، بروز آثار سویه تاریک سرمایه‌اجتماعی محتمل‌تر است. در عین حال، آثار منفی سرمایه‌اجتماعی می‌تواند پیامد غیرعمدی سیاست‌هایی باشد که در حوزه‌های دیگری اعمال می‌شود. برای مثال سیاست خانه‌سازی بعد از جنگ در انگلیس مبنی بر پاک

سازی خرابه‌ها و جایگزینی سریع آنها با منازل بهداشتی، جذاب و مقرون به صرفه به این پیامد ناخواسته منتهی شد که نواحی کارگرنشین ارتباطات خود را از دست و به نواحی دورافتاده و منزوی تبدیل شدند. موضوع دیگری که در طراحی استراتژی‌های ارتقای سرمایه اجتماعی به ویژه در مواردی که با آن به مثابه ابزاری برای تسهیل مقاصد مطلوب دیگری برخورد می‌شود، این است که سرمایه اجتماعی در چنین وضعیت‌هایی به تنهایی قادر به تحقق فواید اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مورد انتظار نیست. به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی هنگامی می‌تواند به تسهیل تحقق اهداف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مورد نظر کمک کند که شرایط مداخله‌گر مختلف برای دستیابی به اهداف یادشده نیز مهیا باشند. باید دقت کرد که سرمایه اجتماعی در خلأ و معجزه‌گونه عمل نخواهد کرد. تأثیرگذاری آن کاملاً منوط به مهیا بودن شرایط محیطی است و از این رو استراتژی‌ها در چنین هدف‌گذاری‌هایی باید به گونه مشارکتی و با توجه به نقش همه نهادهای مؤثر طراحی شوند. ملاحظه دیگری نیز از ویژگی فرایندی سرمایه اجتماعی ناشی می‌شود. ارتقای سرمایه اجتماعی امری زمان‌بر و بلندمدت است و ارتقای آن در کوتاه مدت ناممکن و یا دست کم دشوار است. سیاست‌های مداخله در سرمایه اجتماعی باید بر اساس این ویژگی، دارای پایداری باشند. به این معنی که لوازم و شرایط اجرای آنها در بازه زمانی وسیعی مدنظر قرار گیرد. این امر به ویژه هنگامی که با سرمایه اجتماعی نه به عنوان ابزار، بلکه هدفی ماهیتاً مثبت و سودمند نگریسته می‌شود، از اهمیت زیادی برخوردار است. نکته آخر ضرورت ارزیابی استراتژی‌های ارتقای سرمایه اجتماعی و اطمینان از بروز تغییرات کیفی مؤثر در روابط اجتماعی افراد و گروه‌ها در جامعه است. به دلیل حساسیت مداخله در موضوع سرمایه اجتماعی همواره این امکان وجود دارد که در صورت عدم مراقبت و نظارت کافی، استراتژی‌های اعمال شده نتایج معکوسی دربرداشته و حتی به تضعیف سرمایه اجتماعی کمک کند.

با عنایت به ملاحظات مطروحه در خصوص سیاست‌گذاری، هدف‌گذاری، سیاست‌ها و راهبردها و با توجه به چهارچوب نظری و یافته‌های تجربی و اطلاعات اخذ شده از نهادهای اجرایی استان راهکارهای این نوشته برای ارتقا سرمایه اجتماعی در استان در سه بعد فرهنگی، ساختاری و فردی آموزشی عبارتست از:

فرهنگی و فرهنگسازی

بدون شک یکی از راهکارهای مهم ارتقا سرمایه اجتماعی بسترسازی فرهنگی بر رشد و ارتقای سرمایه اجتماعی در سه سطح خرد، میانی و کلان است. در فرهنگ سازی مردم با سرمایه اجتماعی، اهمیت آن، شرایط لازم برای رشد سرمایه اجتماعیو ... آشنا می‌شوند. مشارکت مردم در هر برنامه و اقدام جمعی

یکی از شرایط ضروری برای توفیق و مؤثر بودن آن اقدام است. باید از ظرفیت تمام نهادهای فرهنگ ساز، رسانه‌ها و نهادهای تبلیغاتی جهت رشد و ارتقای سرمایه اجتماعی استفاده نمود. اهم راهکارهای فرهنگ سازی برای ارتقا سرمایه اجتماعی توسط نهادهای اجرایی (فرهنگی) استان عبارتست از:

- تولید و پخش برنامه‌های که تقویت کننده فرهنگ سرمایه اجتماعی است؛
- تولید فیلم و سریال متناسب با تمام ابعاد و مولفه‌های سرمایه اجتماعی؛
- استفاده از ظرفیت شبکه‌های مجازی جهت تقویت سرمایه اجتماعی؛
- تولید و انتشار انواع متون نوشتاری، گفتاری، تصویری و ... متناسب با ابعاد و مولفه‌های سرمایه اجتماعی و انتشار گسترده آنها؛
- تقویت روحیه ایمان، ایثار و... به عنوان عامل اصلی اقتدار ملی؛
- ایجاد جامعه سالم بر مبنای ارزشهای اسلامی؛
- رشد و اعتلای عناصر فرهنگی و هنری ایرانی و اسلامی؛
- پیشبرد راهبرد گفتگو میان تمدن‌ها و فرهنگ‌ها؛
- خلق نگاه مثبت به فعالیتهای انجمنی و مدنی؛
- خلق باور به فعالیتهای انجمنی و مدنی
- ایجاد باور به ضرورت فعالیتهای انجمنی و مدنی؛
- ایجاد باور به برابری حقوق مردان و زنان؛
- ایجاد اعتماد عمومی؛
- ترویج عناصر و مولفه‌های سرمایه اجتماعی؛

ساختاری و موقعیتی (کلان، میانی و خرد)

نخستین گام دولت و نهادهای اجرایی جهت ارتقا سرمایه اجتماعی فراهم آوردن شرایط ساختاری و بستری است که هر سه سطح سرمایه اجتماعی خرد، میانی و کلان و ابعاد و مولفه‌های آنها مطابق چهارچوب نظری بتوانند رشد کنند و با موانع ساختاری و موقعیتی مواجه نشوند.

به عنوان محمل کنش جمعی و تولید خیر عمومی به واسطه خصلت، کارآمدی و کنشگری دولت و نهادهای رسمی نیز می‌تواند محدود شود. در سطح نهادی، نهادهای رسمی با ویژگی‌هایی چون تصدی‌گری

فزاینده، تمرکز گرایی و فقدان شفافیت و سلامت اداری، زمینه و فرصت ساختاری شکل گیری رفتار های داوطلبانه و گروهی را کاهش می دهند. فرصت نهادی شکل گیری حیات انجمنی تابع میزان باور دولتمردان به جایگاه مشارکت اجتماعی و نهادهای غیررسمی در توزیع قدرت و اهمیت آنها در بهبود امور است. خصلت نهادی ساختار های رسمی علاوه بر بروز یا ممانعت از شکل گیری سرمایه اجتماعی می تواند در هدایت سرمایه اجتماعی به سوی روابط بانندی و گروهی منفی مؤثر باشد. فرصت نهادی حیات انجمنی، تمهید و پیش بینی فضای اجتماعی برای برقراری ارتباطات بین شهروندان و تولید فرصت های روابط گرم و چهره به چهره بین افراد جامعه نیز به نوعی جزو مأموریت های دولت و نهادهای رسمی محسوب می شود. مدیریت فضایی شهرها و طراحی فضا های اجتماعی، نقشی کلیدی در توسعه سرمایه اجتماعی دارند. ارزش اجتماعی فضاهای باز شهری، ورزشگاه ها، کلوپ ها، پارک ها و میدان ها و به طور کلی فضاهای جمعی به نقش آنها در امکان پذیر کردن برقراری روابط اجتماعی در شهرها است. به میزانی که چنین فضاهایی در طراحی سکونت گاه های انسانی مورد توجه قرار گیرند، فرصت های فضایی برقراری ارتباطات و ایجاد سرمایه اجتماعی بیشتر فراهم می شود. توسعه زیرساخت های ارتباطاتی نوین و گردشگری نیز فرصت های تولید سرمایه اجتماعی در جامعه را تحت تأثیر قرار می دهند. کوتاه سخن آنکه ارتقای سرمایه اجتماعی مستلزم آن است که فرصت آن هم به لحاظ فردی و هم به لحاظ نهادی و فضایی فراهم باشد. اقداماتی که می توانند تولید فرصت های تولید سرمایه اجتماعی را به لحاظ فردی، نهادی و فضایی بهبود بخشند عبارت اند از: .

- بهبود شرایط اقتصادی و رفاهی خانواده ها با تأکید بر گروه های محروم و کم درآمد برای فراهم شدن زمان فراغت و صرف آن در فعالیتهای اجتماعی؛
- اعمال سیاست های خاص مربوط به بازار کار - مانند الزامات حداقل دستمزد و قوانین مربوط به اخراج ناعادلانه؛
- افزایش میزان اشتغال و کاهش سطح بیکاری؛
- بالا بردن کیفیت زندگی و رفع موانع معیشتی؛
- توسعه زندگی انجمنی؛
- تأکید بر ضرورت استقرار رویکرد مدیریت مشارکتی در سازمان ها و نهادها؛
- توجه به آرای عمومی و نظارت و رضایت افراد جامعه؛

- کاهش تصدی گری دولتی در راستای ایجاد فرصت‌های بیشتر برای عملکرد بخش خصوصی و جامعه مدنی؛
- طراحی منشور سرمایه‌اجتماعی سازمان‌ها برای افزایش ارتباطات کارکنان و تعامل مثبت سازمان و مراجعین؛
- اجرای سیاست‌های اجتماع محور در حوزه تأمین مسکن با توجه به نقش کلیدی روابط محله‌ای پایدار در تولید سرمایه‌اجتماعی جامعه؛
- تأکید بر ضرورت پیروی طرح‌های نوسازی شهری از الگوی مشارکتی و حفظ بافت‌های اجتماعی برای جلوگیری از تخریب هویت‌های محله‌ای و بافت فرهنگی اجتماعات ساکن در بافت‌های فرسوده و قدیمی؛
- تأکید بر اهمیت فضا‌های باز شهری در ایجاد اختلاط اجتماعی بین گروه‌های مختلف اجتماعی و تشویق روابط همسایگی و الزام طرح‌های شهرسازی و نهادهای مدیریت شهری به تأمین ضرورت‌های فضایی استقرار حیات مدنی در شهرها؛
- تأکید بر استفاده از ظرفیت فعالیت‌ها، باشگاه‌ها و رویداد‌های ورزشی برای افزایش هویت‌پذیری جمعی و ارتباطات اجتماعی؛
- استفاده از یارانه‌های دولتی برای مصارف خانگی و عمومی اینترنت و خدمات مخابراتی برای غلبه بر شکاف دیجیتالی و افزایش دسترسی به شبکه‌ها و اطلاعات، خصوصاً برای فقرا؛
- الزام نهادهای مسئول به تأمین سلامت اجتماعی گروه‌های آسیب‌پذیر و آسیب‌دیده اجتماعی از قبیل معلولان، مبتلایان به بیماری‌های مزمن، سالمندان و... از طریق تسهیل حضور آنان در اجتماع و جبران اجتماعی محدودیت‌های تندرستی؛
- تأکید بر مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها و استفاده از این ظرفیت برای فراهم کردن فعالیت‌های داوطلبانه در حوزه فعالیت‌های مدنی؛
- اهتمام به توسعه امکانات توریستی و گردشگری با اهداف اجتماعی و افزایش و تسهیل ارتباطات بین گروه‌های فرهنگی و قومی؛
- پیشگیری از قطبی شدن فضا‌های اجتماعی در جامعه به دلیل اتخاذ سیاست‌های تبعیض آمیز آموزشی و بهداشتی و توسعه‌ای؛

- استفاده از فرصت مراسم ها و جشن‌های ملی و مذهبی برای تقویت ارتباطات بین افراد و گروه‌های اجتماعی و رفع عوامل مؤثر بر طرد اجتماعی افراد و گروه‌ها در این رویدادها؛
- رفع تعارضات ساختاری برای ممانعت از بروز تنش در درون ساخت رسمی قدرت و تقابل نیرو های اصلی تصمیم ساز در راستای افزایش اعتماد نهادی؛
- افزایش رواداری و مدارا در قبال ریسک‌های رفتارهای انجمنی و پیامد های منفی احتمالی آن از طریق توسعه‌ایده سرمایه گذاری اجتماعی؛
- افزایش نظارت و کنترل بر عملکرد نهادها برای ممانعت از شکل‌گیری فرصت های شکل‌گیری شبکه‌های فساد و سوءاستفاده از موقعیت های اداری و به بیان دیگر سرمایه‌اجتماعی منفی؛
- تسهیل ارتباط بین گروه‌های قومی از طریق فعالیت‌های گردشگری قومی و فرهنگی و تقویت بازار کالا های فرهنگی قومی؛
- معرفی سابقه و تجربیات موفق یاریگری در ایران و جهان از طریق رسانه‌های جمعی جهت ایجاد انگیزه برای فعالیت‌های جمعی در افراد؛
- حمایت و پشتیبانی از فعالیت‌های انجمنی
- تسهیل فرایند های شکل‌گیری، ثبت و صدور مجوز تشکل های اجتماعی و کاهش بوروکراسی‌های و مقررات دست و پاگیر اداری؛
- تأمین امنیت فعالیت‌های جمعی و گردهمایی‌ها و نشست‌های گروه‌های اجتماعی؛
- آموزش و اطلاع رسانی به تشکل های اجتماعی در ارتباط با شرایط فعالیت گروه‌های داوطلبانه و روال های سازمانی مانند برنامه ریزی، گزارش نویسی، تهیه بولتن، سایت و... و همچنین لوازم فعالیت سازمانی مانند قوانین کار، بیمه و مالیات؛
- حمایت از فعالیت‌های انجمنی در ارتباط با تجهیز و توسعه منابع مالی و اعتباری و مکان استقرار سازمان گروه؛
- پرهیز از نگاه امنیتی به فعالیت سازمان‌های غیردولتی؛
- پرهیز از اعمال تبعیض در اعطای حمایت ها و پشتیبانی‌های دولتی به گونه‌ای که به بهبود یا بی رونقی زمینه فعالیت گروه‌های خاصی منتهی شود.
- حاکمیت بخشیدن به رویکردهای علمی، تمرکززدایی و...؛
- توجه به جوانان، نیازها و ضرورت‌های آنان؛

- تقویت مبانی جامعه مدنی، مشارکت و ...؛-
- تقویت امنیت و اقتدار ملی؛
- بهبود ساختار سیاسی، قضایی و...؛
- توسعه نظم و امنیت عمومی؛
- تعمیم عدالت از طریق توسعه قضایی؛
- توسعه قانونگرایی، وجدان کاری و ...؛
- ایجاد سازوکارهای انگیزشی؛
- تعامل فعال با جهانیان؛
- ایجاد فضای مناسب برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی؛
- توانمندسازی بخشهای خصوصی و تعاونی؛
- نظم و انضباط مالی و بودجه‌ای؛
- ارتقاء ظرفیتهای بخش تعاونی و توسعه حضور بخش تعاون در تمام بخشهای اقتصادی؛
- ایجاد مکان‌های ویژه‌ای مثل سرای محله جهت مهارت‌آموزی و آموزش و فعالیت انجمنی؛
- خلق دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی؛
- تلاش برای زدودن تبعیض از محیط آموزشی؛

فردی و آموزشی و توانمندسازی

افراد سرمایه‌های اصلی جامعه و کنشگران فعال و بالقوه در میدان سرمایه‌اجتماعی هستند. لذا پس از بسترسازی فرهنگی و ساختاری باید افراد بانگیزه، آموزش دیده و توانمند برای خلق سرمایه‌اجتماعی باشند. در این دسته راهکارها با توجه به ابعاد سه گانه سرمایه‌اجتماعی و تمام مؤلفه‌های آنها طبق چهارچوب نظری راهکارهای زیر پیشنهاد می‌گردد:

- افزایش کارآمدی حکومت از طریق پایبندی به لوازم و مشخصات حکمرانی خوب جهت ایجاد اطمینان در کنشگران اجتماعی برای اثربخشی فعالیت‌های مدنی آنان؛

- تقویت هنجارهای دینی و اجتماعی تشویق کننده تعامل و همکاری و تولید خیر عمومی مانند عبادات جمعی، صداقت، مودت، حسن ظن، رعایت حق الناس، حرمت غیبت و تهمت و... از طریق نشان دادن اثربخشی کنش های انجمنی مبتنی بر این هنجارها در جامعه؛
- افزایش تعهد به اجرای قانون و استقرار عدالت و شفافیت سازمانی و عدم تبعیض در راستای ایجاد اطمینان در کنشگران اجتماعی در خصوص سلامت فضای حیات انجمنی و مصادره نشدن آن توسط اغراض سیاسی و ایدئولوژیک؛
- ترویج و تشویق گروه های اجتماعی به ایفای نقش در جامعه مدنی از طریق اعطای اختیارات و سپردن وظایف اجتماعی به آنها و سهم کردن آنها در قدرت؛
- تولید برنامه های فرهنگی با هدف تقویت جایگاه زندگی انجمنی و تشویق فعالیت های داوطلبانه در فرهنگ عمومی جامعه؛
- تسهیل فرایند شکل گیری گروه های انجمنی و داوطلبانه و رفع موانع فعالیت آنها و استقرار سیاست ها و معیارهای روشن و شفاف در این زمینه؛
- تلاش در جهت ارتقای سرمایه فرهنگی و انسانی افراد به عنوان دو عامل مؤثر بر انگیزه های فعالیت انجمنی؛
- الزام به پایبندی سازمان ها به موضوع مسئولیت اجتماعی ایشان برای ارتقای اعتماد اجتماعی بین تجارت و جامعه مدنی؛
- تولید و پخش برنامه های مبتنی بر رفتارهای داوطلبانه و انجمنی در صدا و سیما؛
- تلاش برای معرفی عناصر و مؤلفه های هویت ساز در فضا های شهری برای ایجاد حس تعلق و انگیزه فعالیت های جمعی در شهروندان در سطوح مختلف همسایگی، محله ای و شهری؛
- الزام به گزارش عمومی نتایج نظرسنجی ها و داوری های شهروندان در مورد عملکرد نهادها و سازمان ها برای ایجاد اطمینان از اثربخشی مشارکت اجتماعی آنان؛
- اعمال تخفیف های مالیاتی برای سازمان ها یا افراد ثروتمند در قبال حمایت از فعالیت های اجتماعی؛
- گسترش روحیه نقدپذیری در جامعه و از همه مهم تر پایبندی حاکمیت به لوازم نقد سازنده؛
- معرفی مسئولان خاطی و استقرار عدالت قضایی جهت ممانعت از تأثیر سوء عملکرد کارگزاران به کاهش اعتماد عمومی به نظام و حاکمیت؛

- پایبندی به اخلاق رسانه‌ای و جلوگیری از آلوده شدن فضای اطلاعات در کشور؛
- گنجاندن آموزش مهارت‌های مرتبط با کنشگری مدنی در دروس دوره‌های ابتدایی و راهنمایی مدارس؛
- استفاده از انجمن‌های اولیاء و مربیان برای انتقال مهارت‌های مرتبط با فعالیت‌های جمعی در خانواده؛
- افزودن واحدهای مهارتی مرتبط با فعالیت‌های اجتماعی در دوره‌های آموزش عالی و مؤسسات آموزشی کشور؛
- توسعه فعالیت‌های انجمن‌ها و کانون‌های فرهنگی و هنری در دانشگاه‌ها به عنوان مهم‌ترین محمل ارتقای توانمندی‌های دانشجویان در این زمینه؛
- گسترش روش‌های مشارکتی آموزش به عنوان روش برتر به ویژه در حوزه علوم انسانی و اجتماعی؛
- افزایش اطلاعات و آگاهی‌ها در زمینه مهارت‌های فوق در رسانه‌های عمومی؛
- توجه به موضوع افزایش مهارت‌های زندگی انجمنی در تولید برنامه‌های صدا و سیما؛
- توانمندسازی هدفمند گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه مانند، حاشیه‌نشینان از طریق نهادهای ذیربط با هدف بهره‌مندی آنان از فرصت‌های بهبود زندگی با فعالیت‌های جمعی؛
- معرفی تجارب برتر داخلی و خارجی در زمینه کارآفرینی جمعی از طریق رسانه‌های جمعی؛
- بررسی و شناسایی نیازهای مهارتی و آموزشی گروه‌های مختلف اجتماعی برای فعالیت جمعی و تولید دانش مهارتی لازم و بسته‌های مهارت‌افزایی توسط نهادهای آموزش مدنی؛
- تأکید بر اجرای فعالیت‌های تسهیل‌گری اجتماعی به عنوان جزء مؤثر اقدامات توسعه‌ای؛
- آموزش مدیران سازمانی در ارتباط با اهمیت سرمایه اجتماعی سازمان و نقش آن در بهبود فعالیت‌ها و عملکرد سازمانی از طریق مراکز آموزش مدیریت دولتی؛
- توانمندسازی با ایجاد کارگاه‌های آموزشی و تخصصی؛
- آموزش‌های بروز و ویژه به جوانان جهت آمادگی برای مشارکت اقتصادی، اجتماعی و انجمنی؛
- رشد خودباوری و اعتماد به نفس در مردم؛
- دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی؛
- تقویت ورزش و امکان ورزشی استان؛

- حمایت از آثار علمی- پژوهشی و گسترش مراکز تحقیقاتی در خصوص سرمایه اجتماعی؛

اقدامات، برنامه‌ها، محدودیت‌ها، موانع و راهکارهای پیشنهادی دستگاه‌های اجرایی و ... استان برای ارتقا

سرمایه اجتماعی

بر اساس پاسخ دستگاه‌های اجرایی استان به پرسشنامه این پروژه (ضمیمه شده است) اقدامات، برنامه‌ها، محدودیت‌ها، موانع و راهکارهای پیشنهادی دستگاه‌های اجرایی و ... استان برای ارتقا سرمایه اجتماعی در جدول شماره (۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۰) ارایه شده است.

جدول شماره (۱۷) اقدامات انجام شده نهادهای اجرایی در راستای ارتقای سرمایه اجتماعی (بر اساس خوداظهاری)

	اقدامات انجام شده
سطح کلان	<p>- شفافیت سازی سازمانی؛</p> <p>- همکاری با سازمانها و نهاد های انقلابی و مشارکت در اجرای برنامه‌های مختلف و استفاده از تبلیغات محیطی جهت اعتماد و انسجام و مشارکت های اجتماعی و ترسیم آینده کشود و افزایش امیدواری می باشد (شهرداری).</p> <p>- مهارت آموزی و حل معضل بیکاری جوانان؛</p> <p>- ارایه خدمات رفاهی و آموزشی - کرسی های آزاد اندیشی، اردوهای فرهنگی)؛</p> <p>- اردوهای ورزشی؛</p> <p>- سیاست گذاران آموزش عالی برای هویت اجتماعی؛</p> <p>- دعوت از سخنرانان انقلابی؛</p> <p>- برگزاری جلسات با یادگاران دفاع مقدس ؛</p> <p>- بازدید از نمایشگاه دفاع مقدس؛</p> <p>- برگزاری مسابقات کتابخوانی؛</p> <p>- شرکت در راهپیمایی ها ؛</p> <p>- ایجاد فضا، فرصت و اجتماع یادگیری، مهارت آموزی و کارآفرینی (دانشگاه های فنی)</p> <p>- دادن اطلاعات شفاف در مورد کشور و کمک به جلوگیری از برداشتهای نادرست از عملکرد قوای کشوری</p> <p>بالا بردن شایستگی ، بالا بردن کیفیت آموزشی ، ایجاد دوره های ارشد؛</p> <p>- دکتری ایجاد حس انسجام ملی در دانشگاه با تدفین شهدای گمنام در دانشگاه ؛</p>

-مشارکت در انتخابات در این سازمان از طریق ایجاد زمینه مباحثه بین دانشجویان و تشویق آنان در انتخابات می باشد؛

-تعامل اقوام و فرهنگ های مختلف در دانشگاه زمینه هویت اجتماعی را فراهم می آورد؛
-دانشگاه از طریق آموزش مهارت ها و بالا بردن سطح ادراک فرد تلاش می نماید که با ایجاد موقعیت در شرایط کنونی ، آینده را برای فرد، روشن و مشخص کند ؛
-دانشگاه با ایجاد زمینه های شکل گیری هویت اجتماعی در جوانان باور به نظام در آنها ترغیب می کند(دانشگاه ازاد)-

-حرکت بر اساس موازین؛

-. تقویت باورهای دینی و همچنین آرمانهای نظام به همکاران و مددجویان؛
-. ارائه خدمات کیفی و اثر گذار به مردم.- در همه مناسبات اجتماعی از همه ظرفیتهای برای اقتدار نظام استفاده کردیم؛

- آموزش های مستمر و مداوم و برگزاری برنامه ها؛

- در بعد فرهنگی اجتماعی از طریق حوزه فرهنگی امداد همه ساله برنامه های ویژه ای در این زمینه انجام میشود.؛

- تقویت باورهای دینی و همچنین آرمانهای نظام به همکاران و مددجویان(کمیته امداد)

- آموزش و کسب مهارت نیروی انسانی به دو صورت جذب از طریق آزمون سراسری و برگزاری؛

-گرامیداشت شهدای معلم و دانشجو معلم(دانشگاه فرهنگیان)

-سیستم پاسخگویی موثر؛

- دستورالعملهای نظارتی دقیق؛

- جلسات پاسخگویی؛

-ارایه گزارشات از خدمات بیمه ؛

- بهبود در خدمت رسانی؛

- استفاده از سامانه سامد ؛

-اطلاع رسانی مناسب ؛

-وقت شناسی (بیمه سلامت)

-به منظور ترویج فرهنگ ایثار و شهادت و ارزش، برنامه یگرمی داشت یاد و خاطره شهدای دانشجو معلم با

<p>عنوان یک فعالیت تربیتی؛</p> <p>- فرهنگی و معنوی در کلیه دانشگاه‌های فرهنگیان سراسر کشور آزاد)</p> <p>- طراحی و اجرای نظام شورایی (دانشگاه فرهنگیان)</p> <p>- اجرای قوانین با هماهنگی سه قوای -فراگیر شدن نظام بیمه ای؛</p> <p>-افزایش معشیت اجتماعی؛</p> <p>-تحت پوشش درآوردن اکثریت جمعیت ایران؛</p> <p>-مشارکت همگان برای دفاع از امنیت؛</p> <p>-انسجام در تصمیم گیری کلان-دریافت حق بیمه و ارایه خدمات بیمه (تامین اجتماعی)</p> <p>-قسمت مشارکتهای مردمی و معاونتها با راه اندازی و بکارگیری موسسات و تشکل ها، جمعیت های همیار نسبت به جلب اعتماد جامعه اقدام مینمایند؛</p> <p>.</p> <p>-مشارکت در تمامی برنامه‌های اجتماعی و پیگیری مسائل از طریق خود مردم و موسسات مانند فعالیت های مستمر سازمان و مردم در زمینه پیشگیری از اعتیاد ، آگاهسازی برای پیشگیری از معلولیت ها حمایت مالی موسسات ، تشکلهای،جمعیت ها در بهبود این امر ممکن است(بهبیستی)</p> <p>- هدایت برنامه‌های دانشگاه به سمت رسالت های تعیین شده برای دانشگاه در اساسنامه؛</p> <p>- تلاش زیادی در این خصوص صورت نگرفته اند ولی ضرورت آن احساس می‌شود؛</p> <p>- در مقاطع نزدیک به انتخابات اقدامات در این خصوص صورت پذیرفته مانند جلوگیری از افزایش شهریه دانشجویی تسهیلات در خصوص امور آموزشی برگزاری امتحانات؛</p> <p>- برگزاری جشنواره‌های مختلف فرهنگی ورزشی و قرآنی در جهت هویت بخشی به مخاطبان دانشگاه می باشد؛</p> <p>- هدفمند کردن دوره‌های آموزشی با نگاه به وضعیت تقاضا در بازار اشتغال یکی از این برنامه‌ها است؛</p> <p>- یق با درد های انقلابی دینی و فرهنگ ایرانی از طریق اجرای فعالیت‌های فرهنگی جزء برنامه‌های دانشگاه در این خصوص است؛(دانشگاه علمی کاربردی)</p> <p>-</p>	
<p>-ایجاد ارتباط دوسویه بین مدیران کارمندان و مردم ؛</p>	<p>سطح</p>

-جلسات هم اندیشی و ارایه پیشنهادات در چارچوب مصوبات؛

-تشکیل کمیته‌ها و کارگروه‌های مشترک بین ارکانها برای تبلیغات و جشنها و مراسمات؛

- انعقاد تفاهمنامه‌های بین سازمانی؛

- رعایت منشور اخلاقی های تدوین شده ارکانها (شهرداری)

- مراسمات معرفی مسولان جدید-همکاری و مشارکت در برگزاری سمینارها ؛

-انتشار کاتالگ و بروشور؛

- فعالیت در فضای مجازی:- برگزاری همایش های استانی؛

- برپایی نمایشگاه‌های توانمندی اساتید و دانشجویان؛

- همکاری با ادارات دولتی؛

- در اختیار گذاشتن سالن های ورزشی و آمفی تیاتر به سایر ادارات؛

- انعقاد تفاهم نامه‌ها ؛

- همکاری در جهت تحویل سالن به سایر نهاد؛

- اهداف تفاهم نامه ارتقای شایستگی ها و صلاحیت های حرفه ای دانشجویان و دانش اموختگان دانشگاهیغ

- نظارت بر حسن اجرای امور آموزشی، پژوهشی، فرهنگی، تربیتی، دانشجویی، اداری و مالی و..(دانشگاه فنی)

-اعتماد به نهاد و سازمان خود و دیگر نهادها و سازمان ها- حمایت از تشکل های دانشجویی خود جوش

معاونت دانشجویی از طریق انجمن های علمی، طلب های دانشجویی، هلال احمر و انجمن اسلامی در ابعاد

علمی، سیاسی، مذهبی و هنری و ورزش مشارکت دانشجویان را ارتقا داده تا سرمایه اجتماعی ارتقا یابد،

-دانشگاه از طریق پایان نامه‌ها و تحصیلات تکمیلی و تحقیقات دانشجویی و اعضا هیات علمی به دنبال

مشارکت در حل مشکلات و مسائل ضروری دیگر سازمان ها می باشد؛

-دانشگاه با سازمان ها در سطح ستادی و سازمانی ارتباط دارد.مانند بنیاد شهید؛

-کارورزی در رابطه با صنعت و سازمان های فنی بسیار مهم می باشد که از طریق دفتر ارتباط با صنعت صورت

می پذیرد.-پاسخگویی و وجدان کاری.(دانشگاه ازاد)

-تامین منابع مالی در این خصوص ، برگزاری برنامه‌های تفریحی فرهنگی معنوی و آموزشی و ورزشی در طول

سال ویژه همکاران ، ارتقاء رتبه و تصدی پست ها(سازمان تبلیغات)

- ثبت و تشکیل حداقل ۱۰ سازمان مردم نهاد جوانان در سال در سطح ورزش و جوانان (

-توسعه فعالیت های تربیت بدنی و خدمات ورزشی؛

-برگزاری دوره مهارت آموز-توسعه خدمات مشاوره دانشجویی؛

- توسعه مشارکت دانشجویان در تصمیم سازی ها (شورای صنفی، فعالیت های کار اجرایی؛ کار دانشجویی (دانشگاه فرهنگیان)

- همکاری با ارگانهای دولتی و خصوصی مختلف در زمینه های متعدد مانند دادگستری، شهرداری، نیروی انتظامی، اتوبوسرانی، مراکز مشاوره و...؛

- در زمینه کاهش آسیب های اجتماعی و ارتقا فرهنگ پیشگیری و... با بانک ها، مراکز درمانی ژنتیک، آزمایشگاه ها، آموزش و پرورش، هلال احمر، دانشگاه ها، صدا و سیما و... همکاری لازم صورت میگیرد؛
- پیگیری امور رفاهی کارکنان و بررسی عملکرد کارکنان در همکاری و هماهنگی در اداره کل؛

- تامین منابع مالی در این خصوص، برگزاری برنامه های تفریحی فرهنگی معنوی و آموزشی و ورزشی در طول سال ویژه همکاران، قرارداد با هتل در مشهد جهت رفاه حال کارکنان جهت زیارت مشهد مقدس، تامین مهمانسرا ویژه همکاران در سطح کشور، لحاظ نحوه همکاری و انسجام کارکنان در ارزشیابی عملکرد و ارتقاء رتبه و تصدی پست ها؛

- افزایش کمی و کیفی برنامه های فوق الذکر در طول سال؛

- کمبود منابع کافی؛

- در خارج از ساعات کار ادارات برنامه های خاص ویژه بهره گیری از همکاران به منظور ایجاد ارتباط صمیمانه گنجانده شود فعالیت تیمهای ورزشی و...؛

- برون سپاری فعالیت های بهزیستی به بخش غیر دولتی و ایجاد ارتباطات موثر و پویا در جهت تصویب قوانین مربوط به خدمات رسانی ویژه به افراد دارای معلولیت؛

- برگزاری جلسات همفکری و تقسیم وظایف بین بهزیستی و دستگاه های مرتبط با افراد دارای معلولیت؛
- ورود حوزه های مختلف استانداری ها در جلسات و برنامه های مختلف جهت الزام دستگاه ها به اجرای مصوبات؛

- جابجایی نیروها و کارشناسان متخصص در دفاتر مختلف - ورود نیروهای غیر تخصصی از دستگاه های دیگر به سازمان؛

- عدم اختصاص اعتبار مشخص در بودجه دستگاه های همکار جهت اجرای مصوبات؛

- ارتباط سازنده و پویا بین دستگاه های اجرایی؛

- در خارج از ساعات کار ادارات برنامه های خاص ویژه بهره گیری از همکاران به منظور ایجاد ارتباط صمیمانه گنجانده شود فعالیت تیمهای ورزشی و...؛

<p>- واگذاری فعالیتهای دفترهای مختلف از جمله مراکز نگهداری و ارائه خدمات مددکاری به جامعه هدف و جلب مشارکت بخش خصوصی؛</p> <p>- برگزاری جلسات فرابخشی بین بهزیستی، دستگاه قضا و استانداری جهت بهبود و ارتقاء و همسو شدن خدمات به مددجویان؛</p> <p>- درخواست از دستگاههای مرتبط از جمله دادگستری، مشاوره استانداری نیروی انتظامی، علوم پزشکی..... جهت مدون شدن و اجرایی خدمات دستور کار؛</p> <p>- جابجایی کارشناسان و نیروهای تخصصی بخش غیر دولتی همکار با سازمان به دلیل عدم ثبات شغلی، پایین بودن حقوق مزایا و نداشتن بیمه اجتماعی که منجر به از دست دادن نیروی با تجربه می شود؛</p> <p>- ارتباط سازنده و پویا بین دستگاههای اجرایی؛</p> <p>- دفاتر بازرسی و حراست سازمان در خصوص جمع بندی مشکلات سازمان و اقدام به موقع و عدم سواستفاده از موقعیت و مقام اقدام مینمایند؛</p> <p>- دفاتر بازرسی و حراست سازمان در خصوص جمع بندی مشکلات سازمان و اقدام به موقع و عدم سواستفاده از موقعیت و مقام اقدام مینمایند. (بهزیستی)</p> <p>- کارکنان سازمان باید صداقت و درستی و گفتار و عمل مسئولان را در دانشگاه حمایت کنند این امر جزو اقدامات ضروری دانشگاه است؛</p> <p>- استمرار اقدام ذکر شده در سوال یک در حال انجام است؛</p> <p>- فعالیتهای ابتکاری دانشگاه مانند برگزاری موضوع مناظره دانشجویی در ایجاد مشارکت تشکل ها در امور بسیار می تواند موثر باشد؛</p> <p>- اجرای دقیق دورهها در ارتباط هر چه بیشتر با نیاز بازار کار؛</p> <p>- وی تعداد دانشگاه و بازار کار از طریق امضای تفاهم نامه های همکاری مشترک؛</p> <p>- پرهیز از حرکت های موازی با دیگر اجزای مرتبط که انسجام را دچار مشکل می کند؛</p> <p>- ترویج پایبندی مدیران کارکنان به منشور اخلاقی دانشگاه؛</p>	
<p>- استفاده از فضای تبلیغاتی شهری، هنرهای نمایشی، کتابها، بنر ها برای ارزشها و اعتقادات؛</p> <p>- شفاف سازی امور در زمان برقراری ارتباطات؛</p> <p>- برگزاری گارگاه های آموزشی و همکاری با نهاد ذیربط ؛</p> <p>- حمایت از نیازمندان و استفاده از رسانه ها، فضای تبلیغاتی ، هنرهای نمایشی و انجام مراسمات و جشنها برای رساندن پیام انسجام ؛</p>	<p>سطح خرد</p>

- برنامه‌های اردوی، آیین نامه‌های فرهنگی و مسابقات و کلاسهای آموزشی برای ارتباطات اجتماعی (شهراری)

- برگزاری کلاس و کارگاه‌های مختلف و نشست های درون سازمانی برای ارتقا صفات حسنه؛

- افزایش مهارت آموزی- فراهم کردن بودجه ؛

- فضای مورد نظر؛

- دعوت از سخنرانان و مدعوین مربوطه؛

- ارائه خدمات رفاهی؛

- برگزاری کلاس های آموزشی و اجرای مراسم فرهنگی؛

- امضا قرارداد ها ، اسناد تعهدآور، اسناد ملی اداری و مکاتبات مؤسسه در چارچوب ضوابط و مقررات مصوب (دانشگاه فنی)

- پایبندی به ارزش ها و مسئولیت شناسی وقت شناسی؛

. - تجربه همکاری با دیگران؛

- انسجام کارکنان .همکاری با دانشجو و متقابل؛

- حق انتخاب برای دانشجو(دانشگاه آزاد)

- برگزاری دوره آموزش کتابداری، اخلاق و احکام کارمندی، اخلاق حرفه ای، خریداری و در اختیار قرار دادن مجموعه دستورالعمل های اداره کتابخانه‌های عمومی؛

- برگزاری برنامه‌های فرهنگی کتاب محور با همین موضوع ویژه پرسنل-؛

برگزاری دوره‌های آموزشی روانشناسی، برگزاری جشنها و اردوهای تفریحی ، شرکت در مراسمات خانوادگی پرسنل-؛

برگزاری دوره‌های آموزشی روانشناسی، برگزاری برنامه‌های فرهنگی کتاب محور از کتب با همین موضوع، -

برگزاری مسابقات کتابخوانی با همین موضوع، جشنها و اردوهای تفریحی ، شرکت در مراسمات خانوادگی پرسنل، برگزاری جلسات شهرستانی صمیمانه کتابداران با مدیرکل استان، فعالیت در پیام رسانهای داخلی و ایجاد گروه به منظور ارتباط بیشتر(کتابخانه عمومی)

-راه اندازی میز خدمت بصورت کارآمد در سطح اداره ، رسیدگی به شکایات ارباب رجوع و ... ، لحاظ اجرای قوانین در ارزشیابی عملکرد کارکنان و تصدی پست ها ، تشویق و تقدیر از کارکنان نمونه جهت ایجاد انگیزه ؛

- برگزاری بیش از ۶۰ کارگاه آموزشی در هر فصل در سطح استان- راه اندازی شبکه اتوماسیون اداری ،

برگزاری دوره‌های آموزشی مرتبط با موضوع ویژ کارکنان ، پیگیری کامل مکاتبات با نهاد ها و سازمانها و پاسخگویی مکاتبات در اسرع وقت و لحاظ در ارزشیابی و ارتقاء رتبه کارکنان (ورزش جوانان)

-برگزاری اردو های فرهنگی و تفریحی ویژه خانواده‌های معظم شهدا، ایثارگران ، جانبازان و آزادگان (دانشگاه فرهنگیان)

- منشور اخلاق حرفه ای کارکنان و منشور حفظ حقوق شهروندی ؛

-راه اندازی میز خدمت بصورت کارآمد در سطح اداره ، رسیدگی به شکایات ارباب رجوع و ... ، لحاظ اجرای قوانین در ارزشیابی عملکرد کارکنان و تصدی پست ها ، تشویق و تقدیر از کارکنان نمونه جهت ایجاد انگیزه ؛
- تشکیل تیم پیاده روی اداره کل؛

- برخی کارمندان از نظر شخصیتی درونگرا نسبت به ارتباط به دیگران بی میل هستند بعلاوه پراکندگی شهرستانی و سکونت و خدمت برخی کتابداران در مناطق دور دست استان از موانع ایجاد ارتباط می باشد؛
-در خارج از ساعات کار ادارات برنامه‌های جمعی و دوره‌می ویژه بهره‌گیری؛
-تکریم ارباب رجوع و حس مسئولیت پذیری؛

- رعایت مساوات و برابری جهت برخورداری ارباب رجوع از تسهیلات موجود ؛
- توجه به منشور اخلاقی پرسنل سازمان ؛

-تاسیس و راه اندازی میز خدمت جهت تسهیل در بررسی درخواست ارباب رجوع؛
- تجلیل و تشویق پرسنل و مددجویان موفق ؛

-تامین برنامه‌های ویژه جهت امور رفاهی ، آموزشی و اوقات فراغت پرسنل و مددجویان سازمان ؛
-کمبود اعتبارات؛

- آمار بالای پشت نوبت دریافت کنندگان این خدمات توسط سازمان؛

-تامین امنیت جسم و روان پرسنل که به تبع آن افزایش امنیت جامعه هدف نیز محقق می گردد؛

- اختصاص نشست های صمیمی جهت پرسنل و بررسی چالش های کارشناسی و مشکلات آنها؛

- منشور اخلاق حرفه ای کارکنان و منشور حفظ حقوق شهروندی؛

-راه اندازی میز خدمت بصورت کارآمد در سطح اداره ، رسیدگی به شکایات ارباب رجوع و ... ، لحاظ اجرای قوانین در ارزشیابی عملکرد کارکنان و تصدی پست ها ، تشویق و تقدیر از کارکنان نمونه جهت ایجاد انگیزه ؛
- تشکیل تیم پیاده روی اداره کل؛

- برخی کارمندان از نظر شخصیتی درونگرا نسبت به ارتباط به دیگران بی میل هستند بعلاوه پراکندگی شهرستانی و سکونت و خدمت برخی کتابداران در مناطق دور دست استان از موانع ایجاد ارتباط می باشد؛
-در خارج از ساعات کار ادارات برنامه‌های جمعی و دوره‌می ویژه بهره‌گیری ؛

<p>- تکریم ارباب رجوع، رعایت حقوق متقاضیان و مراجعین بر اساس فاکتورها و الویتهای اعلام شده در ضوابط اجرایی؛</p> <p>- تسهیل کردن راه دستیابی جامعه هدف به درخواستها و انتظارات آنها رعایت حقوق مراجعین؛</p> <p>- توجه به بعد ارتقاء پرسنل، آموزش آنها و تشویق و تنبیه به موقع؛</p> <p>- آمار بالای مراجعین، محدودیت در ارائه پاسخ به موقع و متناسب با درخواست مراجعین؛</p> <p>- بالا بردن سلامت روان پرسنل به منظور آرامش فردی-بررسی چالشهای سازمان؛</p> <p>- استفاده از نظرت و پیشنهادات کارشناسان اجرایی؛</p> <p>- برگزاری جلسات و اردوهای تفریحی ورزشی در بین کارکنان و جامعه هدف، برگزاری نشستهای مشورتی در بهبود ارتباطات اجتماعی اقدام می نماید (بهبیستی)</p> <p>- از طریق بسط و عمق دادن به برنامههای فرهنگی ویژه کارکنان؛</p>	
<p>- اجرای برنامههایی از قبیل اردوهای فرهنگی، نشست ها، گردهمایی ها تشکیل حلقههای گفتگو، انجمن های تخصصی فرهنگی، هنری و ادبی جشنوارههای قصه گوئی بازدید های علمی و (کانون کودک و نوجوان)</p> <p>- انعقاد تفاهم نامه با مراکز دانشگاهی و حوزوی - تأمین منابع مالی جهت پرداخت حق الزحمه اساتید- تلاش در جهت رفع محرومیت های مالی و برگزاری اردو های معنوی و زیارتی (کمیتة امداد)</p> <p>- تبیین اساسنامه سازمان منطبق با عقاید و اعتقادات مردم در راستای ترویج فرهنگ دینی؛</p> <p>- انجام تحقیقات و مطالعات در خصوص نیازهای دینی و تبلیغی جامعه اسلامی و طراحی شیوههای جدید تبلیغی نوین؛</p> <p>- احیاء ارزشهای سنتی سازگار با موازین اسلامی و حذف و اصلاح شیوههای نامناسب سنتی با ارزشهای اسلامی؛</p> <p>- تحقیق و بررسی در خصوص شیوهها و ترفندهای تبلیغاتی سوء و تهاجم فرهنگی علیه جامعه اسلامی (سازمان تبلیغات)</p>	<p>کلیت سرمایه اجتماعی</p>

جدول شماره (۱۸) برنامههای نهادهای اجرایی در راستای ارتقای سرمایه اجتماعی (بر اساس خوداظهاری)

	برنامهها
--	----------

سطح کلان	<p>- شفاف سازی امور اجرای و اداری از طریق اطلاع رسانی ؛</p> <p>- ایجاد کمیته‌های مشترک ؛</p> <p>- اقدام به برنامه‌های کوتاه مدت ، میان مدت ، بلند مدت ؛</p> <p>- افزایش سطح امیدواری (شهرداری)</p> <p>- هم اندیشی در برنامه ریزی برای افزایش توانمندی و مهارت کاری ؛</p> <p>- گسترش نشست های فرهنگی ، مذهبی و آموزشی ؛</p> <p>- فراهم کردن بودجه ؛</p> <p>- فضای مورد نظر ؛</p> <p>- دعوت از سخنرانان و مدعوین مربوطه ؛</p> <p>- ارتباط بین رشته دانشگاه و شغل ؛</p> <p>- شرکت در راهپیمایی ها ؛</p> <p>- برگزاری مراسم های خاص ؛</p> <p>- دیدار با خانواده‌های شاهد ؛</p> <p>- اعزام دانشجویان به دیدار مقام معظم رهبری ؛</p> <p>- برگزاری اردو های راهیان نور- تجلیل از جانبازان و گسترش فضای مجازی و تهاجم فرهنگی ؛</p> <p>- توجه نظام مند به مسئولیت اجتماعی دانشجویان و دانشگاه ؛</p> <p>- تلاش برای درک جایگاه حقیقی دانشجویان و ایجاد شور و نشاط در آنها ؛</p> <p>- ایجاد محیط زیبا برای دانشگاه (دانشگاه‌های فنی)</p> <p>- بالا بردن تعداد رشته‌های آموزشی ، کیفیت بهتر نظام آموزشی از طریق کاهش نرخ نسبت دانشجو و استاد ؛</p> <p>- ایجاد اهداف مشترک و باور به آنها ؛</p> <p>- حضور نمایندگان نظرات مختلف اجتماعی در دانشگاه در زمان انتخابات- رابطه بیشتر اقوام (دانشگاه ازاد)</p> <p>- تقویت بعد اطلاع رسانی ، تبلیغات موثر و مفید ، ارائه خدمات موثر و مفید و استفاده از ظرفیت همه مردم ؛</p> <p>- استفاده از ظرفیت همه آحاد جامعه ؛</p> <p>- آموزش های مستمر به همکاران و جامعه بهرهمند از خدمات ؛</p> <p>- از همه ظرفیتهای اجتماعی استفاده خواهیم کرد ؛</p> <p>- تقویت مبانی فرهنگی در قالب آموزش خانواده‌ها ؛</p>
-------------	--

- آموزش های مستمر- آموزش های مستمر.(کمیتة امداد)
 -برقراری تعادل میان انتظارات مردم و حاکمیت؛
 -انجام نظرسنجی؛
 - افکار سنجی از مخاطبان؛
 -منشور اخلاقی رسانه؛
 - اخلاق حرفه ای در گزارشگری؛
 - حفظ حریم شخص مخاطب؛
 - ترویج حقوق شهروندی؛
 - بالابردن اعتماد در جامعه؛
 -تقویت محوری خبر؛
 - امید به آینده؛
 - سلامت اداری(صدا و سیما)
 - ادامه ی روند پذیرش و جذب نیروی انسانی ا طریق کنکور سراسری و آزمون استخدامی و ایجاد رشته‌های جدید در مقاطع ارشد و دکتری و اعتماد بر انجام درست و پاسخگویی مسولین؛
 -تدوین سند طراحی کلان برنامه درسی تربیت معلم در راهبرد دانشگاه فرهنگیان؛
 - تدوین و تصویب برنامه راهبردی (دانشگاه فرهنگیان)
 همکاری با ارکان ها؛
 - قانون تعزیرات حکومتی و بهداشتی درمانی؛
 -منشور اخلاقی- رسیدگی به مطالبات (بیمه سلامت)
 -ازتباط تنکاتنک دولت و کارفرما-اعمال ساختار نظام بیمه؛
 -اجرای نظام جامع رفاه؛
 -تحت پوشش بیمه برای مشاغل خاص؛
 -یکسان سازی قوانین با اصالت سازمانی (تامین اجتماعی)
 :- کاربردی نمودن دوره‌های آموزشی دانشگاه در راستای اهداف میان مدت تعیین شده برای دانشگاه؛
 - تدوین مقررات جامع و بلندمدت در امور آموزشی که کار مراکز را تسهیل نماید؛
 - تلاش برای جلب اعتماد بیشتر مخاطبان به دانشگاه که عامل اصلی جلب مشارکت آنها است؛
 - تقویت فعالیت های فرهنگی در دانشگاه و گسترش آنها برای پوشش دادن اکثریت دانشجویان دانشگاه؛

<p>- ماموریت گرا بودن بخش دیگری از نگاه دانشگاه به این موضوع است؛</p> <p>- عمق بخشیدن هرچه بیشتر فعالیت های فرهنگی؛</p> <p>- فاصله گرفتن از اخباری که اعتماد کارکنان را به سیستم از بین میبرد؛</p>	
<p>- شفاف سازی؛</p> <p>- اطلاع رسانی ؛</p> <p>- استفاده از نظرات افراد متخصص و نخبه در امور اجرایی؛</p> <p>- حمایت از از طرحها ،</p> <p>- انعقاد تفاهم نامه مشارکتی؛</p> <p>- تقویت روابط عمومی؛</p> <p>- اجرای منشور اخلاقی؛</p> <p>- همکاری مشترک (شهرداری)</p> <p>- تقویت تقویم سالانه و گرفتن نظرات همکاران و اساتید؛</p> <p>- گسترش فضا های آموزشی و رفاهی؛</p> <p>- تشکیل ستاد ها و گروه های لازم جهت بررسی (دانشگاه فنی)</p> <p>- در سازمان آموزشی مشارکت در خود سازمان در مرتبه بالاتری قرار دارد دانشجویان، اعضا هیات علمی، کارکنان با مشارکت در تصمیم گیری ها می توانند حس اعتماد و انسجام را تجربه کنند؛</p> <p>- دانشگاه از طریق پایان نامه ها و تحصیلات تکمیلی و تحقیقات دانشجویی و اعضا هیات علمی به دنبال مشارکت در حل مشکلات و مسائل ضروری دیگر سازمان ها می باشد؛</p> <p>- دانشگاه با سازمان ها در سطح ستادی و سازمانی ارتباط دارد. بنیاد شهید انقلاب اسلامی و کمیته امداد امام خمینی از جمله سازمان هایی هستند که با دانشگاه ارتباط خوبی دارند؛</p> <p>- کارورزی در رابطه با صنعت و سازمان های فنی بسیار مهم می باشد که از طریق دفتر ارتباط با صنعت صورت می پذیرد.(سازمان تبلیغات)</p> <p>مشارکت با ارکان دولتی؛</p> <p>- کارکنان در دانشگاه آزاد اسلامی تحت تاثیر ویژگی های اخلاق مسئولان و سرپرستان دانشگاه می باشد پاسخگویی و وجدان کاری تجربه ای است که موجب ارتقا سرمایه اجتماعی می شود.(دانشگاه آزاد)</p> <p>-افزایش کمی و کیفی؛</p>	<p>سطح میانی</p>

- تشویق و حمایت از برنامه‌های سمن‌ها چه از نظر مالی و چه از نظر معنوی همچنین راه اندازی خانه جوان در سطح استان با ارائه امکانات کامل به صورت رایگان و تامین فضای آموزشی مورد نیاز سمن‌ها و راه اندازی صفحات شخصی ویژه سمن‌ها بصورت رایگان در سامانه ملی سمن‌های وزارت ورزش و جوانان؛

- بهبود امکانات اداره کل و افزایش سطح آگاهی و آموزش کارکنان (ورزش و جوانان)

- آمادگی همه جانبه در مشارکت برای مساعدت به سازمان خود و دیگر سازمانها؛

- مشارکت در فعالیتهای عام المنفعه.

تلاش در برقراری این ارتباط؛

- وجدان کاری (کمیتة امداد)

- ارزش اخلاقی (صداوسیما)

- راهبردهای دانشگاه فرهنگیان: تاسیس بنیاد خیریه تربیت معلم و فعال سازی مجمع خیرین؛

- برگزاری انتخابات شورای صنفی؛

- رفاهی؛

- بازارچه‌های دانشجویی؛

- برگزاری همایش ازدواج دانشجویی؛

- برگزاری جشنواره ورزش‌های همگانی و بازی‌های بومی و محلی سراسر کشور دانشگاه * استفاده از

خردجمعی در تصمیم‌سازیها و تصمیم‌گیری‌ها در تمامی سطوح مدیریتی دانشگاه؛

- یکپارچگی و انسجام تدابیر و برنامه‌های دانشگاه با توجه به ملاحظات ارزشی، فرهنگی و بومی؛

- رویکرد شایستگی محوری و تأکید بر شایستگی‌های عام، حرفه‌ای و تخصصی در تربیت معلم؛

- تأکید بر گسترش فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی با حضور خودانگیخته، اختیاری و آگاهانه مخاطبان در

عرصه‌های ملی، منطق‌های و جهانی؛

- ترغیب و تشویق خلاقیت، شفافیت، بهبود کیفیت و افزایش بهره‌وری (دانشگاه فرهنگیان)

- فاصله گرفتن از اخباری که اعتماد کارکنان را به سیستم از بین میبرد؛

- ارزیابی فعالیت‌های ذکر شده در بند ۲ و استمرار آن با رفع نواقص - بازنگری سرفصل‌ها متناسب با

نیاز بازار کار؛

- ایجاد خوشه‌های رشد در مراکز؛

- هماهنگی هرچه بیشتر فعالیت‌های دانشگاه با اسناد بالادستی؛

<p>- آموزش مولفه‌های اصلی اخلاق حرفه ای به کارکنان و مدیران؛</p>	
<p>- هدفگذاری بلند مدت ، میان مدت ، کوتاه مدت ؛ - ایجاد فرهنگ اعتماد متقابل ؛ - ترویج مسابقات و برنامه‌های خانوادگی (شهرداری) - برگزاری کارگاه‌های آموزشی و اخلاقی و کارگاه‌های مختلف و نشست های درون سازمانی؛ - افزایش مهارت ؛ - فراهم کردن بودجه؛ - فضای مورد نظر؛ - دعوت از سخنرانان و مدعوین مربوطه - گسترش نشست های فرهنگی ، مذهبی و آموزشی؛ - اجرای مصوبات و آیین نامه‌ها و بخشنامه‌های صادر شده از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری؛(دانشگاه فنی) ب- برگزاری سالانه دوره‌های آموزشی و تشویق کتابداران اخلاق مدار؛ - ایجاد صندوق های تسهیلات پرسنل و چرخش دوره ای اداره آن بین پرسنل؛ - برگزاری دوره آموزشی در حوزه تربیت کودک، همسرگزینی، آداب همسر دار؛ - ارسال پیام در یادمانهای همکاران(تبریک زاد روز تولد) برگزاری جشن سالانه در روز کتاب کتابخوانی و کتابدار؛ - تشکیل تیم پیاده روی اداره کل(کتابخانه عمومی) -تشکیل تیم پیاده روی اداره کل؛ - برگزاری دوره آموزشی و حمایت از سمن های فعال در این حوزه به همراه توزیع بسته‌های آموزشی(ورزش و جوانان) -تعارض در گفتار و عمل (صدا و سیما) -شایسته سالاری، شایسته گزینی و شایسته گماری و تعهد به اصول اخلاق حرفه ای در ارائه خدمات و مأموریت ها؛ -حمایت از مواجهه انتقادی، خردورزانه، عالمانه و منصفانه با دیدگا هها و موضوعات متنوع دینی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی؛</p>	<p>سطح خرد</p>

<p>- آموزش مولفه‌های اصلی اخلاق حرفه ای به کارکنان و مدیران (تبلیغات) - نهادینه نمودن باورهای دینی از طریق پایبند بودن عملی مدیران در ابتدا به این موضوع؛ - ارزیابی نتایج ارتباط های قبلی از دید مخاطبان؛ - اح نارسایی ها و تقویت نقاط قوت این ارتباطات جزء برنامه‌های دانشگاه برای تقویت این موضوع است؛ (دانشگاه علمی کاربردی)</p>	
<p>- برنامه‌هایی از قبیل برپایی ایستگاه‌های نقاشی به مناسبت های فرهنگی (روز قدس) برگزاری برنامه‌ها و جشن های هفته ملی کودک ، هفته کتاب و کتابخوانی ، قصه گویی ، نمایش عروسکی ، نشست های تخصصی ادبی ، ویژه برنامه‌های ایام الله دهه فجر... از جمله برنامه‌هایی است که موجب دستیابی به این ابعاد می شود (کانون کودک و نوجوان)؛ - مکاتبه با ادارات زیر مجموعه به منظور شناسایی مخاطبین فعال شرکت کننده در برنامه‌های آموزشی و همچنین اساتید و مبلغین برجسته و تجلیل از ایشان ؛ - اجرای طرح وارثین کشوری؛ - اجرای طرح سدید و ولایت ؛ - اجرای طرح باقرالعلوم ؛ - مکاتبه با ادارات زیر مجموعه به منظور تعامل بیشتر نیروهای حوزه فرهنگی مددجویان و ارسال نظرات و پیشنهادات به اداره کل و انجام برنامه ریزی های لازم در خصوص رفع موانع و مشکلات موجود (کمیته امداد) - انجام مطالعات و بررسیهای کار بردی در خصوص مسائل و نیازدینی و تبلیغی جامعه اسلام؛ - طراحی شیوه های تبلیغی نوین ، فراگیر غیر مستقیم و اثر بخش؛ - تهیه و ارائه چارچوبها و شاخص های معرف محصولات مطلوب فرهنگی و هنری و تهیه و عرضه فرآورده‌ها و آثار نمونه فرهنگی و هنری در جهت ارائه الگوهای مناسب ؛ - فراهم کردن شرایط و زمینه‌های مناسب برای فعالیتهای افراد و گروههای تاثیر گذار فرهنگی و هنری و ارائه تسهیلات و امکانات لازم برای عرضه آثار آنان در راستای گسترش تبلیغات دینی (سازمان تبلیغات)</p>	<p>کلیت سرمایه اجتماعی</p>

جدول شماره (۱۹) موانع و محدودیتهای نهادهای اجرایی در راستای ارتقای سرمایه اجتماعی (بر اساس خوداظهاری)

موانع و محدودیتهای	
--------------------	--

سطح کلان	<p>- موازی کاری و عدم وجود کمیته مشترک تقسیم نامناسب وظایف در جلسات مشترک، همچنین عدم ضمانت اجرای طرحها، عدم مدیریت یکپارچگی شهری؛</p> <p>-عدم توافق بر یک هویت واحد؛</p> <p>-مشکلات اقتصادی و معیشتی؛</p> <p>-عدم مبارزه با فساد (شهرداری)</p> <p>-کمبود نیروی کار برای ارائه خدمات و هیئت علمی؛</p> <p>-تداخل برنامه‌های آموزشی با برنامه‌های انسجام؛</p> <p>-فراهم کردن بودجه برای تهیه ی بسته‌های مربوطه و هزینه‌های موجودغ</p> <p>-نداشتن آمار دقیق از فرایندهای بازار کار، تولید، صنعت، سرمایه‌یغ</p> <p>-کمبود منابع مالی (دانشگاه‌های فنی)</p> <p>-کاهش بودجه‌های آموزشی و فوق برنامه(فرهنگی)، کاهش تعداد دانشجوی ورودیغ</p> <p>-تمایز بین مشارکت و سیاسی کاری از مشکلات دانشگاه آزاد می باشد که هم آزادی گروهی تضمین شود و هم آرامش محیط‌های آموزشی و درسی؛</p> <p>-قوم گرایی در استان می تواند موجب کاستی هایی در سازمان آموزشی شود؛</p> <p>-نوسانات اقتصادی تصور از آینده را مخدوش و تاریک می نماید.(دانشگاه آزاد)</p> <p>-دیدگاه فرهنگی در مسوولین نظام؛</p> <p>-کمبود اعتبارات فرهنگی و عدم رعایت عدالت در توزیع بودجه‌های فرهنگی؛</p> <p>-عدم استفاده از پتانسیل فرهنگی موجود؛</p> <p>-ضعف مدیریت فرهنگی؛</p> <p>-ضعف امکانات و زیرساختهای فرهنگی؛</p> <p>-اجرای برنامه‌های فرهنگی با روشهای منسوخ؛</p> <p>-ضعف برنامه‌های فرهنگی جهت ذائقه فرهنگی جوانان؛</p> <p>-ضعف نظارت بر امکانات فرهنگی؛</p> <p>-شکاف میان نخبگان فرهنگی و کارگزاران با یکدیگر و مردم؛</p> <p>-ضعف اعتماد متقابل مردم به کارگزاران؛</p> <p>-ضعف اهداف مشترک میان مردم و کارگزاران؛</p> <p>-فقدان سازوکارهای مشترک میان مردم و کارگزاران در جهت ساماندهی فعالیتهای اجتماعی و</p>
-------------	--

مردمی؛

- ناتوانی از استفاده از زیرساختهای فکری و فرهنگی آموزه‌های دینی؛
- کندی روند آگاهی بخشی عمومی در رابطه با ارزشهای اسلامی و انقلابی؛
- بازبودن راههای نفوذ فرهنگ بیگانه کم اهمیت شدن آموزه‌های اخلاقی در میان مردم؛
- چالش میان سنت و مدرنیته در نظام جمهوری اسلامی برای تحقق اهداف فرهنگی؛
- عدم تعریف و تبیین حدود آزادیهای مدنی، اقتصادی و فرهنگی و... ضعف هم اندیشی صاحب نظران فرهنگی کارآمد در جستجوی بستر اندیشه‌های مشترک آینده نگر؛
- در نظام جمهوری اسلامی ایران اساس هر حرکتی به پایبندی به مبانی آن حرکت است یعنی ولایت الهی و ولایت معصومین علیهم السلام و به نص صریح، ولایت فقیه که نظام از بابت مبادی عملی در نهادینه سازی آنها در این چهاردهه کار فرهنگی پایدار و ماندگار انجام نداده است. ضعف فعالیت و اطلاع رسانی در زمینه اجرایی سازی طرح تقسیم کار ملی در بین دستگاههای اجرایی؛
- فقدان برنامه‌های منسجم در رابطه با استفاده از ظرفیتهای تخصصی مراکز علمی و پژوهشی؛
- کمبود مراکز آگاهی بخشی و دوره‌های ثابت مهارت افزایی (سازمان تبلیغات)
- عدم تفکر و نگرش سیستمی، وضعیت رفاهی و اقتصادی نامتعادل مردم و همچنین خیرین، بی تفاوتی در جامعه از مهم ترین مواردی است که میتواند بعنوان مانع مطرح شود؛
- عدم تفکر و نگرش سیستمی، وضعیت رفاهی و اقتصادی نامتعادل مردم و همچنین خیرین، بی تفاوتی در جامعه از مهم ترین مواردی است که میتواند بعنوان مانع مطرح شود؛
- همراهی دستگاهها با امداد؛
- همراهی مسئولین؛
- اعتبارات مکفی در این زمینه نیست؛
- اعتبارات و عدم همراهی مسئولین و دستگاههای اجرایی؛
- عدم هماهنگی در انجام فرایندهای اجرایی کار (کمیتة امداد)
- کمبود بودجه و نیروی تخصص - عدم پذیرش پاسخگو بودن مسولان؛
- عدم شایسته سالاری با تاثیر از قومیت؛
- مجوز استخدام
- لزوم ارتقا سطح تحصیلات در مشاغل خاص؛
- باور پذیری پیام های رسانه ای (صدا و سیما)

<p>- کمبود امکانات آموزشی و هیات علمی، عدم بودجه کافی برای افزایش امکانات آموزشی؛</p> <p>- زمان بر بودن، جابجا شدن مسولان دانشگاهی، ساختار های اداری، اجرای برنامه ها با روشهای منسوخ ،ضعف نظارت بر اجرای درست مصوبات؛</p> <p>- ضعف مدیریت واحد و یکپارچه؛</p> <p>- بازبودن راههای نفوذ فرهنگ بیگانه ،کم اهمیت شدن آموزه های اخلاقی در میان دانشجویان؛</p> <p>- ضعف هم اندیشی صاحب نظران دانشگاهی کارآمد در جستجوی بستر اندیشه های مشترک آینده نگر؛</p> <p>- ضعف فعالیت و اطلاع رسانی در زمینه اجرایی سازی طرح تقسیم کار ملی در بین دستگاههای اجرایی؛</p> <p>-فقدان برنامه های منسجم در رابطه با استفاده از ظرفیتهای تخصصی مراکز علمی و پژوهشی؛</p> <p>-کمبود مراکز آگاهی بخشی و دوره های ثابت مهارت افزایی (دانشگاه فرهنگیان)</p> <p>-کمبود بودجه؛</p> <p>-قوانین نادرست؛</p> <p>-زمان اصلاح برای برنامه های میان مدت تفهیم قوانین ومشکلات هماهنگی قوای سه گانه (تامین اجتماعی)؛</p> <p>- پراکندگی در فعالیت های فرهنگی توجه به نظام مند این فعالیتها دنبال نمودن اهداف مقطعی در فعالیت های فرهنگی؛</p> <p>- نامشخص بودن وضعیت دانشگاه و ماندگاری یا عدم ماندگاری آن مانعی برای این موضوع است؛</p> <p>- پراکندگی در فعالیت های فرهنگی و عدم جام لازم بین فعالیت های فرهنگی و دانشجویی به عنوان دو عامل تکمیل کننده هم در ایجاد هویت اجتماعی؛</p> <p>- پیشگیری و کاهش اقداماتی که در کاهش اعتماد مخاطبان به دانشگاه و کاهش مشارکت آنها موثر است؛</p> <p>- تصمیمات گاه و بیگاه نامیدکننده از سوی وزارت علوم و دستگاه های بالاتر موجب از هم گسیختگی این انسجام می شود مانند توقف پذیرش دانشجو برای بیش از ۲۵۰ مرکز علمی کاربردی توسط شورای عالی اداری در سال ۹۶؛</p> <p>- نگرش نامناسب وزارت علوم به این دانشگاه و تردید مسؤلان این وزارتخانه در مورد ادامه فعالیت دانشگاه؛</p>	
--	--

سطح میانی	<p>-ملاحظات سیاسی و اداری ؛</p> <p>- عدم حمایت از کاری از ایده‌ها ؛</p> <p>- کمبود بودجه؛</p> <p>- عدم مشارکت در حل مشکلات؛</p> <p>- عدم رعایت منشور اخلاقی؛</p> <p>- جهت گیری سیاسی مدیران (شهرداری)</p> <p>- کمبود بودجه ؛</p> <p>- عدم استقبال دانشجویان؛</p> <p>- کمبود وقت و نیروی انسانی؛</p> <p>- برگزاری جلسات و نشست هایی با مسئولین استانی؛</p> <p>- حسن رابطه و درک متقابل و توسعه تفاهم بایکدیگر و عموم مردم (دانشگاه فنی)</p> <p>- دشواریهای معیشتی و بحران بیکاری جوانان -ناشناخته ماندن عامل گسست فرهنگی میان نسلی و عدم مدیریت آن؛</p> <p>-ضعف در خدمات رسانی بعضی از دستگاههای خدمات رسان؛</p> <p>-ضعف نظام آموزشی و امکانات مراکز آموزشی و پژوهشی؛</p> <p>-ضعف روحیه مطالبه گری و مشاوره دادن به دیگران در بین کارگزاران دولتی؛</p> <p>-ضعف تمرکز در استفاده از امکانات و موقعیتهای کاری موجود در دستگاه مرتبط؛</p> <p>-نبودن یک نظام قانونی ارجاع مشکلات دولت به تشکلهای علمی و فرهنگی و مردمی جهت بررسی مسائل و مشکلات و ارائه راهکار؛</p> <p>-ضعف حمایت از مفاد قانونی موجود در دامن زدن به جلب مشارکت سمن ها ؛</p> <p>-سرمایه اجتماعی در مرحله عمل-عدم اطلاع یا کم اطلاعی نهادهای دولتی از مشکلات تشکلهای ؛</p> <p>-ارائه خدمات تشکلهای توسط بعضی از سازمانهای دولتی ؛</p> <p>-عدم توازن دستگاههای دولتی در ارائه خدمات به تشکلهای؛</p> <p>-عدم توجه جدی به مردم به عنوان سرمایه اجتماعی در مرحله عمل</p> <p>-عدم اعتماد و بدبینی نسبت به تشکلهای در بسیاری از دستگاهها و بنگاههای اقتصادی؛</p> <p>-عدم وجود سازوکارهای قانونی در جلب همکاری نهادهای دولتی با یکدیگر؛</p> <p>-عدم ارزشیابی دستگاههای دولتی بر مبنای درصد جلب مشارکت با دیگر نهادها؛</p>
--------------	---

-مسوولین ارشد استانی به عنوان یکی از عوامل مؤثر در پیشبرد اهداف دولت ، موضوع مشارکتهای بین سازمانی؛

-ضعف امکانات و زیرساختهای فرهنگی؛

-اجرای برنامه‌های فرهنگی با روشهای منسوخ ضعف برنامه‌های فرهنگی جهت ذائقه فرهنگی جوانان ؛

-ضعف نظارت بر امکانات فرهنگی؛

-فقدان نگرش کاربردی در حوزه اخلاق حرفه ای ؛

-تحویل نگرش از بزرگترین مشکلات ادارات در حوزه اخلاق است(در قالب موازین اخلاقی و کار موجه یک کار غیرموجه انجام گیرد؛

-فراقکنی و نادیده گرفتن نقش خود در ارتقای اخلاق سازمانی؛

-ارباب رجوع مداری بعنوان یک واقعیت و نه یک شعار فقدان انگیزه در توسعه اخلاق حرفه ای در بین کارگزاران(سازمان تبلیغات)

-امکانات و ظرفیتهای موجود جهت دستیابی به اهداف بکار گرفته شده که با افزایش انگیزه جوانان در راستای ارتقامشارکتهای اجتماعی مشکلی نخواهد بود؛

- از کلیه امکانات و ظرفیتهای موجود جهت حل موانع استفاده می گردد(ورزش و جوانان)

- ضعف در خدمات رسانی بعضی از دستگاههای خدمات رسان؛

-ضعف نظام آموزشی و امکانات مراکز آموزشی و پژوهشی؛

- ضعف روحیه مطالبه گری؛

- نبودن یک نظام قانونی ارجاع مشکلات دولت به تشکلهای علمی و فرهنگی و مردمی جهت بررسی مسائل و مشکلات و ارائه راهکار؛

-عدم توجه جدی به دانشجویان در مرحله عمل - تغییرات مدیریتی در دانشگاه؛

-عدم اعتماد و بدبینی نسبت به تشکلهای در بسیاری از دانشگاهها؛

-عدم وجود سازوکارهای قانونی در جلب همکاری نهادهای دولتی با یکدیگر؛

-عدم ارزشیابی دستگاههای دولتی برمبنای درصد جلب مشارکت با دیگر نهادها؛

-مسوولین ارشد استانی به عنوان یکی از عوامل مؤثر در پیشبرد اهداف دولت ، موضوع مشارکتهای بین دستگاهی را تأیید و مدیریت نمایند.؛

<ul style="list-style-type: none"> - نادیده گرفتن انگیزه‌ها در کارکنان و هیات علمی؛ - اقتصادی شدن آموزش در دانشگاهها(دانشگاه فرهنگیان) - آموزش مولفه‌های اصلی اخلاق حرفه ای به کارکنان و مدیران؛ - عم حمایت نهاد حاکمیتی از فعالیتهای دانشگاه به شکل مناسب؛ - حضور برخی دستگاه‌ها دوره‌های تحصیلی دانشگاه را به عنوان یک فعالیت مهارتی در بخش آموزش عالی قبول ندارند؛ - عدم پاسخ بازارکار به نیازسنجی های دانشگاه؛ - عدم همراهی بازار کار در اجرای دوره‌های کاربردی و کاربرینی دانشجویان با دانشگاه؛ - ویتترین ای شدن این اقدامات و دادن آمار و ارقام غیر واقعی در این خصوص؛ - دیگر اجزای نظام آموزش عالی برنامه‌های این دانشگاه را به عنوان آموزش عالی قبول ندارند؛ - برخی انتظارات کارکنان که در اختیار مدیران دانشگاه نیز از موانع تحقق این موضوع است؛ - ترویج پدیده ناصحیح سکوت هر سازمانی در بین کارکنان؛ 	
<ul style="list-style-type: none"> - عدم درک از وضعیت فعلی؛ - اعتماد بی جا به دیگران؛ - مشکلات اقتصادی ؛ - عدم اعتماد به دیگران برای حل مشکلات(شهرداری) - کمبود وقت؛ - کمبود نیرو برای ارائه خدمات؛ - کمبود اعضای هیئت علمی؛ - فراهم کردن بودجه برای تهیه ی بسته‌های مربوطه و هزینه‌های موجود؛ - کمک به دانشجو برای شرکت در مراسمات در زمان حضور در کلاس(دانشگاه‌های فنی) - نبود امکانات مالی جهت تقدیر از کتابدارانی که حائز شایستگی و تعهد بیشتری هستند.؛ - برخی بی اعتمادی ها ریشه در گذشته تربیت افراد دارد و در مجموعه قابل اصلاح نیست.؛ - برخی خودخواهیها و تک روی ها ریشه در گذشته و نوع تربیت افراد دارد و در مجموعه قابل اصلاح نیست.؛ 	<p>سطح خرد</p>

- برنامه‌های رفاهی و مراسمات با توجه به هزینه بر بودن به صورت محدود در طی سال برگزار می‌گردد؛

- برخی کارمندان از نظر شخصیتی درونگرا نسبت به ارتباط به دیگران بی‌میل هستند بعلاوه پراکندگی شهرستانی و سکونت و خدمت برخی کتابداران در مناطق دور دست استان از موانع ایجاد ارتباط می‌باشد (کتابخانه عمومی)

- ضعف مسوولیت پذیری ، برتری جویی ، اختلاف در صداقت ، بی توجهی ، عدم احترام به دیگران ، بی توجهی به ارزشهای جامعه ، بیرون آمدن از عدالت و انصاف؛

- عدم تحقق عدالت اجتماعی ، بروکراسی اداری ، عملی نشدن بعضی از وعده‌ها ، کمبودها و نواقص قانونی در خدمت رسانی به مردم ، تبلیغ فرهنگ غربی از شبکه‌های اجتماعی ، مصرف گرایی و منفعت طلبی ، کمبود امکانات تفریحی و ورزشی؛

- شکاف میان نخبگان فرهنگی و کارگزاران با یکدیگر و مردم ضعف اعتماد متقابل مردم به کارگزاران - ضعف اهداف مشترک میان مردم و کارگزاران؛

- فقدان سازوکارهای مشترک میان مردم و کارگزاران در جهت ساماندهی فعالیتهای اجتماعی و مردمی؛ - ضعف امکانات و زیرساختهای فرهنگی ؛

- اجرای برنامه‌های فرهنگی با روشهای منسوخ؛

- ضعف برنامه‌های فرهنگی جهت ذائقه فرهنگی جوانان ؛

- ضعف نظارت بر امکانات فرهنگی - انتقاد و ارزیابی منفی از رفتار و نگرشهای مدیران و کارگزاران ؛ - نامگذاری و برچسب زدن به دستگاهها و کارگزاران این عامل ما را از شناخت ظرفیتهای خودمان و دیگران باز می‌دارد ؛

- ستایش از مدیران و کارگزاران بدون ارزیابی مثبت (سازمان تبلیغات)

- مشکلات اقتصادی و اجتماعی که در گیر زندگی خانوادگی افراد گردیده مانع اثربخشی کامل آموزشها می‌گردد. (ورزش و جوانان)

- عدم حمایت از دیدگاههای متنوع ؛

- بی توجهی به ارزشهای جامعه؛

- بیرون آمدن از عدالت و انصاف؛

- نادیده گرفتن وجود نیروها و منفعت طلبی ها؛

- سیاسی شدن دانشگاه و عدم توجه به فلسفه وجودی دانشگاه؛

<p>- کاهش انجام کارهای عملی مربوط به خانواده(دانشگاه فرهنگیان)</p> <p>- ارتباط یک طرفه دانشگاه با مردم و عدم دریافت بازخورد و یا عدم اجازه به مخاطب برای ارائه بازخورد؛</p> <p>- عدم عملکرد صحیح مسئولان در این خصوص مانع اصلی در این موضوع است؛</p>	
<p>-موانع و کاستی ها بیشتر در خصوص تامین منابع مالی و سرمایه انسانی متخصص در حیطه کاری می باشد که نیاز به حمایت و سازماندهی توسط مسئولین محترم نظام را دارد.(کانون کودک و نوجوان)</p> <p>-با توجه به موقعیت جغرافیایی و وجود مناطق صعب العبور ، کمبود منابع مالی و همچنین کارشناسان متخصص از مهمترین کاستی های استان قلمداد می شوند؛</p> <p>- کمبود اعتبارات در بعضی از سرفصلها و یا عدم تامین به موقع منابع (کمیته امداد)</p> <p>- نبود نگاه تحلیلی وجامعه شناختی مناسب در سیاستگذاران وکارگزاران فرهنگی؛</p> <p>-در نظر نگرفتن تاثیر فراوان حوزه های سیاست و اقتصاد بر حوزه فرهنگ و و جلب اعتماد عمومی - نبود انسجام در برنامه ریزی های فرهنگی در نهادهای فرهنگی؛</p> <p>-ضعف در هم افزایی بین اهداف و سیاستها و برنامه های دستگاههای فرهنگی؛</p> <p>-نبود ارتباط سیستماتیک میان نهادهای فرهنگی کل کشور و استانها و حتی ادوات فرهنگی داخل هر استان با همدیگر (دانشگاه فرهنگیان)</p>	<p>کلیت سرمایه اجتماعی</p>

جدول خوداظهاری(شماره ۲۰) پیشنهادها و راهکارهای نهادهای اجرایی در راستای ارتقای سرمایه اجتماعی(بر اساس

پیشنهادها و راهکارها	
	سطح کلان
<p>-پرهیزاز جبهه گیری سیاسی؛</p> <p>- برقراری اصل صداقت ؛</p> <p>- ایجاد اعتماد به نفس در کارمندان؛</p>	سطح میانی

- بودجه بندبی استانی؛ - ملی؛ - تعامل بین دستگاه‌ها جهت حل مشکلات و مشارکت؛

- عدم جبهه گیری سیاسی در تعاملات بین سازمانی؛

- تمرکز بر رفاه شهروندان؛

- عمل به منشور اخلاقی (شهرداری)

- تبیین‌های تشکل‌های دانشجویی عالمانه باشد نه احساسی؛

- استخدام نیروهای جدید یا موافقت با انتقالی کارکنان به این مرکز(د دانشگاه فنی)

- آشنایی نهادها و سازمانهای دولتی و غیردولتی با وظایف خود در جهت جلب اعتماد بین دستگاهی و مردمی؛

- برگزاری جشنواره‌های فرهنگی و هنری با حضور مدیران دستگاههای دولتی و ایجاد حساسیت در رابطه با نهادینه سازی اعتماد بین دستگاهی؛

- برگزاری جلسات و کارگاههای آموزشی ویژه مطبوعات در رابطه با ضرورت ایجاد وحدت رویه و اعتماد متقابل بین دستگاهی و اختصاص یک ستون ثابت به این مسأله در نشریات؛

- تقویت روحیه مطالبه گری و مشاوره دادن به دیگران در بین کارگزاران دولتی؛

- هر نهاد و دستگاه دولتی موظف باشد چالشهای دستگاه خود را برطرف سازد؛

- تقویت روحیه همکاری و مشارکت در انجام پروژه‌های کاری؛

- شناسایی و بازسازی سرمایه‌های فکری و انسانی و امکانات در راستای مدیریت برنامه‌های درون سازمانی؛

- تدبیر کارآمد در تأمین اعتبارات تشکلهای؛

- حمایت جدی دولت از ایجاد و حفظ تشکلهای؛

- سپردن بخشی از مسوولیت‌های دولتی به تشکلهای مردم نهاد؛

- تحقق فاکتورهای بقاء در تشکلهای مانند خودجوشی ، درک نیاز طبیعی ، هدفهای مشترک ، قانونمندی ، حمایت ، برنامه محور ، جلب مشارکت ، مسوولیت پذیری دستگاههای دولتی باید در جهت تسهیل قانونی و جلب هر چه بیشتر مشارکت تشکلهای بکوشند؛

- تقویت انگیزه‌های اجتماعی؛

- تقویت مبانی و مبادی دموکراسی با رویکرد اسلامی در راستای جلب مشارکت مردم؛

- تشکیل یک نهاد قانونی با عنوان مدیریت هماهنگی دستگاههای دولتی در استانداری؛

- - تعریف اهداف مشترک - تعدیل خدمات دولتی؛

- استفاده بهینه از فرصت شبکه‌های اجتماعی تعمیم فعالیت‌های فرهنگی به آحاد جامعه ؛

- مدیریت تنوع فرهنگ‌های وارداتی؛

- بسترسازی جهت استقبال جوانان از فعالیت‌های فرهنگی متناسب با آموزه‌های دینی؛

- بکارگیری نیروی انسانی مقید به رعایت اخلاقیات و قانون در سازمان ؛

- تأکید در حسن سابقه و خانواده در بکارگیری نیروی انسانی؛

- تأکید بر معیارهای اخلاقی مانند : درستکاری ،... (سازمان تبلیغات)

- فعالیت تیم‌های ورزشی و ... افزایش اعتبارات کمک به سازمان‌های مردم نهاد؛

- ارتقاء سطح کارایی سیستم های اوتوماسیون ادارات (ورزش و جوانان)

- جذب و نگهداری نیروی انسانی اثربخش و موثر؛

- توجه به معیارهای اخلاقی -تداخل فضای دانشگاه با سایر فضاها، اجتماعی، فرهنگی و مدیریتی.

برگزاری مسافرتها و اردوهای مختلف ، ، سدها و مناطقی که در آنها برنامه‌های توسعه فرهنگی و اجتماعی در حال اجرا است؛

- جلب مشارکت با دیگر دستگاهها؛

- تعریف اهداف مشترک؛

- رایزنی های بیشتر در دانشگاه؛

- تدبیر کارآمد در تأمین اعتبارات تشکلهای دانشجویی؛

- حمایت جدی دولت از ایجاد و حفظ تشکلهای دانشجویی؛

- تقویت روحیه مطالبه گری و مشاوره دادن به دیگران در بین مسولین؛

- تقویت روحیه همکاری و مشارکت ؛

- برگزاری جلسات مذهبی به. همچنین برگزاری جلسات چالشهای نظری دین با شرکت دانشجویان و اعضای هیات علمی؛

- همچنین برگزاری اردوهای ترویجی مذهبی در کنار اردوهای تفریحی افزایش (دانشگاه فرهنگیان)

- پیماد کارکنان از طریق پرهیز از ایجاد انتظارات غیرقابل تحقق به سمت دانشگاه جلب شود؛

- تصور ایجاد شده در اجزای دیگر نظام آموزش عالی به ویژه نظام آموزش عالی دولتی در خصوص سوال چهار باید از بین برود؛

- باید به شکل ها به عنوان یک مولفه ارزشمند برای ایجاد مشارکت فضای کار ایجاد کرد؛

- ایجاد ساز و کار که واحدهای تولیدی صنعتی کشاورزی فناوری غذایی موظف به همکاری دارد

<p>دانشگاه در خصوص اجرای کاربینی و کارورزی؛</p> <p>- تعریف مشخصی از نقش دانشگاه در بین سایر اجزای نظام آموزش عالی در جهت تقویت این ارتباط؛</p> <p>- الزام سایر دستگاههای آموزش عالی در حرکت بر اساس اسناد بالادستی در خصوص آموزش عالی؛</p> <p>- هیچ عاملی جز پایبندی مدیران سطوح بالای دانشگاه و اخلاق حرفه‌ای در این خصوص کارساز نیست؛</p>	
<p>- ایجاد کمیته‌های مشترک دستگاه‌ها؛</p> <p>- پرداختن به جنبه‌های مثبت اعتماد؛</p> <p>- ایجاد همفکری؛</p> <p>- استفاده از رسانه‌ها و هنر؛</p> <p>- تاسیس مراکز خرید، تفریحی، ورزشی، و هنری (شهرداری)</p> <p>- آموزش عملی اخلاق توسط افراد مقید و پایبند به رعایت اخلاقیات و قانون،</p> <p>- گسترش دانشگاه فنی در استان - انعطاف‌پذیری و رونق بخشی به انجام کارهای مشارکتی؛</p> <p>- استفاده ی بهینه از فضای مجازی - تقویت ویژگی‌های اخلاق ؛</p> <p>- مسئولیت‌پذیری-؛</p> <p>برتری جویی و رقابت‌طلبی؛</p> <p>- صادق بودن؛</p> <p>- احترام به دیگران؛</p>	<p>سطح خرد</p>

- رعایت و احترام نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی؛

- عدالت و انصاف؛

- همدردی با دیگران (دانشگاه‌های فنی)

- از طریق تعامل اطلاعاتی با دیگران فرد اعتماد را تجربه می کند (دانشگاه آزاد)

- اختصاص سالانه امتیازات - تلاش بیشتر مسئولین برای تهیه برنامه‌های رسانه ای فرهنگ سازی ؛

- در خارج از ساعات کار ادارات فعالیت و تیمهای ورزشی (کتابخانه عمومی)

- خوش رویی ، استقلال در پاسخگویی به ارباب رجوع ، رعایت انصاف در کار ، تواضع و فروتنی ،

صداقت در کار ، توجه به ارزشهای پذیرفته شده دیگران ، حرکت در مدار عدالت و انصاف ، داشتن

سعه صدر ، گوش دادن به خواسته‌های دیگران؛

- آشنایی بیشتر کارکنان با آموزه‌های دینی مانند صداقت ، وفای به عهد و آشنایی مدیران با شیوه‌های

علمی اعتماد سازی؛

- تلاش در جهت ایجاد وحدت و همدلی بین افراد بمنظور نزدیک سازی عقاید به یکدیگر-حقوق

شهروندی ؛

- راهکارهای اعتماد سازی ؛

جلوگیری از موازی کاری؛

- از بین بردن شکاف میان نخبگان فرهنگی ، کارگزاران و مردم ؛

- تقویت مبانی فکری و عملی اعتماد متقابل مردم و کارگزاران ؛

- تبیین اهداف مشترک بین مردم و کارگزاران تحقق بسترهای اقتصادی و علمی در راستای جلب

اعتماد مردم؛

- استفاده بهینه از فرصت شبکه‌های اجتماعی؛

- تعمیم فعالیتهای فرهنگی به آحاد جامعه ؛

- مدیریت تنوع فرهنگهای وارداتی؛

- بسترسازی جهت استقبال جوانان؛

- حمایتگری در ارتباطات اداری برمحور قانون و ارتقاء اهداف سازمان-استفاده از اطلاعات روشن و

کارآمد ؛

- دریافت اطلاعات از منابع مؤثق و قانونی و اعمال آنها در خط سیر فعالیتهای سازمان؛

<p>- معیار قرارداد رفتارهای متناسب با وظایف سازمانی مدیران و کارگزاران در فرایند انجام مسوولیت‌های سازمانی (سازمان تبلیغات)</p> <p>در خارج از ساعات کار ادارات برنامه‌های جمعی و دوره‌می ویژه بهره‌گیری؛</p> <p>- عقد قرارداد با فروشگاه‌های معتبر برای تسهیل خرید پرسنل (ورزش و جوانان)</p> <p>- تحقق بسترهای علمی پویا در راستای جلب اعتماد مردم؛</p> <p>- مشارکت بیشتر مردم در امورات دانشگاهها؛</p> <p>- خروج سیاست زدگی در دانشگاهها؛</p> <p>ایجاد مدیریت پویا؛</p> <p>- آشنایی مدیران با شیوه‌های علمی اعتماد سازی؛</p> <p>- توجه به رویکرد شایستگی محوری تأکید بر شایستگی های عام، حرفه ای و تخصصی در تربیت معلم؛</p> <p>- ایجاد محیطی پاکیزه و سالم، (دانشگاه فرهنگیان)</p> <p>- مردم را با غیر زبان و با دعوت به خیر کنید- مهندسی اصلی در انتقال مفهوم پیامهای دانشگاه به مخاطبین؛</p> <p>- صداقت در کلام؛</p> <p>- پرهیز از دوگانگی؛</p> <p>- پرهیز از نگاه ابزاری به مخاطب و قصد و نیت صادقانه با مخاطب است که باید این نگاه در ارتباط تقویت شود. (دانشگاه علمی کاربردی)</p>	
<p>- حمایت های مالی در بخش حقوق ، دستمزد ، تامین اعتبار و امکانات رفاهی کارمندان به خصوص در بخش فرهنگی ؛</p> <p>- اولویت فعالیت فرهنگی .در امور استخدامی و جذب نیروی متخصص ضابطه مند باشند(کانون کودک و نوجوان)</p> <p>- تشکیل کارگروه در زمینه افزایش سرمایه اجتماعی ارگان های ذیربط ؛</p> <p>- استفاده از ظرفیت بسیج دانشجویی؛</p> <p>- همت بیشتر دولت در اجرای (کمپته امداد)</p> <p>- مشارکت هدایت همکاریهای تاسیس و ساماندهی کانونهای فرهنگی و تبلیغی و تشکلهای مذهبی</p>	<p>کلیت سرمایه اجتماعی</p>

<p>و انجمن های اسلامی ایجاد همکاری بین سازمان و مردم؛</p> <p>- اجرای برنامه های فرهنگی و اجتماعی؛</p> <p>- نظارت و دقت در انتخاب روحانیون مستقر و موقعیت اجتماعی و فرهنگی، زبان و تفکر محل اعزام روحانی (باید توانائی فرد اعزامی در حدمدیریت و نظارت شرایط موجود هر منطقه باشد</p> <p>برنامه ریزی وساماندهی و پشتیبانی مناطق محروم و دور افتاده وحاشیه نشین جهت اعزام مبلغ و مبلغه (سازمان تبلیغات)</p>	
--	--

فهرست منابع

- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا، (۱۳۸۳) توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، نشر نی، تهران؛
- پاتنام، رابرت، (۱۳۸۴)، جامعه برخوردار، سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی، چاپ شده در تاجبخش، کیان، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، مترجمین افشین خاکباز، حسن پویان؛ نشر شیرازه، تهران؛
- تاجبخش، کیان، (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، نشر شیرازه، چاپ دوم، تهران؛

- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، پایان نظم، بررسی سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلام عباس توسلی، نشر جامعه ایرانیان، تهران؛
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، بنیاد نظریه های اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، چاپ دوم، تهران؛
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، نشر مرکز، تهران؛
- معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری (۱۳۹۴) سنجش سرمایه اجتماعی کشور، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات، تهران؛
مجلات و فصلنامه ها:
- ابراهیمی، نبی... (۱۳۸۶)، تاملی بر مبانی و فرهنگ مکتب کپنهاک، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و یکم، ش ۲؛
- تقی لو، فرامرز (۱۳۸۴)، رابطه سرمایه اجتماعی با امنیت اجتماعی، فصلنامه مطالعات راهبردی شماره ۳۲، سال نهم؛
- ربانی، علی و گنجی، محمد (۱۳۸۷)، تحلیل بر رابطه دین داری و سرمایه اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۴۱؛
- فیروزآبادی، سید احمد (۱۳۸۴)، نقد و معرفی کتاب بولینگ یک نفره، فروپاشی و احیای مجدد اجتماع آمریکایی، مجله جامعه شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۲؛
- قاسمی، وحید و مهری، کاظمی (۱۳۸۷)، تحلیل جامعه شناختی بر نقش خانواده در میزان برخورداری از سرمایه اجتماعی، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، بهار و تابستان، سال پنجم؛
- نوانبخش، مهرداد، واحد، مریم (۱۳۸۸) بررسی رابطه سرمایه اجتماعی خانواده بر ناهنجاری های رفتاری دانش آموزان، پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال چهارم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۹؛
- نویدنیا، منیژه (۱۳۸۲)، درآمدی بر امنیت اجتماعی، مجله مطالعات راهبردی، ش ۱۹؛

- Canland, Christophen,) 2000 (“ ReLigion and community development in southern Asia”, (2000).Kluwer Academic Pudlshers, Vol 33, PP(374-355).
- Fukuyama,F (1995). Trust: the social virtues and the creation of prosperity, Penguin, lomdon.
- Giddens, Anthony(2001) Sociology, with the assistance of Karen Birdsall, Editorial office: Polity Press in 2001, Reprinted 2002, 2003, 2004 Cambridge: polity(publisher). 26.
- Parker,R.(1985)Measuring Social Participation.American Sociolical Review.Vol.48,pp.873-874. 27.
- Paxton, Pamela. (1999)’’Is Social Capital Declining in the united stated? A Multiple Indicator Assessment’ in “American Journul of sociology, Vol.
- Putnam, R.(2000): Bowling alone: The Collapse and Revival of american community. New york simon and Schuster.
- Putnam , Robert,D. And Goss, Kristin AIntroduction In Putnam(ed), (2002) , Democracies in Flux, The Evolution Of social Capital in Contemporary society. Oxford University Press.

ضمیمه: پرسشنامه ادارات

بنام خدا

پرسشنامه ارزیابی نقش نهادهای دولتی در ارتقا سرمایه اجتماعی

در استان چهارمحال و بختیاری

با سلام و خسته نباشید

پرسشنامه‌ای که در پیش رو دارید جهت کمک به ارتقاء سرمایه اجتماعی با بازیگری دستگاههای اجرایی استان است. این پرسشنامه دارای سه سطح (کلان، میانی و خرد) است. سطح کلان دارای ۷ بعد، سطح میانی ۷ بعد و سطح خرد ۵ بعد است. پرسشنامه جمعاً ۱۹ بعد دارد. هدف این پرسشنامه بررسی ابعاد ۱۹ گانه سرمایه اجتماعی است برای اینکه ابعاد قابل فهم تر شوند مؤلفه‌های آنها هم آورده شده است. برای هر ۱۹ بعد با عنایت به مؤلفه‌ها باید به پنج سوال زیر پاسخ داده شود:

- ۱- کدام یک از وظایف، مقررات و اصول دستگاه شما در راستای این بعد از سرمایه اجتماعی است؟
- ۲- چه اقداماتی تاکنون برای دستیابی به این بعد انجام شده است؟
- ۳- چه برنامه‌هایی برای دستیابی به این بعد دارید؟
- ۴- چه موانع و کاستی‌هایی برای دستیابی به این هدف (بعد) دارید؟
- ۵- چه پیشنهادهایی جهت دستیابی بهتر به این بعد دارید؟

علاوه بر این ۱۹ بعد در پایان این ۵ سؤال برای کل سرمایه اجتماعی هم مطرح شده‌اند. به عبارت دیگر این پرسشنامه ۲۰ سؤال دارد که هر سؤال ۵ قسمت دارد و لازم است که به سؤالات با دقت تمام پاسخ داده شود. برای پاسخ به سؤالات باید اساسنامه، آیین نامه، قوانین و مقررات، اقدامات انجام شده و برنامه‌های سازمان خود را مرور و تجزیه و تحلیل نمایید و حداکثر یک ماه پاسخ سؤالات ۲۰ گانه پنج قسمتی را تایپ شده همراه سی دی به اداره کل امور اجتماعی استانداری تحویل داده شود.

ابعاد مؤلفه‌ها	ابعاد مؤلفه‌ها	ابعاد مؤلفه‌ها
<p>۱- کدام یک از وظایف، مقررات و اصول دستگاه شما در راستای این بعد از سرمایه‌اجتماعی است؟</p> <p>۲- چه اقداماتی تاکنون برای دستیابی به این بعد انجام شده‌است؟</p> <p>۳- چه برنامه‌هایی برای دستیابی به این بعد دارید؟</p> <p>۴- چه موانع و کاستی‌هایی برای دستیابی به این هدف (بعد) دارید؟</p> <p>۵- چه پیشنهاداتی جهت دسترسی بهتر به این بعد دارید؟</p> <p>توجه: این ۵ سؤال برای هر ۱۹ بعد باید بصورت جداگانه و مبسوط پاسخ داده شود)</p>	<p>۱- اعتماد</p> <p>اعتماد به نظام</p> <p>اعتماد به مسئولان عالی رتبه نظام</p> <p>اعتماد به عملکرد نظام</p> <p>۲- انسجام</p> <p>احساس همبستگی و یکی بودن با نظام</p> <p>نظام را از خود دیدن</p> <p>۳- مشارکت</p> <p>مشارکت در انتخابات دفاع از نظام</p> <p>دفاع از امنیت ملی</p> <p>۴- هویت اجتماعی</p> <p>احساس اینکه یک ملت واحد بودن</p> <p>خود را یک ایرانی دیدن</p> <p>افتخار به ایرانیت</p> <p>۵- پنداشت از آینده و نگاه به وضعیت کشور در آینده (ساسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی)</p> <p>۶- پنداشت و باور به نظام</p> <p>برحق دانستن نظام و مشروع دانستن آن</p> <p>۷- پنداشت از موفقیت اجزای نظام در انجام دادن وظایف نهادی (نظام؛ دولت، مجلس شورای اسلامی، قوه قضائیه) موفقیت یا عدم موفقیت هر کدام از قوا و نظام در انجام وظایف خود</p>	<p>۱. سرمایه‌اجتماعی سطح کلان (نظام)</p>

مؤلفه‌ها	ابعاد	ابعاد
	<p>۸- اعتماد به نهاد و سازمان خود و دیگر نهادها و سازمانها</p> <p>اعتماد به نهاد</p> <p>اعتماد به مسئولان</p> <p>اعتماد به عملکرد مسئولان</p>	<p>۲. سرمایه‌اجتماعی سطح میانی (نهاد)</p>
	<p>۹- آمادگی مشارکت در کمک به سازمان</p>	

	یا نهاد خود و دیگر سازمانها	
	<p>۱۰- مشارکت و عضویت و فعالیت انجمنی در تشکل‌ها:</p> <ul style="list-style-type: none"> - شورای صنفی - کانون‌های فرهنگی - انجمن اسلامی - انجمن‌ها و کانون‌های ادبی - سازمان‌های غیردولتی (مردم نهاد) - انجمن‌های علمی - تخصصی - حزب و تشکل سیاسی - انجمن‌های ورزشی و تفریحی - هیئت مذهبی - انجمن خیریه - انجمن حمایت از بیماران - انجمن حمایت از سالمندان و... - انجمن اولیاء و مربیان - صندوق‌های قرض الحسنه - دوستی یا خانوادگی - مشارکت در فعالیت‌های عام المنفعه 	
	<p>۱۱- مشارکت در حل مشکلات نهادها(خود و دیگر سازمانها)</p>	
	<p>۱۲- ارتباط بین سازمانها و نهادها</p>	
	<p>۱۳- انسجام و همکاری و هماهنگی نهادها</p>	

	<p>۱۴- ویژگی ها و ارزش اخلاقی مسئولان (سازمان خود و دیگر سازمانها)</p> <p>راستگویی</p> <p>عمل به قول و وعده‌ها</p> <p>لیاقت و شایستگی</p> <p>پاسخگویی</p> <p>وجدان کاری</p> <p>احساس مسئولیت</p> <p>عدم سوء استفاده از مقام و موقعیت</p> <p>عدم قوم و خویش بازی</p> <p>پایبندی به قانون</p> <p>عدم بانندی عمل کردن (بانند بازی)</p> <p>عدم رفتار تبعیض آمیز</p>	
--	---	--

مؤلفه‌ها	ابعاد	
	<p>۱۵- اعتقادات، ارزش ها و هنجارهای اخلاقی</p> <p>راستگویی</p> <p>گذشت</p> <p>یکرنگی و عدم ریا</p> <p>احترام به دیگران</p> <p>خیرخواهی و کمک به یکدیگر</p> <p>رعایت حقوق دیگران</p> <p>کمک به دیگران دوستی</p> <p>صداقت</p> <p>عدم فریب و تقلب</p> <p>وجدان کاری</p> <p>عدم خودخواهی و حسادت</p> <p>وفای به عهد</p> <p>انصاف</p> <p>امید</p> <p>عدم حرص و طمع</p> <p>قانون پذیری</p> <p>وقت شناسی</p> <p>مسئولیت پذیری</p>	<p>۳- سرمایه اجتماعی سطح خرد (افراد سازمان، ارباب رجوع و جامعه)</p>

	<p>۱۷- اعتماد</p> <p>اعتماد به دیگران</p> <p>اعتماد به دوستان</p> <p>اعتماد به خانواده</p> <p>۱۷- مشارکت</p> <p>مشارکت در امور خانواده</p> <p>۱۸- انسجام</p> <p>دوست داشتن دیگران حس همدردی با دیگران</p> <p>مشورت با دیگران</p> <p>تعاون و همکاری</p> <p>۱۹- ارتباطات اجتماعی</p> <p>رفت و آمدهای خانوادگی</p> <p>ارتباط با دیگران</p>	
--	---	--

در پایان برای جمع بندی به طور کلی در خصوص ارتقای سرمایه اجتماعی خواهشمند با دقت به سوالات زیر هم پاسخ دهید:

- ۱- کدام یک از وظایف، مقررات و اصول دستگاه شما در راستای ارتقاء سرمایه اجتماعی است؟
- ۲- چه اقداماتی تاکنون جهت ارتقاء سرمایه اجتماعی انجام شده است؟
- ۳- چه برنامه‌هایی جهت ارتقاء سرمایه اجتماعی دارید؟
- ۴- چه موانع و کاستی‌هایی جهت ارتقاء سرمایه اجتماعی دارید؟
- ۵- چه پیشنهادهایی جهت ارتقاء سرمایه اجتماعی دارید؟

با تشکر

موفق باشید